

DUPLICATE ORIGINAL  
نسخہ برابر اصل

پروندہء شماره ۹۷  
شعبہء دو  
حکم شماره ۹۷-۲-۲۳۲

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL  
دادگاه داری دعاوی ایران - ایالات متحدہ  
ثبت شد - FILED  
Date 2 MAY 1986 تاریخ  
۱۳۶۵ / ۲ / ۱۲  
No. 97 شماره

ریچارد دی ہارزا ،  
جان ای اسکویل ،  
جرج ٹی بیج ،  
به عنوان امنای خواہانہا ،

- و -

جمہوری اسلامی ایران ،  
سازمان آب و برق خوزستان ،  
شرکت سی من پاک با مسئولیت محدود ،  
اس جی سرویسزکا مپنی ،  
خواندگان .

حکم

حاضران:

از طرف خواہانہا : آقای جری دی ، انکر  
آقای مارک تی . دروکس  
از دفتر حقوقی والدہا رکریدر اندراس ،  
وکلائی دعاوی  
آقای ریچارد دی ہارزا  
آقای والتر پی لبر  
آقای جان ای ولتروپ

آقای لیونارد ئی زک

آقای سین هیستینگز

آقای ریچارد اکر

آقای حکوب وان درویل

آقای ادوارد دبلیواکفورد

آقای ولفگانگ پیرچر

آقای ای . ای میتوز

آقای پرویز نبوی

از طرف خوانندگان : دکتر اسماعیل صادق نوبری

سخنگو

آقای سیف الله محمدی

مشاور حقوقی نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

آقای اسماعیل بخشی دزفولی

وکیل سازمان آب و برق خوزستان

آقای محمدرضا فاطمی

آقای بهرام جزایری

آقای حسین جلالی

آقای منوچهر راکعی

آقای هوشنگ رئیسی

آقای عبدالعظیم حقی پور

آقای حسین فرنام

آقای بهرام امینی

نمایندگان سازمان آب و برق خوزستان

آقای حسین مظفر

دکتر جعفر نیاکی

از طرف نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

آقای سیدمصطفی درچهای زاده  
آقای رحمان نوری زاده  
مشاوران حقوقی  
آقای ابوالفضل کوشی  
دستیار مشاور حقوقی  
آقای حسین شیخ الاسلامی  
دکتر محمداسماعیل افراسیابی  
نماینندگان سازمان تاء مین اجتماعی

سایر حاضران :

آقای استفان تونو  
آقای ژان کریزل  
کارشناسان منصوب دیوان  
آقای جان کروک  
نماینده رابط ایالات متحده آمریکا  
آقای دانیل ام پرایس  
قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده آمریکا  
آقای ام گلانس  
مشاور نماینده رابط ایالات متحده آمریکا

فهرست مندرجات

<u>شماره صفحه</u>	<u>موضوع</u>
۴	یک - <u>جریان رسیدگی</u>
۵	دو - <u>واقعیات</u>
۱۱	سه - <u>صلاحیت</u>
۲۰	چهار - <u>ادعاها</u>
۲۰	الف - <u>کلیات</u>
۲۴	ب - شرح ادعاها ی قراردادی
۲۶	ج - موضوعات عمومی
	۱ - مقررات صورتجلسه و ضمیمه صورتجلسه درباره پرداخت
۲۶	و بررسی صورتحسابها
۲۶	۲ - مالیاتهای ایران
۳۰	۳ - حقوقها
۳۲	۴ - هزینه های سفر
۳۳	۵ - متفرقه
۳۴	د - صورتحسابهای موضوع ماده ۵
۳۴	۱ - سدکارون
۳۷	۲ - پروژه آبیاری گتوند - مرحله سوم ج
۳۷	۳ - سایر مراحل پروژه آبیاری گتوند
۳۸	۴ - پروژه سد کارون
۳۸	۵ - پروژه آبیاری بهبهان
۳۹	ه - هزینه های اضافی
۳۹	۱ - برنامه آموزش سازمان آب و برق
۴۰	۲ - آزمایش نمونه سدکارون و مارون
۴۱	۳ - خدمات کوپرزلیبرانند
۴۲	و - بهره تاپایان ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ ( ۹ تیرماه ۱۳۵۹ )
۴۴	ز - خلاصه

## شماره صفحه

## موضوع

۴۶	پنج - ادعاهای متقابل
۴۶	الف - صلاحیت
۴۹	ب - ملاحظات کلی درباره موضوع مسئولیت
۴۹	ج - طرح عمرانی رود کارون
۴۹	۱ - سدکارون
۵۰	الف - لایه رسی در جناح راست سد
۵۴	ب - خسارات ناشی از خوردگی سرریز سد
۵۷	ج - شیرتونل شماره ۱
۵۸	۲ - پروژه آبیاری گتوند
۵۸	الف - شرح پروژه
۵۹	ب - ادعاهای متقابل
۵۹	۱ - برآوردهای هزینه و صورتحسابهای پیمانکار
۶۳	۲ - نظارت نارسا و عدم تسلیم نقشه‌های اجرایی
۶۴	الف - نظارت بر کارها
۶۵	ب - جداره‌های کانالها
۶۶	ج - محل قرضه‌ها
۶۷	د - پل
۶۸	ه - برنامه بررسی خاک
۷۰	و - نقشه‌های اجرایی
۷۱	۳ - ادعاهای متقابل مربوط به سدانحرافی
۷۲	الف - بقایای فرازبند
۷۳	ب - زائده‌های فلزی
۷۳	ج - قطعات دريچه سرریز
۷۴	د - آموزش و اسناد و مدارک
۷۵	ه - طراحی

شماره صفحه

موضوع

۷۵	د - طرح عمرانی رود کارون
۷۶	۱ - سرریز سدما رون
۷۷	۲ - دریچه تونل انحرافی و سیستم زهکشی
۷۹	۳ - کانالهای آبیاری بهبهان
۸۰	۴ - پروژه های آبیاری جایزان و خلف آباد
۸۱	ه - سایر ادعاهای متقابل
۸۲	شش - بهره
۸۳	هفت - هزینه ها
۸۳	هشت - حکم

## یک - جریان رسیدگی

- ۱ - در تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۸۱ ( ۲۶ آبان ماه ۱۳۶۰ ) خواهانها ، به عنوان منتقل الیه و امنای کلیه اتباع ایالات متحده صاحب سهم در هارزا انجیرینگ کامپنی اینترنشنال ( منبعد " هارزا اینترنشنال " ) شرکتی که در لیبریا تشکیل یافته ، دادخواستی علیه جمهوری اسلامی ایران که حسب اظهار شامل دولت ایران ، وزارت نیرو ، سازمان آب و برق خوزستان ( " منبعد " سازمان آب و برق " ) ، شرکت سی من پاک با مسئولیت محدود و اس جی سرویسز کامپنی ، می شود ، در دیوان به ثبت رساندند . مبالغ مورد ادعا کلاً " به ۱۲،۰۵۸۷،۴۰۶ دلار امریکا بالغ می گشت .
- ۲ - کلیه خواندگان به استثنای اس جی سرویسز کامپنی لوایح دفاعیه ثبت نمودند . وزارت نیرو و سازمان آب و برق طی دفاعیه مشترک خود که در ۱۷ مه ۱۹۸۲ ( ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ ) به ثبت رسید ، ادعاهای متقابلی جمعا " به مبلغ ۲۹۴،۳۸۲،۶۰۸ دلار امریکا اقامه نمودند .
- ۳ - دیوان ، طی قرار اعدادی شماره ۲-۹۷-۱۴ ( مورخ ۱۷ فوریه ۱۹۸۳/۲۸ بهمن ماه ۱۳۶۱ ) برای بررسی مسائل فنی گوناگونی که در قرار مذکور مندرج است سه کارشناس نصب نمود . کارشناسان عبارتند از : آقای استفان تونومقیم پاریس ، فرانسه . آقای ژان کریزل مقیم پاریس فرانسه و آقای السون ال و اس . پینتومقیم کوری تیبیا ، برزیل . سه کارشناس نامبرده پس از انجام مشاوراتی با طرفین در شهر لاهه و بررسی مدارک کتبی مطروح در پرونده یا مطالبی که طرفین به آنان تسلیم کرده بودند و بازدید آقای تونوواز دفاتر اصلی خواهانها در شیکاگو ، در ایالت ایلینوی و دریافت نظرات طرفین درباره گزارشهای پیشنهادی خود ، گزارشهای خود را در ماههای فوریه و مارس ۱۹۸۴ به دیوان تسلیم نمودند .

۴- جلسات استماعی در روزهای ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ اکتبر ۱۹۸۵ (۲۲ و ۲۳ و ۲۴ مهرماه ۱۳۶۴) در دیوان تشکیل گردید که آقایان توونو و کریزل در آن حضور داشتند.

#### دو- واقعیات

۵- ادعاها و ادعاهای متقابل پرونده حاضر تا ما " از رابطه قراردادی بین هارزا اینترنشنال و سازمان آب و برق ناشی می شود. قرارداد به منظور استخدام هارزا اینترنشنال به عنوان مهندس مشاور در دو گروه پروژه استان خوزستان، یکی پروژه های رود کارون و دیگری پروژه های رود مارون منعقد شده بود. پروژه های رود کارون شامل دو طرح بودند: یکی احداث یک سد به ارتفاع ۲۰۰ متر و نیروگاه بکهزار مگاواتی و تأسیسات مربوطه (که منبع سد کارون نامیده می شود) و دیگری یک طرح بزرگ آبیاری در فرود دست رودخانه (که منبع طرح آبیاری گتوند نامیده می شود). پروژه های رود مارون مشتمل بر چهار طرح بود: یک سد ذخیره آب (منبع "سد مارون") و سه طرح آبیاری (که منبع طرحهای آبیاری بهبهان، جائزان و خلف آباد نامیده می شوند). هارزا اینترنشنال در هر دو گروه پروژه کارهایی انجام داد و در واقع دو طرح در روی رود کارون ساخته شد اما هیچیک از طرحهای رود مارون از مرحله طراحی فراتر نرفت.

۶- اسناد قرارداد که مبنای روابط بین طرفین و ادعاهای مطروح در این پرونده می باشند عبارتند از:

یک - قرارداد مورخ ۳۰ سپتامبر ۱۳۶۵ (۸ مهرماه ۱۳۶۴) (منبع "قرارداد") که بین وزارت نیروی ایران و هارزا اینترنشنال منعقد شد (سازمان آب و برق به جای وزارت نیرو مأمور اجرای قرارداد گردید).

دو - متمم قرارداد، مورخ ۴ اکتبر ۱۹۷۱ (۱۲ مهرماه ۱۳۵۰) (منبع "متمم ۱۹۷۱") بین سازمان آب و برق و هارزا اینترنشنال.

سه - یک صورتجلسه



به امضای سازمان آب و برق و هارزا اینترنشنال به تاریخ فوریه ۱۹۷۸ و

چهار - یک ضمیمه صورت جلسه به امضای همان طرفین، در آوریل و دسامبر ۱۹۷۷.

۷ - قرارداد، کلیه پروژه های موضوع پرونده حاضر را در بر می گرفت و تا پایان کار پروژه به اعتبار خود باقی ماند مگر قسمتهائی که به موجب اسناد بعدی اصلاح گردید و حدود هر یک از مراحل چندگانه کار را تعیین می کرد. مرحله اول شامل تهیه گزارش توجیهی به عنوان مبنائی برای سازمان آب و برق در انتخاب پروژه ها و محل و ترتیب اجرای آنها بود. مرحله دوم شامل تهیه اسناد قراردادی لازم برای دعوت به مناقصه در سطح بین المللی می شد. مرحله سوم - الف شامل ارائه کمک و توصیه به سازمان آب و برق در طول اجرای مناقصه، مرحله سوم - ب، شامل تهیه نقشه های تفصیلی ساختمانی و مرحله سوم - ج شامل خدمات مهندسی در طول مدت ساختمان از جمله مسئولیت نظارت بر کار پیمانکاران بود. طبق قرارداد، بدون اجازه سازمان آب و برق کار هیچ مرحله ای شروع نمی شد و سازمان آب و برق تعهدی برای استفاده از خدمات هارزا اینترنشنال در هیچیک از مراحل بعدی نداشت ( ماده ۲ ).

۸ - به موجب قرارداد، حق الزحمه هارزا اینترنشنال بابت هر مرحله بطوریکجا پرداخت می گردید. حق الزحمه مرحله اول مبلغ ثابتی بود و حق الزحمه مراحل بعدی، درصدهای مختلفی از برآورد هزینه ساختمان هر پروژه بود و بر اساس گزارشهای مرحله اول تعیین می شد. در ( ماده ۷ ) قرارداد، امکان چند تعدیل در میزان حق الزحمه بررسی مواردی مانند تغییر حدود کار پروژه ها، تمدید کار فراتر از زمان بندی های پیوست و تغییر برآورد هزینه ساختمان، پیش بینی شده بود. در ماده ۷ همچنین پیش بینی شده بود که چنانچه بعد از تاریخ قرارداد، مالیات و عوارض یا حق بیمه های اجتماعی تکلیفی به هارزا اینترنشنال و کارمندانش، کمتر یا زیادتر شود، میزان حق الزحمه تعدیل گردد.

۹ - در صورتی که هارزا در ایفای تعهدات قراردادی خود قصور می‌کرد، سازمان آب و برق ملزم بود طبق ماده ۱۳ به هارزا اطلاع و حداکثر سه ماه فرصت دهد تا نقایص را رفع نماید. ضمناً " ماده ۱۳ به سازمان آب و برق اختیار می‌داد در صورتی که نقایص در پایان مدت مقرر رفع نمی‌شد، با دادن اخطار پانزده روزه، قرارداد را فسخ و خسارات خود را حداکثر تا ۵۰ درصد ارزش خدماتی که هارزا تا قبل از تاریخ فسخ انجام داده از آخرین پرداخت کسر کند. سازمان آب و برق همچنین می‌توانست در هر موقع و بهر دلیل با دادن اخطار دو ماهه قرارداد را فسخ کند که در آن صورت ملزم بود تمامی مبالغ مقرر در قرارداد، بابت کلیه خدمات انجام شده بعلاوه هزینه‌های متحمل را بپردازد. یک‌خيار فسخ دیگر نیز در ماده ۱۷ در ارتباط با فورس‌ماژور منظور شده بود که به موجب آن هر یک از طرفین می‌توانست در صورتی که شرایط فورس‌ماژور، ادامه کار را غیرممکن می‌ساخت، راءاً " قرارداد را فسخ نماید. طبق مفاد آن ماده، سازمان مکلف بود که تمامی مبلغ مقرر در قرارداد بابت کلیه خدمات انجام شده بعلاوه هزینه‌های متحمل را بپردازد.

۱۰ - در متمم ۱۹۷۱ قرارداد ذکر شده که تصمیم به ساختمان سد کارون اتخاذ و قراردادهای لازم منعقد شده، حدود کار هارزا اینترنشنال و زمان بندی‌ها تغییر یافته و حق الزحمه هارزا اینترنشنال طبق ماده ۷ قرارداد ۱۹۶۵ موکول به مذاکره مجدد است. کلیه این تغییرات در متمم ۱۹۷۱ قرارداد منعکس گردید. مبالغ توافق شده جدیدی برای هزینه‌های برآوردی ساختمان پروژه‌های مختلف و درصدهای جدیدی برای محاسبه حق الزحمه و برنامه دقیقی برای پرداخت مابقی حق الزحمه‌های یکجا معین شد. باید توجه داشت که کلیه اقساط حق الزحمه یکجا، پرداخت شده و در پرونده حاضر مورد اختلاف نمی‌باشد. آنچه که از لحاظ پرونده حاضر اهمیت بیشتری دارد، سایر موارد متمم به ویژه ماده ۳ آن است که مهلت‌های کار مشمول حق الزحمه‌های یکجا را، برای کلیه طرح‌های رودکارون

و طرح آبیاری بهبهان، (۲۹ دسامبر ۱۹۷۴/۸ دی ماه ۱۳۵۳) و برای سد مارون ، (۳۰ نوامبر ۱۹۷۷/۹ آذر ماه ۱۳۵۶) تعیین می‌کنند. در آن ماده قید شده که چنانچه انجام خدمات مهندسی " بدلائلی خارج از اختیار " مهندس " از مدت زمان مقرر تجاوز کرد " . در آن صورت طبق دستور سازمان ، حق الزحمه مهندس براساس کارکرد نفر ماه صرف شده، مطابق نرخها و هزینه‌هایی که طبق این اصلاحیه توافق شده است تعیین و بـه " مهندس " پرداخت می‌گردد .

۱۱ - در ماده ۵ متمم سال ۱۹۷۱، میزان حق الزحمه کارکرد نفر ماه مرکب از سه جزء زیر تعریف شده است : حقوق های مستقیم بعلاوه هزینه‌های سربار و کارمزد بعلاوه هزینه‌های مستقیم. به موجب این ماده ، حق الزحمه می‌بایست بطریق زیر محاسبه و همراه پرداخت شود : حقوق های پرداختی به کارکنان هارزا اینترنشنال به نسبت اوقاتی که مستقیماً " صرف کار پروژه کرده باشند به علاوه ۱۲۵ درصد آن مبلغ بعنوان هزینه‌های بالاسری و حق الزحمه . تعریف عبارت اخیر الذکر در ماده ۵ به شرح زیر است :

" هزینه‌های مستقیم عبارت از هزینه‌هایی است که مستقیماً " مربوط به انجام خدمات " مهندس " می‌شود، مثل کرایه و هزینه و فوق العاده مسافرتی که به جهت کار انجام می‌گیرد و هزینه تلفن خارج از شهر و تلکس و تلگراف و هزینه چاپ نقشه و مدارک و حقوق و عوارض گمرکی و مالیاتها که شامل مالیات بردرآمد دولت ایران نیز می‌باشد. بمنظور اداره این امور و مخارج مربوطه مبلغی معادل ده درصد هزینه‌های مستقیم به آن اضافه و بعنوان هزینه اقدام به " مهندس " پرداخت خواهد گردید .

۱۲ - در سایر شروط ذیربط متمم ۱۹۷۱ قرارداد مقرر شده که نرخ تبدیل ارز عبارت است از نرخ رسمی منتشره بانک مرکزی ایران در روزی که موعد پرداخت قسط مربوطه می‌رسد و " کلیه مبالغی که به " مهندس " تعلق می‌گیرد باید تا سی روز پس از سررسید قسط مربوطه پرداخت گردد. و در مورد پرداخت بهره مقرر شده که " .... مطابق نرخ جاری بانک اعتبارات صنعتی سازمان برنامه " پرداخت گردد .

۱۳- طی سالهای بعد از اتمام ۱۹۷۱ قرارداد، هارزا اینترنشنال تعداد زیادی صورت حساب طبق فرمول کارکرد نفر ماه مندرج در متمم قرارداد تسلیم نمود. این صورت حسابها شامل موارد زیر بود: کلیه کارهای انجام شده در پروژه سد کارون بعد از ۲۹ دسامبر ۱۹۷۴ (۸ دی ماه ۱۳۵۳)، پاره ای کارهای طرح آبیاری گوتوند خارج از حدود کار مقرر در متمم ۱۹۷۱ قرارداد منجمله کلیه کارهای مرحله ۳، ج آن پروژه و برخی کارهای سد مارون و طرح آبیاری بهبهان که نیز خارج از حدود کار مقرر در متمم ۱۹۷۱ قرارداد بود.

۱۴- ظاهراً "سازمان آب و برق در طی جریان اداری برای پرداخت وجه ایمن صورت حسابها با مشکلاتی روبرو شد. مبالغ برخی از صورت حسابها نهایتاً "تصویب گردید و صورت حسابهای دیگری مانند افزایش غیر مجاز حقوق و اسناد نا کافی هزینه سفر مورد اعتراض واقع شد، لیکن هیچیک از صورت حسابها هیچگاه به طور قطع تسویه نشد. نگاهاه پرداختهای بصورت علی الحساب به عمل می آمد، لیکن با گذشت زمان، تفاوت میان مبالغ پرداختی و مبالغ مندرج در صورت حسابها افزایش می یافت. هارزا اینترنشنال و سازمان آب و برق برای حل این مسائل به دنبال مذاکراتی طی سال ۱۹۷۷ بر سر اتمام یک صورت جلسه و متعاقباً "ضمیمه آن به توافق رسیدند. ضمیمه صورت جلسه در دسامبر ۱۹۷۷ و صورت جلسه متعاقب آن در فوریه ۱۹۷۸ امضاء شد.

۱۵- در صورت جلسه و ضمیمه آن ضمن سایر مطالب، مقررات جدیدی در مورد ارسال صورت حسابها، عده افزایش حقوق و پرداخت هزینه سفر و روشهای جدید وارد کردن کالا و تقلیل عوارض گمرکی و ساده کردن هزینه های دفتری و از همه مهمتر، تعهدات جدید برای طی جریان اداری صورت حسابها، وضع شد. سازمان آب و برق موافقت کرد ظرف ۶۰ روز تمامی مبالغ صورت حسابهای مدت مختموم به مه ۱۹۷۶ را بپردازد و هارزا اینترنشنال موافقت کرد که در کلیه صورت حسابهای بعد از مه ۱۹۷۶ خود طبق مقررات صورت جلسه و متمم آن تجدید نظر کند و سازمان آب و برق قبول کرد که آن صورت حسابها را به سرعت به

جریان اندازد و خصوصا " کلیه صورت حسابهای تا پایان ماه مه ۱۹۷۷ را بلافاصله بررسی و کلیه حسابهای مربوط به آنها را ظرف ۶۰ روز تسویه نماید و در مورد صورت حسابهای بعدی، سازمان توافق کرد که ۸۰ درصد مبلغ صورت حسابها را ظرف ۱۰ روز تاریخ تسلیم بپردازد و ۲۰ درصد باقیمانده را ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم صورت حساب یا پرداخت نماید و با دلایل عدم پرداخت را اعلام دارد. در صورت جلسه همچنین پیش بینی شده بود که تسویه نهائی حسابها (تطبیق صورت حسابها با پرداختهای علی الحساب) ظرف یک سال بعد از پایان خدمات هارزا اینترنشنال صورت گیرد. در ضمیمه صورت جلسه قید شده که سازمان آب و برق پس از کسر پیش پرداختها از جوهی که به هارزا اینترنشنال میپردازد و یا وقتی کار موضوع یک ضمانتنامه تکمیل میشود، کلیه ضمانتنامه های بانکی موجود به منظور تضمین پیش پرداختها را آزاد کند. در مورد مالیاتهای ایران، در متمم قرارداد آمده که موضوع "... برای مذاکره به قبل از پایان شهریور ۲۵۳۶ موقوف گردید."

۱۶- هارزا اینترنشنال صورت حسابهای مربوط به بعد از مه ۱۹۷۶ خود را تجدید نظر نمود ولی طی جریان اداری و پرداخت صورت حسابها طبق مفاد صورت جلسه و ضمیمه آن توسط سازمان آب و برق در سال ۱۹۷۸ و هیچگاه بعد از آن عملی نشد. در اواخر سال ۱۹۷۸، انقلاب ایران و اعتبارات مربوط به تدریج در کار پروژه های استان خوزستان اثر گذاشت و کارمندان خارجی هارزا اینترنشنال در اواخر دسامبر ۱۹۷۸ زسدکارون و در فوریه ۱۹۷۹ از محل پروژه آبیاری گتونس منتقل شدند و بعد از آن کارهای هارزا اینترنشنال در محل پروژه ها منحصر " توسط کارکنان ایرانی انجام می شد و کارکنان خارجی گهگاه از محل بازدید می کردند. سرانجام، هارزا اینترنشنال طی نامه مورخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۰ (۲۳ تیر ماه ۱۳۵۹) به سازمان آب و برق اطلاع داد که قرارداد را " به دلایل نقض اساسی و فورس ماژور ... " فسخ می کند. و همراه با آن " صورت حساب نهائی " خود را جمعا " به مبلغ ۱۲,۰۶۸,۱۳۲ دلار آمریکا تسلیم نمود. این

مبلغ به ارقام زیر تجزیه شده بود: مبلغ ۸,۰۵۸۶,۱۵۴ دلار بابت کارکرد نفر ماه (پرداخت نشده)، ۷۷۹,۸۷۴ دلار بابت هزینه های اضافی و مبلغ ۳,۲۰۲,۰۰۴ دلار بابت بهره تأخیر تا دیه تا پایان ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیر ۱۳۵۹). این صورت حساب نهائی با محاسبه مجدد بهره و تغییرات جزئی، به اضافه بهره بعد از ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیر ماه ۱۳۵۹) و هزینه ها، بالغ بر ۱۲,۳۹۶,۱۱۲ دلار گردید که ادعاهای خواهانها را در پرونده حاضر تشکیل می دهد.

۱۷- غیر از مطالبی که در فوق در مورد اسناد قرارداد، صورت حسابها و فسخ قرارداد ذکر شد، واقعیات دیگری به ویژه از نظر بررسی ادعاهای متقابل حائز اهمیت می باشند. این دعاوی متقابل مربوط است به تأخیراتی که در ساختمان سد کارون به وقوع پیوست و اتفاقات نامساعدی که هم در ساختمان سد کارون و هم در طرح آبیاری گتوند رخ داد.

۱۸- کار ساختمان سد کارون بیش از دو سال دیرتر از زمان بندی اولیه به پایان رسید. هارزا اینترنشنال به چند دلیل تاء خیر که محققا " در اختیار وی نبوده اشاره می کند، لیکن سازمان آب و برق اظهار می دارد که مهمترین دلیل تأخیر، این بوده که مشکلات زمین شناسی در جناح راست سد، دیرتر از موقع کشف گردیده و تاء خیر در کشف آن، تقصیر هارزا اینترنشنال می باشد. واقعیات مربوط به این ادعای متقابل و نیز سایر واقعیاتی که منحصرا " به ادعاهای متقابل ارتباط دارند در بخش ۵ حکم مورد بحث قرار گرفته اند.

#### سه - صلاحیت

۱۹- خواهانها سه نفر از صاحبان هارزا اینترنشنال می باشند که سهامش در دست عده محدودی است. ایشان در اثبات حق خود برای اقامه دعاوی حاضر به موجب بیانیه حل و فصل دعاوی، گواهی تشکیل شرکت، ماده از وزارت امور خارجه لیبریا، سوگندنامه دبیر شرکت هارزا اینترنشنال و فتوکپی گذرنامهها و سایر اسناد دیربط را ارائه داده اند. دبیر شرکت در سوگندنامه خود،

تعداد سهام موجود شرکت را در ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ ( ۹ تیرماه ۱۳۵۹) و ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ ( ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) گواهی و فهرستی از اسامی ۱۱۳ نفر اتباع ایالات متحده، صاحبان سهام شرکت در ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ ( ۹ تیرماه ۱۳۵۹) را با ذکر تعداد سهام هریک از سهامداران در آن تاریخ و در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ ( ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) ضمیمه کرده است. دبیر شرکت، همچنین گواهی کرده است که در فاصله بین ژوئیه و اکتبر ۱۹۸۱، کلیه ادعاهای این ۱۱۳ سهامدار به خواهانها به عنوان امناء، واگذار شده است.

۲۰ - دیوان از مدارک تسلیمی متقاعد شده است که : (۱) خواهانها در فاصله ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ ( ۹ تیرماه ۱۳۵۹) یعنی تاریخی که طبق اظهار خواهان، ادعا بروز کرده، تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ ( ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) یعنی تاریخ رسمیت بیانیه حل و فصل دعاوی، اتباع ایالات متحده بوده اند، (۲) هارزا اینترنشنال در طول آن مدت شرکتی بود که طبق قوانین لیبریا تشکیل شده است، (۳) هارزا اینترنشنال در ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیرماه ۱۳۵۹) به میزان ۹۷/۴۴ درصد ( ۱۱۳ سهامدار) و در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ ( ۲۹ دیماه ۱۳۵۹) به میزان ۹۷/۳۴ درصد ( ۱۱۰ سهامدار) متعلق به اتباع ایالات متحده بوده است و : (۴) ادعاهای کلیه اتباع ایالات متحده که در طول بخشی یا تمامی آن مدت صاحبان هارزا اینترنشنال بودند به خواهانها به عنوان امناء واگذار شده است.

۲۱ - خواهانها، ادعاهائی را مطرح می کنند که خود و منتقل الیه آنان از طریق مالکیت سهام به طور غیر مستقیم و به مفهوم بند ۲ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دارند. واضح است که هارزا اینترنشنال به عنوان شرکتی که در لیبریا تشکیل شده، راءءا " نمی تواند ادعائی در این دیوان اقامه کند. همچنین روشن است که علائق اتباع ایالات متحده در هارزا اینترنشنال در موقع بروز ادعا برای کنترل آن شرکت کافی بوده است. در پرونده های متعدد دیوان نظر داده است که ادعاهای غیر مستقیم ناشی از مالکیت و کنترل شرکتهای خارجی، قابل طرح است. آر ان پومروی و سایرین و

دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۴۰-۵۰ ص ۱۲ ( ۸ ژوئن ۱۹۸۳ / ۱۸ خرداد ماه ۱۳۶۲ ) ( شرکت لیبریائی ) امریکن اینترنشنال گروپ اینکورپوریتد و سائرین و جمهوری اسلامی ایران و سائرین حکم شماره ۳-۲-۹۳ ص ۸-۷ ( ۱۹ دسامبر ۱۹۸۳ / ۲۸ آذرماه ۱۳۶۲ ) ( شرکت سوئیسی )؛ دیمزاند مور و جمهوری اسلامی ایران و سائرین؛ حکم شماره ۳ - ۵۴ - ۹۷ ص ۱۱ ( ۲۰ دسامبر ۱۹۸۳ / ۲۹ آذرماه ۱۳۶۲ ) ( شرکت ونزولائی ) . بنابراین اتباع ایالات متحده که در دوره زمانی ذیربط ، صاحبان هـا رازا اینترنشنال بوده‌اند اهلیت طرح این ادعاهای غیرمستقیم رادر دیوان دارند .

۲۲ - هرچند موضوع واگذاری ادعاهای تعدادی از سهامداران ایالات متحده به تعدادی دیگر سهامداران ایالات متحده ظاهرا " در پرونده دیگری دراین دیوان مورد رسیدگی قرار نگرفته ، معهذا دیوان در بیانیه حل و فصل مبثائی برای رد اینگونه واگذاریها نمی‌یابد . بند ۲ ماده هفت بیانیه استمرار تابعیت خواهانها را لازم می‌داند نه استمرار هویت آنان را و استمرار تابعیت را " .... از تاریخ بروز ادعا تا تاریخ رسمیت یافتن این بیانیه " .... الزامی می‌شمارد در صورتی که واگذاری ادعاهای موضوع این پرونده ، بعد از تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ ( ۲۹ دیمه ماه ۱۳۵۹ ) انجام گردیده . همچنین دیوان بند ۳ ماده ۳ بیانیه حل و فصل دعاوی رابسه نحوی تفسیر نمی‌کند که انتقال ادعاها را ، آنطور که خوانندگان ادعا می‌کنند ، ممنوع کرده باشد . بند ۳ مقرر می‌دارد :

" ادعاهای اتباع ایالات متحده و ایران در چهارچوب این بیانیه یا توسط خود مدعی و یا در مورد ادعاهای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار توسط دولت آنها ، به‌دآوری ارجاع خواهد گردید .

خواهان کسی است که صاحب ادعا باشد و نه الزاما " صاحب اولیه آن . با توجه به فحوی سایر مقررات اجرائی ماده ۳ و مقررات بند ۲ ماده هفت در مورد استمرار تابعیت ، آن مفاد منحصر " مربوط است به این مسئله اجرائی که آیا خود خواهانها راءا سا " .



با یاداعاها را در دیوان اقامه نمایند یا یکی از دو دولت وارتباطی به این موضوع که آیا منتقل الیه می‌تواند خواهان باشد یا خیر ندارد.

۲۳ - خوانده، سازمان آب و برق در جلسه استماع برای اولین بار ایمن دفاع را مطرح کرد که برخی از ادعاها قبل از ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیر ماه ۱۳۵۹) بروز کرده و دیوان صلاحیت رسیدگی به آنها را ندارد زیرا مدارک خواهانها برای اثبات تابعیت امریکائی آنان منحصر "فاصله بین ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیرماه ۱۳۵۹) تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۱۹ دی ماه ۱۳۵۹) را در برمی‌گیرد. خواهانها بلافاصله گواهی نامه‌هایی در مورد تابعیت مربوط به سالهای قبل از آن تاریخ ارائه دادند لیکن دیوان آن را ضروری ندانسته نپذیرفت. همانطور که در بخش چهار (الف) در زیر بحث خواهد شد، دیوان ادعاهای مطروح در این پرونده را ادعاهائی می‌داند که در نتیجه عدم پرداخت صورت حساب نهائی تسلیمی در ژوئیه ۱۹۸۰ ناشی شده‌اند.

۲۴ - سئوالی که باقی می‌ماند و کاملاً مربوط به صلاحیت نیست این است که آیا در مورد ادعائی که سهامداران یک شرکت غیرواجد شرایط به عنوان ادعای غیرمستقیمی به موجب بند ۲ ماده هفت مطرح می‌کنند، پس از اثبات ادعا می‌توان یا حقا " باید حکمی معادل ۱۰۰ درصد وجوه مطالبات آن شرکت صادر نمود و یا آنکه حکم باید تنها شامل درصد علائق مالکیت آن سهامداران باشد.

۲۵ - در کلیه تصمیمات قبلی دیوان که حکم پرداخت خسارات موضوع ادعاهای غیرمستقیم صادر گردید، شرکت غیرواجد شرایط معمولاً "تاما" متعلق به خواهانهای امریکائی بوده. در پرونده دیمزاند مور و جمهوری اسلامی ایران و سایرین حکم شماره ۳-۵۴-۹۷ (۲۰ دسامبر ۱۹۸۳ / ۲۹ آذرماه ۱۳۶۲)، میزان مالکیت دفتری خواهان فقط ۹۰ درصد بود لیکن در حکم قید گردیده که ده درصد دیگر متعلق به دو صاحب اسمی و در نتیجه

خواهان مالک منافع صددرصد سهام شرکت غیرواجد شرایط در آن پرونده بود و دیوان حکم به صددرصد ادعائی را که معتبر تشخیص داد صادر کرد. لیکن در پرونده حاضر، ۲/۶۶ درصد سهام هارزا اینترنشنال در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ ( ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ ) که متعلق به خواهانهای منتقل الیه آنها نبوده، ظاهراً " از طریق مالکیت منافع، متعلق به اشخاصی بوده که اتباع ایالات متحده نبودند.

۲۶ - بیانیه حل و فصل دعاوی در ارتباط با این مسأله حاوی چندین قید است. بند ۱ ماده ۲ ضمن سایر مطالب میگوید که دیوان " .... به منظور اتخاذ تصمیم درباره ادعاهای اتباع ایالات متحده علیه ایران ..... تشکیل شده است. در بند ۱ ماده هفت، " تبعه " ایالات متحده چنین تعریف شده که یک شخص حقیقی یا شرکت و شخص حقوقی دیگری است که طبق قوانین ایالات متحده تشکیل یافته باشد مشروط بر اینکه اشخاص حقیقی تبعه ایالات متحده مجتمعا " سهمی معادل ۵۰ درصد و یا بیشتر از سرمایه آنها داشته باشند. بدین ترتیب در پرونده حاضر، خواهانها اتباع ایالات متحده هستند و هارزا اینترنشنال یک تبعه ایالات متحده نیست. اگر بیانیه بهمین جا خاتمه مییافت، ادعاهای مبتنی بر قراردادهای منعقد شده بین هارزا اینترنشنال و وزارت نیروی ایران و سازمان آب و برق در این دیوان قابل طرح نبود. لیکن جمله اول بند ۲ ماده هفت قید می کند:

" ادعاهای اتباع ایران و ایالات متحده بر حسب مورد عبارت است از ادعاهائی که از تاریخ وجود آمدن ادعا تا تاریخ رسمیت یافتن این بیانیه مستمرا " در اختیار اتباع آن کشور بوده اند، شامل ادعاهائی که بطور غیر مستقیم، از طریق مالکیت سرمایه و سایر علائق مالی، در مورد اشخاص حقوقی، در مالکیت این اشخاص بوده اند مشروط به اینکه منافع مالکیت چنین اتباعی مجتمعا " در زمان اقامه ادعا برای کنترل شرکت یا شخص حقوقی دیگر در حد لازم بوده و علاوه بر آن مشروط بر اینکه شرکت و یا شخص حقوقی خود در چهارچوب این بیانیه حق اقامه دعوی نداشته باشد.

۲۷ - استدلالات له این نظر که صرفنظر از درصد مالکیت خواهان نهائی که به دیوان مراجعه می‌نمایند، بند ۲ ماده هفت، صلاحیت رسیدگی به کل ادعاهای یک شرکت غیرواجد شرایط ( یعنی غیر امریکائی ) رایبه دیوان اعطاء می‌کند، بشرح زیر خلاصه می‌شود:

الف - متن ماده منقول در فوق حاکی از آن است که منظور از " ادعاها "ی مندرج در آن، ادعاهای موجود یک شرکت غیرواجد شرایط می‌باشد زیرا ادعاها را چنین توصیف می‌نمایند که به طریق " غیر مستقیم " یعنی از طریق مالکیت شرکت وجود دارند. ادعاهای جداگانه سهامداران مستقیما " متعلق به آن سهامداران می‌باشد. بعلاوه، در بیانیه یا در فحواى کلام آن اشاره‌ای نشده که بیانیه، ادعاهای جدیدی توسط سهامداران ایجاد کرده است، بلکه صرفا " به آن سهامداران، اهلیت طرح ادعاهای شرکت در دیوان را اعطاء کرده است.

ب - منطقا " به آسانی قابل تصور نیست که ادعای مبتنی بر قراردادی که شرکت ( اما نه سهامدار ) طرف آن بوده با ادعای شرکت تفاوت داشته باشد.

ج - الزام بند ۲ ماده هفت مبنی بر اینکه اتباع ایالات متحده، در موقع بروز ادعا، علائق مالکیت کافی برای کنترل شرکت داشته باشند، به این مفهوم است که بر آن اساس اتباع مذکور می‌توانند از طرف شرکت اقدام کنند.

د - به عنوان خواهان نهائی دادبرده‌ای که به موجب بند ۲ ماده هفت بر اساس ادعای متعلق به شرکت خسارات وصول می‌کنند، این امکان را نمی‌توان مستثنی کرد که یا شرکت یا سایر سهامداران در دادگاههای داخلی علیه آن خواهانها اقامه دعوی و آنان را وادار به تسهیم خسارات دریافتی نمایند. در چنین صورت، حکمی شامل کمتر از ۱۰۰ درصد مطالبات شرکت ممکن است به جبران تنها قسمتی از غرامت خواهانها منجر شود.

ه - رعایت صرفه و انصاف حکم می‌کند که ادعای یک شرکت که اساسا " قابل تفکیک نیست، در یک رسیدگی واحد تعقیب شود نه آنکه رسیدگی تکراری،

اگر نگوئیم مضاعف، چه در این دیوان و چه در سایر مراجع رسیدگی ترغیب شود.

۲۸ - استدلال علیه آن نظر وله این نظر که بند ۲ ماده هفت، نسبت به ادعاهای یک شرکت غیرواجد شرایط (یعنی غیرامریکائی)، تنها تا حدود مالکیت غیرمستقیم ادعا توسط اتباع ایالات متحده بعلت علائق مالکانه آنان در آن شرکت در فاصله بین تاریخ بروز ادعا تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) به دیوان صلاحیت رسیدگی می‌دهد، بشرح زیر خلاصه می‌شود:

الف - بند ۲ ماده هفت مبهم است. گرچه به‌وضوح می‌گوید که ادعاهای غیرمستقیم داخل در صلاحیت دیوان عبارتند از ادعاهای شرکت غیرواجد شرایط که بطور غیرمستقیم متعلق به خواهانها می‌باشد، لیکن به‌صراحت مشخص نمی‌کند که آیا این ادعاها، تمامی ادعاهای شرکت برای وصول ۱۰۰ درصد مطالبات شرکت است یا تنها ادعاهای شرکت بابت درصد مالکیت خواهانهای امریکائی.

ب - نظریه اینکه متن ماده مزبور مبهم و به منزله مورد استثنائی به قواعد عادی حقوق بین الملل است مبنی بر اینکه سهامداران نمی‌توانند ادعاهای شرکت (در مقابل ادعاهای مربوط به حقوق مالکانه خود) را طرح کنند، باید بطور مضیق تفسیر شود. رجوع شود به بند ۳ ج ماده ۳۱ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات.

ج - بند ۲ ماده هفت، حاوی یک شرط صریح است مبنی بر اینکه ادعای غیرمستقیم را تنها در صورتی می‌توان در دیوان مطرح نمود که شرکت راءءا " نتواند ادعائی در دیوان اقامه کند. تفسیر آن ماده به نحوی که اتباع ایالات متحده‌ای که صاحب کمتر از ۱۰۰ درصد یک شرکت هستند بتوانند ادعاهای غیرمستقیمی بابت ۱۰۰ درصد ادعای شرکت طرح کنند، بمثابه آن است که از آن ماده عدول کرده و عملاً " ولی نه رسماً " به شرکت اجازه داده باشیم ادعای خود را در دیوان اقامه کند.

د- این شرکت نیست، بلکه خواهانها هستند که حکم صادره را دریافت مینمایند و هر مبلغی که طبق حکم تعیین شود به خواهانها تعلق میگیرد نه به شرکت و دیوان نمی تواند مطمئن باشد که این خواهانها مبلغ وصولی خود را با شرکت یا سایر سهامداران تسهیم خواهند کرد. اگر خواهانها مبلغ وصولی را تسهیم نکنند، اعطای ۱۰۰ درصد مطالبات شرکت، منجر به دارا شدن غیر- عادلانه خواهانها خواهد شد.

۲۹- دیوان توجه دارد که بیانیه مقرر نمی کند که کلیه سهامداران آمریکایی یک شرکت غیر واجد شرایط برای طرح ادعاهای شرکت گرد هم آیند. گرچه بند ۲ ماده هفت قید می کند که علائق مالکانه صاحبان آمریکایی مجتمعا " برای کنترل شرکت در موقع بروز ادعا باید کافی باشد، لیکن مقرر نمی دارد که مجتمعا " ادعائی را طرح کنند. دیوان حداقل از دو ادعا که در دو شعبه مختلف دیوان مطرح بوده آگاه است که در هر یک از آنها یکی از دو صاحب شرکت غیر واجد شرایط، بطور جداگانه ادعاهای واحد شرکت را به موجب بند ۲ ماده هفت اقامه کرده با اینکه خواسته هر یک ظاهرا " تنها به نسبت درصد مالکیت خود در آن ادعاها می باشد. هوشنگ مستوفی زاده و دولت جمهوری اسلامی ایران، پرونده شماره ۲۷۸ مطروح در شعبه دو وی جی هیوز اینکورپوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران پرونده شماره ۱۴۱ مطروح در شعبه یک.

۳۰- دیوان از سئوالات بالقوه ای که مبتنی بر این واقعیت طرح می شوند آگاهی دارد که در این پرونده های حاوی ادعای غیر مستقیم، شرکتی که ادعایش تعقیب می شود، خود طرف جریان رسیدگی نیست. چنانچه شرکت ادعایش را در دادگاه های یک کشور ثالث طرح کند، آیا می توان چنین اقدامی را نقض یا مبلغ وصولی شرکت را با توجه به حکم این دیوان و مقررات بیانیه حل و فصل محدود نمود؟ بندیک ماده ۴ این بیانیه می گوید کلیه احکام دیوان قطعی و لازم الاجرا می باشند و بند ۲ ماده هفت می گوید ادعاهائی که به دیوان ارجاع می شود... خارج از صلاحیت قضائی دادگاه های ایران و ایالات متحده... یا

هر دادگاه دیگر" خواهند بود. آیا این شروط برای ممانعت از مطالبه مضاعف یا اصولاً هرگونه مطالبه دیگری علیه خواندگان مؤثر خواهند بود؟ در مواردی که خواهانهای مراجعه کننده به این دیوان، مالک صدرصد شرکت باشند این مسائل حداکثر صرفاً "فرضی خواهند بود ولی وقتی خواهانها فقط مالک قسمتی از سهام شرکت می باشند در صورتی که دیوان فقط معادل ادعای اتباع آمریکائی خواهانها حکم بدهد امکان اقامه دعای جداگانه رأساً "توسط خود شرکت در کشورهای ثالث را نمی توان منتفی دانست. در این رابطه باید توجه داشت که مقررات بند ۲ ماده هفت در مورد کنترل شرکت توسط اتباع ایالات متحده منحصر "ناظر بر" تاریخ ایجاد ادعا" می باشد، بنابراین قابل تصور است که شرکت بعداً "در اختیار اتباع سایر کشورها درآمده باشد.

۳۱- در پرونده حاضر خواهانها موافقتنامه امانی را که به موجب آن ادعاها به خواهانها واگذار شده جزء مدرک ارائه نداده اند هرچند که وکیل نامبردگان در جلسه استماع اظهار داشت که خواهانها طبق آن موافقتنامه متعهدند که مبلغی را که بابت ادعا وصول کنند به هارزای اینترنشنال بپردازند.

۳۲- با توجه به جمیع جهات، حداقل در مواردی که خواهانها اثبات نکرده اند که قانوناً "متعهدند هر مبلغی که احتمالاً" وصول کنند به شرکت بپردازند دیوان معتقد است محتاط ترین تصمیمی که میتواند بگيرد این است که ضمن قبول اینکه بند ۲ ماده هفت به دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعای هارزای اینترنشنال را که من غیر مستقیم متعلق به خواهانهاست اعطاء می کند، مبلغ وصولی آنها را محدود به میزانی نماید که اتباع ایالات متحده طی فاصله بین تاریخ بروز ادعا و ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) مالک هارزای اینترنشنال بوده یا به منظور رسیدگی حاضر در تملک خواهانها بوده و یا به آنها واگذار شده است. این میزان در پرونده حاضر ۹۷/۳۴ درصد است. مطابق شود بلانت برادرز کورپوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره

۵۲-۱ ( ۶ مارس ۱۹۸۶ / ۱۵ اسفندماه ۱۳۶۴ ) ص ۱۲-۱۰. عامل تعیین کننده در این نتیجه گیری این است که دیوان نمی تواند خواهانها را وادار کند مبالغ حکم را با شرکت یا سایر سهامداران تسهیم کنند.

۳۳ - سئوالات مربوط به صلاحیت رسیدگی به ادعاهای متقابل سازمان آب و برق ضمن بررسی ادعاهای متقابل مزبور، در بخش ۵ زیر مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

#### چهار- ادعاها

#### الف- کلیات

۳۴ - خواهانها دو نوع ادعا در این پرونده مطرح کرده اند. اول، ادعایشی است که علیه سازمان آب و برق و بابت مبالغی که حسب ادعا سازمان بابت قراردادهای فوق الذکر منعقدہ فیما بین، به هارزا اینترنشنال بدهکار است و دوم، ادعایشی است که علیه جمهوری اسلامی ایران بابت سلب مالکیت ادعایشی یا ناپدید شدن اثاثه خانه و وسایل شخصی چهار کارمند هارزا اینترنشنال مطرح شده است. ادعای دوم اجمالا " قابل فیصله است زیرا خواهانها مدارک بسیار معدودی در تائید آن ارائه داده اند. در اساس، خواهانها نشان داده اند که هارزا اینترنشنال به چهار کارمند خود جمعا " ۱۹,۳۷۳/۸۳ دلار امریکا به عنوان جبران قسمتی از خسارت از دست دادن اموال خود در ایران پرداخته است. مدارک حاکی از آن است که اشیاء متعلق به دو نفر از کارمندان، برای حمل در یک مورد به شرکت حمل و نقل سی من پاک و در مورد دیگر به اس جی سرویسز تحویل شده و اشیاء دو کارمند دیگر در دفاتر یک شرکت مهندسی مشاور در تهران که نام آن مشخص نگردیده گذارده شده و ظاهرا " چون پاسداران انقلابه اطاق شرکت را قفل کرده بودند قابل انتقال نبوده است. هیچ مدرکی دال بر آنکه هیچیک از دو شرکت حمل و نقل به مفهوم بند ۳ ماده

هفت بیانیه حل و فصل دعوی، در کنترل دولت ایران بوده، و پاسداران انقلاب واقعا " در بد دفتر مورد بحث را قفل کرده و یا دولت به نحوی مسئول ناپدید شدن اموال بوده، ارائه نشده است. بنابراین ادعاهای مبالغی که هارزا اینترنشنال به کارمندان خود پرداخته است باید به لحاظ فقد دلیل رد شود.

۳۵ - اینکه به ادعاهای قراردادی برگردیم. مشاهده می‌کنیم که از ابتدا در تصور هارزا اینترنشنال این ابهام وجود داشت که آیا ادعاهایش، ادعای خسارت نقض قرارداد است یا تسویه حسابهای مقرر در ماده مربوط به فورس ماژور، ( ماده ۱۲) قرارداد. هارزا اینترنشنال طی نامه مورخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۰ ( ۲۳ تیر ۱۳۵۹) خود به سازمان آب و برق اظهار داشت که

" به دلایل نقض اساسی قرارداد و فورس ماژور و تصور آن وزارتخانه از لحاظ پرداخت بدهی ..... طبق مقررات قرارداد و به علت دلایل استثنائی که خارج از کنترل معقول ما بوده است و قابل پیش بینی نبود و جلوگیری از آنها مکان پذیر نبوده است به رابطه قراردادی خاتمه داده است. "

هارزا اینترنشنال، صورت حساب نهائی را با ذکر مبالغی که خود را طلبکار می‌دانست به آن نامه پیوست کرد. این مبالغ، به جمع مبالغ صورت حسابهای پرداخت نشده بابت هر پروژه و براساس فرمول کارکرد نفع هر ماه مندرج در ( ماده ۵) متمم ۱۹۷۱ قرارداد و برخی هزینه‌های اضافی مندرج در صورت حسابهای جداگانه و نیز به بهره دیرکرد تا آخر روز ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ ( ۹ تیر ماه ۱۳۵۹) تجزیه شده بود. هارزا اینترنشنال در این صورت حساب نهائی، ادعای عدم النفع یا خسارات دیگر ناشی از نقض قرارداد را منظور نکرده و خواهانها نیز چنین ادعائی در دیوان مطرح نکرده‌اند. صورت حساب نهائی، ظاهرا " آخرین " فاکتور " یا صورت حسابی " است که طبق مقررات ماده فورس ماژور قرارداد که به شرح زیر مقرر می‌دارد ارائه شده :

" مهندس مسئول زیان یا خسارت ناشی از تاء خیر یا قصور در انجام تعهدات خود مذکور در این قرارداد که ناشی از علل استثنائی خارج از کنترل معقول مهندس باشد نخواهد بود.



علل استثنائی مزبور از جمله شامل موارد زیر می‌باشد:

مشیت الهی - اعتصابات - توقیف کشتی در بندر - جنگ - فعل یا ترک فعل مقامات کشوری و لشکری که مهندس با دوزاندیشی و کفایت معقول خود قادر به پیش بینی آنها و جلوگیری از آنها نباشد. در صورتیکه هریک از علل فوق اجرای این قرارداد را غیرممکن سازد هریک (۱) از طرفین این قرارداد می‌توانند فسخ آنرا از طرف دیگر خواستار شوند. در چنانچه صورتی ظرف یک (۱) ماه پس از اخطار رسمی فسخ قرارداد مهندس صورت حسابی شامل مبالغی که باید از طرف وزارت به او پرداخت شود تسلیم خواهند نمود و در ظرف یک (۱) ماه پس از رسید صورت حساب فوق الذکر وزارت آنرا رسیدگی نموده و مبالغی را که مهندس طبق بند ۲ ماده ۱۳ محق به دریافت می‌باشد در مقابل اعلامیه‌ای مبنی بر تسویه و تصفیه کلیه حسابها به مهندس پرداخت خواهند نمود.

۳۶ - طبق شرح مندرج در بخش سه فوق، خواهانها مدارک اثبات تابعیت خود را جهت دوره زمانی بین ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیرماه ۱۳۵۹) تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) تسلیم کرده‌اند و بدین ترتیب تلویحا " ادعای خود را ادعائی تلقی کرده‌اند که قبل از ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیرماه ۱۳۵۹) بوجود نیآمده است. این نظر با این برداشت که ادعا بابت عدم پرداخت صورت حساب نهائی بعد از فسخ به دلیل فورس ماژور می‌باشد بیشتر مطابقت دارد تا با این برداشت که ادعا بابت نقض قرارداد به علت تاءخیر در تاءدیه یا عدم پرداخت صورتحسابهای سالهای آخر دهه ۱۹۷۰ می‌باشد.

۳۷ - خواهانها مدارکی در اثبات مشکلاتی که هارزا اینترنشنال و کارمندان خارجی آن از اواخر سال ۱۹۷۸ هم از لحاظ زندگی و هم شرایط کار داشتند و نیز در مورد عدم پرداخت صورتحسابها ارائه داده‌اند. این مدارک برای دیوان کافی نبود که فسخ قرارداد در ژوئیه ۱۹۸۰ بر مبنای قید فورس ماژور قرارداد ( ماده ۱۷) از ناحیه هارزا اینترنشنال را صحیح بدانند.

۳۸ - دیوان با توجه به ملاحظات فوق الذکر، ادعاهای مطروح در پرونده حاضر را ناشی از عدم پرداخت صورتحساب نهائی تسلیمی همراه با اطلاعیه

فسخ مورخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۰ ( ۲۳ تیرماه ۱۳۵۹ ) به موجب ماده ۱۷ قرارداد تلقی می‌کند.

۳۹ - در این رابطه، این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان به خواهانها اجازه داد که تمام مبالغ بعضی صورتحسابهای خدمات انجام شده در سد کارون از دسامبر ۱۹۷۹ تا پایان آوریل ۱۹۸۰ را که سهواً در صورتحساب نهائی از قلم افتاده، به ادعاهای مطروح خود در این داوری اضافه کنند. جمع این صورتحسابها به ۱۱,۵۹۳,۵۰۹ ریال بالغ می‌شود. ضمن آنکه ادعای پرداخت بابت خدمات انجام شده در ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ به موجب قرارداد اعم از آنکه صورتحساب آنها ارسال شده یا نشده باشد، پابرجا بوده و بنابراین طبق الزام بند ۱ ماده ۲ بیانیه حل و فصل دعاوی در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ ( ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ ) ادعای پابرجائی محسوب می‌شود، اینکه آیا بعداً "می‌توان به صورتحسابی بابت فسخ مجاز قرارداد به دلیل فورس ماژور افزود یا نه، بستگی به مفاد قرارداد دارد. مسلماً " اگر سازمان آب و برق و هارزا اینترنشنال حسابهای خود را طبق ماده ۱۷ قرارداد قطعا " تسویه کرده بودند، هارزا اینترنشنال نمی‌توانست بعداً " ادعائی بابت صورتحسابهای از قلم افتاده طرح کند. لیکن در پرونده حاضر چنین تسویه‌ای صورت نگرفته و دیوان، ماده ۱۷ قرارداد را به نحوی تفسیر نمی‌کند که مانع تمحیح چنین اشتباهی از طرف هارزا اینترنشنال قبل از تسویه باشد.

۴۰ - سازمان آب و برق همچنین استدلال می‌کند که بابت صورتحسابهای از قلم افتاده، یعنی صورتحسابهای که اصل آنها را بیاد در طول عمر قرارداد دریافت نکرده یا نمی‌توانند پیدا کنند نباید مسئول شناخته شود. خواهانها استدلال می‌کنند که کلیه صورتحسابها را از طریق عادی کار تسلیم کرده‌اند و اگر سازمان آب و برق نمی‌تواند اصل آنها را بیابد از نظر حقوقی حائز اهمیت نیست. دیوان نیز با این نظر موافق است که این امر اهمیتی ندارد زیرا در هر صورت مبالغ کلیه این صورتحسابها ( به استثنای

صورت حسابهای دسامبر ۱۹۷۹ تا پایان آوریل ۱۹۸۰ که در فوق مورد بحث قرار گرفت) در ژوئیه ۱۹۸۰ در صورت حساب نهائی و جدولهای ضمیمه آن منظور شده است.

#### ب- شرح ادعاهای قراردادی

۴۱- در صورت حساب نهائی، ادعاهای هارزا اینترنشنال به سه دسته کلی تقسیم شده است:

(۱) "خدمات مربوط به قلم ۵" (یعنی مبالغی که حسب ادعا بابت صورت حسابهای کارکرد نفی-مساءه، طبق ماده ۵ متمم ۱۹۷۱ قرارداد قابل پرداخت است) که بر حسب پروژه فهرست شده؛ (۲) هزینههای اضافی، که جداگانه فهرست شده و (۳) بهره تاءخیر تادیه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیرماه ۱۳۵۹) که به نرخ ۱۲٪ در سال محاسبه شده است. در طول داوری حاضر، اشتباهاتی در صورت حساب نهائی کشف شد. در سال ۱۹۸۲، هارزا اینترنشنال مبلغ بهره مورد ادعای خود تا ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیرماه ۱۳۵۹) را مجدداً محاسبه کرد که حاصل آن، افزایش مبلغ بهره به میزان -/۳۲۸,۰۵۸۰ دلار امریکا بود. متعاقباً، ضمن کار آقای تونو، کارشناس منصوب دیوان، تعداد دیگری اشتباه، برخی به نفع هارزا اینترنشنال و برخی دیگر به نفع سازمان آب و برق کشف شد. بطور کلی این اشتباهات موضوع اختلاف نیستند غیر از چند مورد که جمعاً بالغ بر ۲۱,۵۱۷,۱۳۳ ریال می شود و ظاهراً "سازمان آب و برق به هارزا اینترنشنال یا از طرف آن به دیگران پرداخته است. خواهانها سه قلم از این پرداخته ها را پذیرفته اند: یکی به مبلغ ۱,۲۶۵,۰۰۰ ریال بابت کسور مالیاتی، و یکی دیگر به مبلغ ۸۵,۵۷۲ ریال که به هارزا اینترنشنال پرداخت شده و دیگری به مبلغ ۱۰,۰۷۳ ریال به عنوان مالیات. سازمان آب و برق در مورد مابقی پرداخته ها، ثابت نکرده که پرداخته ها از نوعی بوده که به موجب قرارداد می توان به حساب بستانکار وی منظور نمود.

۴۲ - بدین ترتیب ، اقلام مختلف ادعاهای قراردادی در این پرونده (۱) که دیوان باید به هر یک از آنها رسیدگی کند بشرح زیر میباشند:

۱ - صورتحسابهای پرداخت نشده بابت کارکرد نفر در ماه

الف - سدکارون	۳,۷۵۱,۱۷۶	دلار امریکا
ب - طرح آبیاری گتوند (مرحله سه ج)	۳,۸۶۰,۶۲۸	" "
ج - طرح آبیاری گتوند (سایر مراحل)	۲۹۸,۹۵۴	" "
د - سد مارون	۳۱,۳۴۰	" "
ه - طرح آبیاری بهبهان	۲۱۹,۳۷۷	" "

۲ - هزینههای اضافی

الف - برنامه آموزش سازمان آب و برق	۳۳,۴۶۳	" "
ب - آزمایشهای مدل سدکارون و مارون	۱۷,۶۹۲	" "
ج - خدمات بازرسی توربین کارون	۱۱۸,۸۵۳	" "
د - خدمات کوپرز اند لیبرند	۵۱,۳۸۶	" "
ه - حق بیمه های اجتماعی و ۱۰% مالیات اضافی بر حقوق کارمندان خارجی	۳۵۴,۸۲۷	" "
و - مالیات اضافی برپرداختهای یکجا	۱۹۲,۲۳۸	" "
ز - مالیات برآوردی ایران برپرداختهای بین اول فروردین ۵۸ تا آخر اسفند ۵۸ ( ۷۹/۳/۲۱ تا ۸۰/۳/۲۰ )	۱۰,۷۵۴	" "
۳ - ۱۲ درصد بهره تاء خیر تاء دیه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ ( ۹ تیرماه ۱۳۵۹ )	۳,۵۳۰,۰۸۴	" "

جمع کل ۱۲,۴۷۰,۷۷۲ " "

(۱) هارزا اینترنشنال کلیه مبالغ ریالی صورتحساب نهائی خود را به دلار تبدیل و نرخ تسعیر را نرخ معمول روز طبق جدول پیوست تعیین کرد. سازمان آب و برق به آن نرخها اعتراض نکرده و دیوان به منظور حاضر آن نرخها را میپذیرد.

ج - موضوعات عمومی۱ - مقررات صورتجلسه و ضمیمه صورتجلسه درباره پرداخت و بررسی صورتحسابها

۴۳ - چندین موضوع در بسیاری از صورتحسابها موء شردند، بنا براین باید قبل از رسیدگی به تک تک اقلام ادعاهای قراردادی مذکور فوق، درباره آنها تصمیم گرفته شود. از مهمترین آنها یکی اثری است که دیوان باید برای مفاد مندرج در صورتجلسه و ضمیمه آن قائل شود که بموجب آن سازمان آب و برق مکلف شد صورتحسابهای هارزا اینترنشنال را فوراً " بررسی کرده و وجوه آنها را بپردازد. این دو سند همانطور که فوقاً اشاره شد، سازمان را ملزم می کرد ظرف ۶۰ روز از امضاء صورتجلسه در ۲ فوریه ۱۹۷۸ ( ۱۳ بهمن ماه ۱۳۵۶ )، تمامی مبالغ کلیه صورتحسابها تا پایان مه ۱۹۷۸ را بپردازد. هر چند طبق ( بند ۷ ) ضمیمه صورتجلسه، رسیدگی به موضوع مالیات ایران موکول به بحث بیشتری شده بود، به نظر دیوان، به موجب آن بند، حق هرگونه اعتراض احتمالی دیگر به صورتحسابهای قبل از ژوئن ۱۹۷۶ با آن تعهد پرداخت، اسقاط شد. خواهانها استدلال می کنند که به دلایل مشابه، قصور سازمان آب و برق در پرداخت صورتحسابهای بعد از ماه مه ۱۹۷۶ یا ذکر دلایل عدم پرداخت طرف مدت مقرر در صورتجلسه و ضمیمه آن، اعتراضات بعدی سازمان را خارج از موقع می سازد. لیکن دیوان با توجه به نظرات مندرج در ذیل درباره ایرادات سازمان آب و برق، رسیدگی به این موضوع را ضروری نمی بیند.

۲ - مالیاتهای ایران

۴۴ - همانطور که در فوق ذکر شد، در صورتجلسه و ضمیمه (۲) آن، موضوع حقوق قراردادی هارزا اینترنشنال نسبت به برخی کشور مالیاتهای ایران که سازمان آب و برق باید به وی مسترد می داشت حل نشد و طرفین

(۲) در ضمیمه صورتجلسه که در دسامبر ۱۹۷۷ به امضاء رسید اشعار گردید که موضوع مالیاتها برای بحث " به پایان شهریور ماه ۲۵۳۶" موکول گردید. لیکن آن ماه مطابق با سپتامبر ۱۹۷۷ یعنی سه ماه قبل از امضای ضمیمه است. معهداً اشاره صریح به تعویق، به این مفهوم است که صرف نظر از تاریخ آن، طرفین چنین قصدی را داشتند.

هیچگاه این مسئله را از طریق مذاکره حل نکردند. بنا بر این دیوان باید اکنون تکلیف آن را روشن کند. نظر به اینکه این موضوع به نحوی با کلیه پروژه‌ها و بسیاری صورتحسابها ارتباط دارد، دیوان آنرا به عنوان یک موضوع کلی مقدماتی مورد رسیدگی قرار می‌دهد.

۴۵ - به موجب ( ماده ۷ ) قرارداد، حق الزحمه مهندس باید به نسبت درصدی از برآورد هزینه ساختمان به صورت مبالغ کلی جبران می‌شد و در مورد مالیات مقرر شده بود که :

" حق الزحمه فوق شامل کلیه مالیاتها و عوارض و مالیات بردرآمد مهندس و کارمندان ایرانی و خارجی استخدامی او برای اجرای این قرارداد در ایران و حقوق گمرکی مصالح و لوازم و ماشین آلات خریداری شده توسط مهندس که در تاریخ امضای این قرارداد نافذ می‌باشد خواهد بود. چنانچه مالیاتها یا عوارض یا حق بیمه‌های اجتماعی جدیدی ( به غیر از آنچه که در هنگام امضای این قرارداد نافذ بوده است ) بر مهندس و کارمندان او تکلیف شود یا چنانچه نرخ مالیاتها و حقوق گمرکی و عوارض دیگر و غیره که شامل مهندس یا کارمندان باشد پس از تاریخ مزبور اضافه یا کسر گردد حق الزحمه پرداختی به مهندس بهمان نسبت تعدیل خواهد شد.

۴۶ - متمم ۱۹۷۱ قرارداد، شرط فوق الذکر را از لحاظ پرداختهای یکجا تغییر نداد لیکن در تعریف حق الزحمه کارکردن فرما، یا موضوع مالیاتها به طریق دیگری برخورد کرد. ماده ۵ متمم سال ۱۹۷۱ قرارداد مقرر داشت که سازمان آب و برق باید هزینه‌های مستقیم را جبران کند و آن هزینه‌ها را چنین تعریف نمود:

" هزینه‌هایی که مستقیماً مربوط به انجام خدمات... می‌شود مانند... حقوق و عوارض گمرکی و مالیاتها که شامل مالیات بردرآمد دولت ایران نیز می‌باشد."

۴۷ - هر چند شروط قرارداد ظاهراً " ابهام ندارند، لیکن اجرای آنها به ویژه در مورد صورتحسابهای کارکردن فرما ماه در عمل منجر به عدم توافق‌هایی شد که در ضمیمه صورتجلسه منعکس است. اولین مسئله مالیاتی که به موجب مفاد قرارداد بوجود آمد از آنجاست که مقامات مالیاتی ایران، متمم ۱۹۷۱ قرارداد را به عنوان قرارداد جدیدی تعبیر کرده و در

نتیجه هارزا اینترنشنال را از آن تاریخ مشمول مالیات بردرآمدی بیشتر از آنچه که در ۱۹۶۷ تصویب شده ولی شامل قرارداد منعقد شده قبل از تصویب قانون نمی‌شد، شناختند. هارزا اینترنشنال خود را بایک ارزیابی مالیاتی به مبلغ ۲۲،۷۲۹،۸۳۴ ریال بابت سالهای بعد از اتمام ۱۹۷۱ مواجه دید و آنها را پرداخت نمود. هارزا اینترنشنال همچنین مشمول نرخ نسبتاً بالاتری از کسر مالیاتی نسبت به پرداختهای یکجا گردید که جمعا " بالغ بر ۸۴۲،۲۱۸ ریال اضافه در کسور مالیاتی شد. سازمان آب و برق در دسامبر ۱۹۷۴، تا میزان ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال از این مبالغ را به هارزا اینترنشنال بازپرداخت نمود. مابقی، که در صورت حساب نهائی به ۱۹۲،۲۳۸ دلار تبدیل شده، جزئی از ادعاهای پرونده حاضر را تشکیل می‌دهد. سازمان آب و برق استدلال می‌کند که متمم ۱۹۷۱ قرارداد، با افزودن حق الزحمه هارزا اینترنشنال، افزایش مالیاتها در ۱۹۶۷ را در نظر گرفته و بنابراین الزامات ماده ۷ قرارداد رعایت شده است. لیکن دلیلی در مورد چنین برداشتی ارائه نگردیده. بالعکس، خواهانها ادعا می‌کنند که هیچیک از طرفین پیش‌بینی نمی‌کردند که مقامات مالیاتی ایران بعداً " اظهار نظر کنند که متمم ۱۹۷۱ قرارداد، قرارداد جدیدی است و اظهار می‌دارند که سازمان آب و برق، هارزا اینترنشنال را تشویق کرد که به آن اظهار نظر در دادگاه اعتراض کند. این کار انجام شد ولی نتیجه‌ای حاصل نشد. دیوان همچنین ملاحظه می‌کند که سازمان آب و برق در دسامبر ۱۹۷۴ ————— میزان ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال از این مالیاتها اضافه را به هارزا اینترنشنال بازپرداخت نموده. براساس ملاحظات فوق، دیوان ادعای هارزا اینترنشنال را بابت بازپرداخت این مالیاتها به مبلغ ۱۹۲،۲۳۸ دلار تأیید می‌کند.

۴۸ - دونوع مالیات جدید دیگر بعد از انعقاد قرارداد وضع گردید؛ یکی حق بیمه اجتماعی کارمندان خارجی از ۱۹۶۷ و دیگری ۱۰٪ اضافه مالیات بر حقوق کارمندان خارجی از سال ۱۹۷۰. سازمان آب و برق هر دو مالیات

مذکور را تا آوریل ۱۹۷۶ به هارزا اینترنشنال بازپرداخت نمود. هارزا اینترنشنال بابت صورتحسابهای بازپرداخت نشده از آوریل ۱۹۷۶ تا پایان دسامبر ۱۹۷۸، مبلغ ۱۸،۱۳۶،۱۰۴ ریال بابت حق بیمه اجتماعی و مبلغ ۶،۹۱۴،۶۶۶ ریال بابت اضافه مالیات مطالبه می‌کند. جمع این دو رقم ۲۵،۰۵۰،۷۷۰ ریال می‌شود که در صورت حساب نهائی به ۳۵۴،۸۲۷ دلار تبدیل شده است. با توجه به اینکه ماده ۷ قرارداد صریحا " مقرر می‌دارد که مالیاتهای جدید برکارمندان هارزا اینترنشنال و همچنین مالیاتهای که مستقیما " برهارزا وضع شود باید جبران گردد، بنابراین دیوان ادعای هارزا اینترنشنال بابت حق بیمه‌های اجتماعی و اضافه مالیات به مبلغ ۳۵۴،۸۲۷ دلار را تأیید می‌کند.

۴۹ - اغلب صورتحسابهای بابت کارکرد نفروسمماه یعنی صورتحسابهای که طبق ماده ۵ متمم ۱۹۷۱ ارسال شده و قسمت عمده ادعاهای هارزا اینترنشنال را تشکیل می‌دهد شامل مطالبی است که برای جبران مالیات بردرآمد پیمانکار درخواست شده که هم بابت درصدی است که سازمان آب و برق کسرمی‌کرده و هم بابت مبالغ دیگری که هارزا اینترنشنال هر سال بیه مقامات مالیاتی می‌پرداخته است. این مبالغ جمعا " به ۹۴۷،۴۹۳ دلار بالغ می‌شود. سازمان آب و برق استدلال می‌کند که حداقل در پروژه سد کارون قرار نبود فرمول کارکرد نفوسرمماه شامل کارهایی شود که هزینه‌اش به حساب سازمان گذاشته شده، لهذا ادعای جبران این مالیاتها بی اساس می‌باشد. موضوع کاربرد صحیح فرمول کارکرد نفوسرمماه ذیلا" مورد بحث قرار می‌گیرد. دیوان با توجه به عبارات روشن تعریف هزینه‌های مستقیم در ماده ۵ متمم ۱۹۷۱ قرارداد، نظر می‌دهد که ادعاهای ۵ درصد کسور مالیاتی و مبالغ اضافی که هارزا اینترنشنال به عنوان مالیات برپیمانکار ایرانی به مقامات مالیاتی پرداخته، نسبت به هر قسمت از کار که طبق فرمول نفوسرمماه ماده ۵ متمم قرارداد، هارزا اینترنشنال استحقاق بازپرداخت داشته، ادعاهای معتبری بوده است.



۵۰ - هارزارا اینترنشنال در صورت حساب نهائی خود یک قلم مالیات دیگر به مبلغ ۱۰،۷۵۴ دلار بابت برآورد مالیات پیمانکار ایرانی از مبلغ دریافتی طی سال مالی ایران منتهی به ۲۰ مارس ۱۹۸۰ (۳۰ اسفند ۱۳۵۸) منظور نموده است. در جلسه استماع خواهانها اقرار نمودند که این مبلغ مالیات، ارزیابی یا پرداخت نشده است، بنابراین مبنائی برای وصول آن نه به موجب قرارداد و نه متمم ۱۹۷۱ وجود ندارد و دیوان این ادعا را مردود می شمارد.

### ۳- حقوقها

۵۱ - سازمان آب و برق در مورد برخی از حقوقهایی که در چند صورت حساب کارکرد نفر ماه منظور شده سه ایراد مطرح کرده است: (الف). حقوق کارمندی که برای سازمان آب و برق ناشناخته بوده اند. (ب). حقوقهایی که حساب ادعا میبایست در هزینه های بالاسری سرشکن شود و (ج). اضافه حقوق کارمندان ایرانی در سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ بیش از میزان مورد توافق سازمان آب و برق. دو ایراد اول را میتوان به سرعت رد کرد زیرا سازمان هیچ مدرکی در تأیید آنها ارائه نداده است، لیکن ایراد سوم مستلزم بررسی بیشتری است.

۵۲ - در متمم ۱۹۷۱ قرارداد، حقوقهای مستقیم که طبق فرمول کارکرد نفر ماه قرار بود هارزارا اینترنشنال آنها را پس بگیرد اینطور تعریف شده که حقوقهایی خواهد بود که به کلیه کارکنان، شامل کارکنان ارشد "به نسبت اوقاتی که مستقیماً صرف کار پروژه کرده باشند" پرداخت می شود. طبق این ماده، افزایش حقوق بدون هیچگونه محدودیت قابل برگشت بود. لیکن در صورت جلسه، سطح حقوقها تحت کنترل درآمد. بند ۲ الف ماده ۲ مقرر می داشت که:

از اول سال ۲۵۳۵ تشکیلات پرسنلی مهندس مشاور (نمودار زمانی) و طبقه بندی دستمزد و حقوق های پرسنلی به پیشنهاد مهندس و موافقت مدیر عامل سازمان مأخذ و ملاک عمل برای احتساب حقوقهای مستقیم قرار خواهد گرفت. (۳)

(۳). نمودار زمانی توافق شده، پیوست ضمیمه صورت جلسه بود.

۵۳ - بند ۶ فهرست پیوست حقوقها ، حداکثر اضافه حقوق سال ۲۵۳۴ و ۲۵۳۵ راتعیین کرد ، طبق بند ۶ :

چنانچه تحت شرایطی مهندس مشاور مجبور به افزایش حقوق بعضی از کارکنان خود بطور استثنائی در خارج از چهارچوب افزایش های مندرج در بندهای فوق الذکر باشد ، مهندس مکلف به اخذ مجوز قبلی از دستگاه اجرائی می باشد .

۵۴ - از متن این مفاد کاملاً روشن نیست که منظور از این مقررات ، محدود کردن افزایش حقوق بعد از سال ۲۵۳۵ (منتهی به ۲۰ مارس ۱۹۷۷) بود یا خیر ، اما به نظر دیوان ، منطقاً " باید چنین نتیجه گرفت که با توجه به نحوه عمل و روابط طرفین چنین اثری را داشتند . روشن است که منظور از صورتجلسه و ضمیمه آن که ماهها در باره آن مذاکره شد غلبه بر مشکلاتی بود که سازمان با صورت حسابهای کارکرد نفر ماه از جمله مشکلات مربوط به سطح و افزایش حقوقها داشت . ظاهراً " یکی از آوانسهای که در مقابل موافقت با پرداخت فوری صورت حسابهای معوقه به سازمان آب و برق داده شد ، افزودن شرط موافقت سازمان با افزایش بیشتر حقوقها بود . تقریباً " یکسال قبل از امضای صورتجلسه ، هارزا اینترنشنال به سازمان آب و برق پیشنهاد کرد که حقوق کارکنان ایرانی در سال ۲۵۳۶ به میزان ۱۵ درصد افزوده شود و خواهانها ادعای کنند که رئیس پروژه شفاها " با این پیشنهاد موافقت کرده بود . تنها مدرکی که از این موافقت شفاهی در دست است یک تلگراف داخلی هارزا اینترنشنال است . هارزا اینترنشنال بعداً " در همان سال وقتی که قرارداد بسیاری از کارمندان منقضی شد ، بین ۸ تا ۱۰ درصد اضافه حقوق دیگر به آنان اعطاء کرد . لیکن سازمان آب و برق در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۷ ( ۹ آذر ۱۳۵۶ ) طی نامه ای به هارزا اینترنشنال اطلاع داد که سازمان فقط با ۱۰ درصد افزایش حقوق در تمام سال ۲۵۳۶ موافقت کرده است . هارزا اینترنشنال برای سال ۲۵۳۷ افزایش حقوقهایی تا ۱۵ درصد پیشنهاد کرد که بعداً " سازمان کتبا " با

آن موافقت کرد اما فقط بر مبنای پائین ترین حقوقهای ۲۵۳۵ با احتساب تنها ۱۰ درصد اضافه در سال ۲۵۳۶ و نه بر مبنای افزایشهای واقعی که به عمل آمده بود. دیوان بر اساس این مدرک نتیجه می گیرد که طرفین تفاهم داشتند که برای افزایش حقوق، موافقت کتبی سازمان آب و برق شرط بود. حتی اگر این الزام هارزا اینترنشنال را در موقعیت متزلزلی قرار می داد که در عمل ناچار بود مدت ها قبل از آنکه سازمان تصمیم به تصویب افزایشها بگیرد تا در نتیجه قابل جبران باشد، خود را "به دلیل تورم، به کارمندان افزایش حقوق بدهد. در این رابطه دیوان ملاحظه می نماید که محدودیت افزایش حقوق سال ۲۵۳۶ به ۱۰ درصد عطف به گذشته می شد قبل از امضای صورتجلسه به اطلاع هارزا اینترنشنال رسیده بود، مع هذا هارزا ظاهرا "کوششی برای اصلاح صورتجلسه در این موضوع نکرد.

۵۵ - در مورد مبالغ مورد اختلاف که در نتیجه افزایش غیرمجاز حقوقها (از جمله اثر ۱۲۵ درصد ضریب هزینه های بالاسری) به وجود آمد، سازمان آب و برق اظهار می کند که آن مبالغ بالغ بر ۲۹۱،۲۰۹ دلار و ۱۰۶،۸۸۶،۹۲۵ ریال (جمعا "معادل تقریبا ۱/۸ میلیون دلار) بود، ولی سازمان مدرکی در تایید آن ارقام و نحوه محاسبه آنها ارائه نداده است. گزارش آقای توونو حاکی از آن است که مبالغی که سازمان ذکر کرده است احتمالا جمع حقوقها می باشد نه افزایش حقوقهایی که مورد موافقت سازمان آب و برق قرار نگرفت. به درخواست آقای توونو، خواهانها حداکثر مبلغ مورد اختلاف (از جمله ضریب ۱۲۵ درصد) را محاسبه نموده و به ۸،۹۴۶،۸۴۸ ریال رسیدند که پس از تبدیل، مبلغ ۱۲،۶۹۷/۸۵ دلار بدست آمد. سازمان آب و برق دیگر پاسخی نداد و دیوان این مبلغ را می پذیرد و نظر می دهد که ادعاهای هارزا اینترنشنال بابت افزایش حقوقهایی که سازمان آب و برق تصویب نکرده و بالغ بر ۱۲۶،۶۹۷/۸۵ دلار می شود باید مردود شناخته شود.

#### ۴ - هزینه های سفر

۵۶ - سازمان آب و برق ادعا می کند که در صورت حسابهای بعد از مه ۱۹۷۶ هارزا اینترنشنال، هزینه های غیرموجهی بابت سفر به مبلغ ۱۵۵،۵۹۱ دلار

و ۱۹،۹۶۵،۲۵۰ ریال منظور شده است. لیکن ادعای خود را با مدرک ثابت نکرده است. آقای توونو، طی بازدید از دفاتر هارزا در شیکاگو، پرونده‌های مربوطه را در محل بازرسی کرد. در عین حال که دریافت که صورتحساب‌های هارزا اینترنشنال با دقت تهیه شده است، مع هذا اظهار داشت در اینکه برخی از سفرهای مهندسان مشاور هارزا اینترنشنال مورد تصویب سازمان آب و برق قرار گرفته باشد جای تردید وجود دارد. آقای توونو بر اساس آن تجربه و ملاقات‌های خود با طرفین، اظهار نظر کرد که احتمال دارد فقط ۱۰ تا ۱۵ درصد اعتراضات سازمان آب و برق در مورد سفرها موجه باشد. خواهانها با این نظر موافق نیستند و استدلال می‌کنند که قبول ایراد سازمان حتی تا آن حد جزئی غیر عادلانه است زیرا سازمان آب و برق مدارکی در تأیید اعتراض خود ارائه نداده و بنا بر این خواهانها ملایکی برای ارائه دلایل معارض آن در دست ندارند. دیوان با این استدلال موافق است. با توجه به یافته‌های آقای توونو، سازمان آب و برق با اثبات ادعای رابردوش دارد که اثبات نکرده و دیوان نیز مقتضی نمی‌داند با استفاده از در صداختیاری که خود حاصل تحقیقات کاملاً محدودی میتواند باشد، سازمان را از الزام اثبات ادعا معاف دارد. پرونده‌های سازمان آب و برق باید حاوی مجوزهای سفر هارزا اینترنشنال یا نمایندگان آن باشد. قصور سازمان در ارائه مدارک حتی برای چند مورد سفر غیر مجاز، ناگزیر موجب رد اعتراض وی می‌گردد.

#### ۵ - متفرقه

۵۷ - سازمان آب و برق اعتراض کرده که هارزا اینترنشنال، بعضی اقلام هزینه را به عنوان هزینه‌های مستقیم در صورتحساب‌های کارکردن فرماه منظور نموده است و از آن جمله به هزینه پروانه کارایران برای کارمندان خارجی هارزا اینترنشنال، هزینه نگهداری ضمانتنامه‌های بانکی پیش پرداخت و بعضی هزینه‌های اداری اشاره می‌کند. دیوان هیچیک از ایرادهای فوق را وارد نمی‌داند. واضح است که هزینه پروانه کارکارمندان که منحصراً "

به کارپروژه اشتغال داشتند هزینه مستقیم به مفهوم ماده ۵ متمم ۱۹۷۱ -  
قراردادی باشد. صورتجلسه، مسئله هزینه های اداری راجل کرد. هارزا  
اینترنشنال طبق آن صورتجلسه در صورت حسابهای خود تجدیدنظر کرد. هزینه  
نگهداری ضمانت نامه های بانکی مادریه در مقابل پیش پرداختها در طول مدتی  
که کلیه حق الزحمه ها در حقیقت بر اساس ماده ۵ پرداخت می شدند طبق مفاد  
همان ماده، هزینه مستقیم است. آقای توونو در گزارش خود، نظر داد که  
هزینه ضمانت نامه های بانکی، هزینه مستقیم نیست ولی در جلسه استماع در  
توضیح نظر خود اظهار داشت که اگر به جای پرداخت یکجا، به حق الزحمه کارکرد  
نفرماه ارتباط داشته باشد، هزینه مستقیم است. دیوان هم چنین  
عقیده ای دارد.

#### د - صورت حسابهای موضوع ماده ۵

##### ۱- سدکارون

۵۸ - ادعای هارزا اینترنشنال بابت مبالغ پرداخت نشده ای که حسب ادعا، طبق  
صورت حسابهای کارکردنفر ماه (موضوع ماده ۵ متمم ۱۹۷۱ قرارداد) در پروژه  
سدکارون طلبکار بود، پس از تبدیل و اصلاحات فوق الذکر، بالغ بر  
۱۷۶، ۳۰۷۵۱ دلار می شود. این رقم از جمع صورت حسابهای دلاری هارزا  
اینترنشنال (جمعا " بالغ بر ۶،۳۶۳،۹۹۶/۳۴ دلار) و معادل دلاری صورت حسابهای  
ریالی (جمعا " ۶،۴۴۳،۵۸۵/۹۰ دلار معادل ۴۵۵،۶۰۰،۱۹۵ ریال) و سپس کسر  
پرداختهای دلاری سازمان آب و برق (جمعا " ۷۲۵،۸۵۱/۸۰ دلار) و معادل دلاری  
پرداختهای ریالی سازمان (جمعا " ۸،۳۳۰،۵۲۴ ریال معادل ۵۸۹،۰۱۸،۰۳۲  
ریال) بدست می آید. این صورت حسابها کلیه کارهای هارزا اینترنشنال  
در سدکارون بعد از ۲۹ دسامبر ۱۹۷۴ (۸ دیماه ۱۳۵۳) را در بر می گیرد یعنی  
تاریخی که در ماده ۳ متمم ۱۹۷۱ به عنوان مهلت قابل اعمال برای کارهای  
مشمول حق الزحمه یکجا ذکر شده. ماده ۳ متمم همچنین قید می کند:

چنانچه انجام خدمات مهندسی بدلائلی خارج از اختیار مهندس " از مدت زمان مقرر تجاوز کرده و در نتیجه تکمیل کار به تعویض افتد " مهندس " ذیحق است در تاریخ پایان مدت مقرر کلیه حق الزحمه ای که طبق این متمم تعیین شده است وصول کند. هر قسمت از کار که باقیمانده باشد بر حسب دستور " سازمان " ممکن است بوسیله " مهندس " ادامه و انجام گیرد و حق الزحمه مربوطه بر اساس کارکرد نفر - ماه صرف شده مطابق نرخها و هزینه های تیکه طبق این متمم توافق شده است تعیین و به " مهندس " پرداخت می گردد.

۵۹ - سازمان آب و برق در وهله اول اظهار می دارد وقتی متمم قرارداد در ۱۹۷۱ به امضاء رسید، طرفین انتظار داشتند که فقط کارهای نسبتاً جزئی در پروژه ۶۰ سد کارون برای بعد از ۲۹ دسامبر ۱۹۷۴ ( ۸ دیماه ۱۳۵۳ ) باقی خواهد ماند. این انتظار احتمالاً درست بوده، هرچند که دیوان توجه دارد که پروژه های ساختمانی عظیم اغلب با تأخیر و برومی شوند به نحوی که ریسک تأخیر اجتناب ناپذیر است. بهر حال انتظار طرفین هر چه بوده باشد، مفاد قرارداد صراحت دارد.

۶۰ - دفاع عمده سازمان آب و برق (که مبنای یکی از ادعاهای متقابل وی نیز هست) این است که تأخیرات حاصل در کار پروژه ناشی از تقصیر هارزا اینترنشنال میباشد. بنا بر این به مفهوم ماده ۳ "به دلایلی خارج از کنترل مهندس" نبوده است. سازمان آب و برق استدلال می کند که آزمایشات زمین شناسی هارزا اینترنشنال قبل از شروع ساختمان کافی نبوده و در نتیجه وقتی پاره ای مسائل زمین شناسی آنهم در ۱۹۷۲ یعنی بعد از شروع ساختمان، در جناح راست سد کشف شد منجر به دو سال تأخیر در تکمیل پروژه گردید. خواهانها انکار می کنند که آزمایشات زمین شناسی کافی نبوده و یا اگر آن مسائل زمین شناسی زودتر کشف می شد، تأخیر کمتری رخ می داد.

آقای کریزل کارشناس منصوب دیوان در این زمینه اظهار داشت که چند حفاری اضافی در پایه راست سد در طول مطالعات مقدماتی مطلوب می بود. مدارک و استدلال

فراوانی در این موضوع ارائه گردیده، هرچندکه عمدتاً "در ارتباط با ادعاهای متقابل سازمان آب و برق می باشد.

۶۱- در مورد ادعای هارزا اینترنشنال بابت صورتحسابهای پرداخت نشده کارکرد نفرماه دسدکارون، دیوان معتقد است که دفاع سازمان در این مورد عمدتاً "وارد نیست، هارزا اینترنشنال، ارسال صورتحسابهای ماهانه پروژه را طبق ماده ۴ متمم ۱۹۷۱ از ژانویه ۱۹۷۵ آغاز کرده و تا پایان آوریل ۱۹۸۰ ادامه داد. سازمان آب و برق در پاسخ این صورتحسابها مبلغ قابل توجهی به صورت علی الحساب پرداخت و مدیر پروژه سازمان در ۱۹۷۵ طی نامه ای به هارزا اینترنشنال صریحاً "صحت صورتحسابهای کارکرد نفر ماه پروژه را تأیید کرد. اعتراض سازمان به ارقام صورتحسابها به دلایل خاص و بسیار محدودتری بوده. در اواخر ۱۹۷۷ و اوایل ۱۹۷۸، سازمان صورتجلسه و ضمیمه آنرا امضاء و طی آنها تعهد کرد که صورتحسابها را عاجلاً مورد بررسی قرار دهد و وجوه آنها را بپردازد. مدارک حاکی از آن است که سازمان، ایراد عدم کفایت آزمایشات زمین-شناسی را برای اولین بار طی جریان رسیدگی حاضر مطرح کرده است. نحوه عمل قبلی سازمان، ناقض اعتبار ایرادوی می باشد. علاوه بر این، بسیار غیر-عادلانه است که به کارفرمایی مانند سازمان آب و برق اجازه داده شود مهندسی را برای مدت پنج سال با وعده پرداخت حق الزحمه که با پرداختهای منظم و اطمینانهای مکرر تأیید گردیده به کار وادارد و سپس در پایان منکر شود که حق الزحمه ای بدهکار است. در ماده ۱۳ قرارداد، برای سازمان آب و برق در صورتی که هارزا اینترنشنال نقایص کار خود را رفع نکند، چاره جوئی هائی به صورت دادن اخطار، فسخ و وصول خسارات پیش بینی شده است. بعلاوه، سازمان حق داشت هر موقع بخواهد به خدمت هارزا اینترنشنال خاتمه دهد. به موجب مفاد قرارداد و متمم ۱۹۷۱، اگر سازمان معتقد بود که کارها را از اینترنشنال دسدکارون بعد از ۲۹ دسامبر ۱۹۷۴ (۸ دیماه ۱۳۵۳) طبق ماده ۵ متمم ۱۹۷۱ مستحق حق الزحمه نیست، موظف بود این مطلب را در همان زمان به هیئت گوزدنماید. بنا بر این دیوان، ادعای هارزا اینترنشنال بابت صورتحسابهای

پرداخت نشده کار پروژه سد کارون به مبلغ ۳,۷۵۱,۱۷۶ دلار را تایید می‌کند.

## ۲- پروژه آبیاری گتوند- مرحله سوم - ج

۶۲- متمم ۱۹۷۱ قرارداد (ماده ۱)، مرحله سوم پروژه آبیاری گتوند را از حدود کارها رزای اینترنشنال (خدمات مهندسی در طول مدت ساختمان) مستثنی نمود. سازمان بعداً "آن تصمیم را تغییر داد و طی نامه مورخ اول آوریل ۱۹۷۴ (۱۲ فروردین ۱۳۵۳) به کارها رزای اینترنشنال اجازه داد کار مرحله سوم ج را اجراء نماید. اختلافی نیست که حق الزحمه این کار باید براساس (ماده ۵) کارکرد نفر ماه پرداخت می‌شد. متمم ۱۹۷۱ در این مورد ابهام ندارد و سازمان طی نامه مورخ ۲۷ اکتبر ۱۹۷۴ (۵ آبان ۱۳۵۳) صریحاً "موافقت خود را اعلام کرده بود. هر چند سازمان در داوری حاضر ادعا می‌کند در کارها رزای اینترنشنال نقایمی وجود داشت، آن ادعاها به ادعاهای متقابل سازمان ارتباط دارد و دفاع در مقابل عدم پرداخت صورت حسابها محسوب نمی‌شود. طبق شرح مندرج در بخش قبلی، جبران خسارت سازمان در صورت وجود نقایمی در ماده ۱۳ قرارداد پیش‌بینی شده بود و در نبود اخطار به مهندس و فرصت رفع نقایص و فسخ قرارداد طبق آن ماده، حق الزحمه کار انجام شده طبق قرارداد و متمم ۱۹۷۱ باید به موجب قرارداد و متمم پرداخت شود. سازمان در موارد متعدداً این واقعیت را پذیرفت و مثال بارز آن صورت جلسه و ضمیمه آن است. بنا بر این دیوان ادعای کارها رزای اینترنشنال را بابت صورت حسابهای پرداخت نشده مرحله ۳ ج پروژه آبیاری گتوند به مبلغ ۳,۸۶۰,۶۲۸ دلار تأیید می‌کند.

## ۳- سایر مراحل پروژه آبیاری گتوند

۶۳- متمم ۱۹۷۱ قرارداد (ماده ۱)، همچنین کار مرحله سه الف (معاوضت در طول مناقصه) پروژه آبیاری گتوند را از حدود کارها رزای اینترنشنال مستثنی نمود. این کار بعداً "به کارها رزای اینترنشنال محول گردید. همچنانکه تعدادی کارهای اضافی مانند توسعه طرح مشتمل بر کانالهای آبیاری رده سوم و چهارم در دو واحد پروژه و افزایش مساحت زمین پروژه و گنجاندن



مزرعه نیشکرو طرح وسایر کارهای مربوط به دهکده کارگری به آن محول گردید. هر چند سازمان آب و برق اکنون بطور کلی انکار می‌کند که هارزا اینترنشنال غیر از مرحله سوم - ج که خارج از حدود کار قرارداد دو متمم ۱۹۷۱ بوده در پروژه آبپاری گتوند کاری انجام داده، این موضع راهیجگاه قبل از داوری حاضر اتخاذ نکرده بود و برخلاف موضعی است که سازمان آب و برق در موارد متعدد در طول کار اعلام کرده است. دیوان به دلایلی مشابه آنچه که در دو قسمت فوق الذکر ذکر شده، ادعای هارزا نسبت به صورت حسابهای پرداخت نشده بابت کارهای اضافی مراحل غیر از مرحله سوم - ج پروژه آبپاری گتوند به مبلغ ۲۹۸،۹۵۴ دلار را تأیید می‌کند.

#### ۴- پروژه سد کارون

۶۴- تنها صورت حسابهای مربوط به این پروژه که بر اساس کارکرد نفر ماه (ماده ۵) صادر شده، بابت تغییراتی بوده که در اسناد مناقصه به درخواست سازمان آب و برق در ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ داده شده است. هارزا اینترنشنال در آن زمان تصریح کرد که این تغییرات را کار اضافی تلقی می‌کند که حق الزحمه آن باید بر اساس کارکرد نفر ماه پرداخت شود. هیچ مدرکی مبنی بر مخالفت سازمان با این نظر وجود ندارد و بهر حال اکثر صورت حسابهای مورد اختلاف، قبل از مه ۱۹۷۶ صادر شده و در نتیجه مشمول تعهد پرداخت مندرج در صورت جلسه و ضمیمه آن است. دیوان، ادعای هارزا اینترنشنال نسبت به صورت حسابهای پرداخت نشده بابت کار سد کارون به مبلغ ۳۱،۳۴۰ دلار آمریکا را تأیید می‌کند.

#### ۵- پروژه آبپاری بهبهان

۶۵- تنها صورت حسابهای مربوط به این پروژه که بر اساس کارکرد نفر ماه (ماده ۵) صادر شده بابت خدمات خارج از حدود کار، منجمله تهیه نقشه کانالهای آبپاری رده سوم و چهارم و ارائه خدمات معماری برای دهکده و پاره‌ای تغییرات در اسناد قرارداد بوده است. مدرکی دال بر مخالفت

سازمان آب و برق با اعمال روش حق الزحمه کارکردن فرم ماه در مورد این کارها ارائه نشده است و سازمان درازای این کارها، قسمتی از صورت حسابها را پرداخته است (با پرداخت اضافی در مورد صورت حسابهای ریالی و کسر پرداخت در مورد صورت حسابهای دلاری). دیوان ادعای هارزای اینترنشنال نسبت به صورت حسابهای پرداخت نشده بابت کار پروژه آبیاری بهبهان به مبلغ ۲۱۹،۳۷۷ دلار آمریکا، تأیید می کند.

#### ه - هزینه های اضافی

۶۶ - این قسمت به چهار ادعا بابت جبران هزینه های ارتباط دارد که در صورت حسابها کارکردن فرم ماه (ماده ۵) منظور نشده و در صورت حساب نهائی بطور جداگانه آمده است:

#### ۱- برنامه آموزش سازمان آب و برق

۶۷ - در اینجا، ۱۲ فقره صورت حساب هارزای اینترنشنال مطرح است که بین ۳۰ سپتامبر ۱۹۷۴ (۸ مهر ۱۳۵۳) و ۳۱ دسامبر ۱۹۷۶ (۱۰ دی ۱۳۵۵) صادر گردیده و طی آنها هزینه آموزش تعدادی از کارکنان سازمان آب و برق مطالبه شده است. سازمان فقط وجه قسمتی از یکی از این صورت حسابها را پرداخت کرده و اینک به آن صورت حسابها به دلایل نداشتن مجوز و استفاده از ضربیب بالاسری ۱۲۵ درصد ایراد دارد. (بند ۲ ج) صورت جلسه، این موضوع را بدین صورت بیان کرده که داشتن مجوز برای هر قلم الزامی و اضافه کردن بالاسری ممنوع است. آقای توونو اظهار نظر کرد که این توافق طرفین بایدها مصل صورت حسابهای قبل از ۳۱ مه ۱۹۷۶ (۱۰ خرداد ۱۳۵۵) و همچنین صورت حسابهای بعد از آن تاریخ باشد و مستلزم کسر از مبلغ ادعای مربوط به بالاسری (۱۰،۶۷۲/۴۹ دلار) می باشد. خواهانها، با اشاره به صورت جلسه می گویند که در مورد صورت حسابهای قبل از ژوئن ۱۹۷۶ با این امر مخالفند ولی "قصندارند به این نظر اعتراض کنند" در حال دیوان در مورد ارتباط صورت جلسه با

صورتحسابهای که بابت کارکردنفر مساه (ماده ۵) نیستند تردید دارد. دیوان کسرمبلغ ادعای می پذیرد و ادعای هارزا اینترنشنال نسبت به صورتحسابهای پرداخت نشده بابت برنامه آموزش سازمان آب و برق رافقط به مبلغ ۲۲،۷۹۰/۵۱ دلار، تأیید می کند.

## ۲- آزمایشهای نمونه سدکارون ومارون

۶۸- در این ادعا، صورتحسابهای پرداخت نشده به مبلغ ۱۷،۶۹۲ دلار که در سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴ در ارتباط با آزمایشهای مدل صادر شده و جمعا "بهارزش ۶۶،۱۵۰ دلار بوده، مطرح است. سازمان آب و برق در ۱۹۷۷ اعتراض کرد که هزینه آزمایشات، مبلغ ۳،۱۵۰ دلار از برآورد هزینه که مبنای تصویب سازمان بوده تجاوز کرده است. بند ۴ ماده ۶ قرارداد مقرر می کند که سازمان باید هزینه کارهای از جمله هزینه آزمایشهای مدل را بپردازد. در نامه مورخ ۱۵ فوریه ۱۹۶۸ (۲۶ بهمن ۱۳۴۶) مدیرعامل سازمان آب و برق در مورد این آزمایشها، مذکور است که هارزا اینترنشنال مجازا سست حداکثر تا ۵ درصد مبلغ قراردادی اضافه هزینه را تصویب کند. دیوان با توجه به این واقعیات معتقد نیست که باید ۵ درصد اضافه بر هزینه های برآوردی را از مبلغ ادعا کسر کند. بنا بر این دیوان ادعای هارزا اینترنشنال نسبت به صورتحسابهای پرداخت نشده بابت آزمایشهای نمونه به مبلغ ۱۷،۶۹۲ دلار را تأیید می کند.

## ۳- خدمات بازرسی توربین سدکارون

۶۹- در اینجا یک رشته صورتحسابهای جمعا " به مبلغ ۱۱۸،۸۵۳ دلار مطرح است که بین ۳۰ ژوئن ۱۹۷۱ (۹ تیر ۱۳۵۰) و ۳۱ ژانویه ۱۹۷۵ (۱۱ بهمن ۱۳۵۴) صادر شده که هزینه یک پیمانکار دست دوم به نام رابرت دبلیو هانت اندکا مپنی بابت بازرسی توربینهای سدکارون در ضمن ساخت آنها بوده است. به نظر میرسد که سازمان آب و برق، به اولین صورتحساب مربوط به این قرارداد فرعی اعتراض نمود. هارزا اینترنشنال اعتراف می کند که در تحصیل مجوز قبلی سازمان در مورد قرارداد فرعی قصور کرده ولی ادعا می کند که بعداً "ضمن مذاکرات متمم ۱۹۷۱، موافقت سازمان را کسب نموده است. لیکن مدارک نشان نمی دهد که هیچگاه چینی

موافقتی کتبا " تحصیل شده باشد و بند ۴ ماده ۶ قرارداد، مقرر می‌کنند  
درخواست کتبی " جهت تحصیل مجوز قراردادهای فرعی، الزامی است. دیوان  
با توجه به الزام صریح قرارداد، ادعای هارزا اینترنشنال نسبت به  
صورت حسابهای پرداخت نشده بابت خدمات بازرسی توربین سدکارون وارد  
می‌کند.

#### ۴- خدمات کوپرز لیبراند

۷۰- موضوعاتی که در اینجا مطرحند عبارتند از (الف) مابقی مبالغی که هارزا  
اینترنشنال بابت بررسی برخی هزینه‌های پیمانکار ساختمانی سدکارون به  
کوپرز لیبراند پرداخته و طلبکار است، (ب) و این سؤال که آیا هارزا  
اینترنشنال بابت این معامله استحقاق دریافت ۵ درصد کمیسیون دارد یا  
۱۰ درصد. بحثی نیست که این خدمات مجاز بوده، هرچند که سازمان آب و  
برق منکر آن است که این خدمات به‌دستی انجام گرفته، لیکن بحث راجع  
به حق هارزا نسبت به این کمیسیون است. خواهانها استدلال می‌کنند که  
هزینه این خدمات به‌عنوان هزینه مستقیم به موجب ماده ۵ متمم ۱۹۷۱ مستلزم  
پرداخت است. شق دیگر استدلال آنها این است که خدمات مذکور را طبق  
بند ۴ ماده ۶ قرارداد، می‌توان یک قرارداد فرعی تلقی کرد و هارزا اینترنشنا  
طبق شق اول، ۱۰ درصد و طبق شق دوم، ۵ درصد حق الزحمه استحقاق دارد.  
سازمان آب و برق استدلال می‌کنند که وی مستقیماً " با کوپرز لیبراند مذاکره  
کرده و هارزا اینترنشنال " به علت محدودیت‌های بودجه‌ای " آن را امضاء  
نموده و طبق بند ۴ الف (سه) صورت جلسه، حق هرگونه حق الزحمه یا کمیسیون  
اسقاط شده است. در مورد نکته اخیر الذکر، دیوان ملاحظه می‌کند که بند  
مزبور ظاهراً " فقط به هزینه‌های اداری ارتباط داشته و " هزینه‌های  
سرباری و اقدام " از آن مستثنی شده است. دیوان، معامله مورد بحث را یک  
قرارداد فرعی مجاز تلقی می‌کند و ادعای هارزا اینترنشنال را نسبت به  
دلاری که به کوپرز لیبراند پرداخته و از سازمان دریافت

نکرده تأیید می‌نماید. لیکن دیوان قراردادهای فرعی را مشمول بند ۴ ماده ۶ قرارداد نمی‌داند زیرا که آن بند محدود به برخی انواع آزمایش و مساحی می‌باشد. بنابراین، ۵ درصد حق الزحمه مندرج در آن ماده در این مورد مصداق ندارد و دیوان، ادعای حق الزحمه را رد می‌کند.

و - بهره تا پایان ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیر ۱۳۵۹)

۷۱- هارزا اینترنشنال طی صورت حساب نهائی مورخ ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیر ۱۳۵۹) خود، مطالبه بهره، تأخیر تأدیه به نرخ ۱۲ درصد در سال نموده و در تأیید ادعایش، جداول هر پروژه را با ذکر مبلغ هر یک از صورت حسابهای موضوع ماده ۵ و تاریخ سررسید پرداخت مربوطه و تعداد روزهایی که صورت حساب معوق مانده تا با پرداخت علی الحساب تسویه شده و بهره متعلق به مانده آن، ارائه کرده است. همانگونه که در فوق ذکر گردید، خواهانها، محاسبه مجدد این مطالبه بهره را در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۸۲ (۳۰ شهریور ۱۳۶۱) تسلیم نمودند که در آن مطالبات بهره مربوط به پروژه های سد کارون و آبیاری گوتوند را اندکی کاسته و مطالبات بهره به اقلام هزینه اضافی یعنی برنامه آموزش و آزمایشهای نمونه و خدمات بازرسی و خدمات کوپرز لیبراند و مالیات و حق بیمه های اجتماعی را افزایش داده اند. جمع مطالبات بهره در محاسبه مجدد، مبلغ ۳،۵۳۰،۰۸۴/۵۰ دلار است.

۷۲- مبنای قراردادی مطالبات بهره، ماده ۷ متمم ۱۹۷۱ است.

پرداختها طبق جدول ضمیمه (۴) انجام خواهد گردید. کلیه مبالغی که به "مهندس" تعلق می‌گیرد بایستی تا سی روز پس از سررسید قسط مربوطه پرداخت گردد. اگر پرداخت قسطی بیش از نود روز از موعد سررسید به تعویق افتد بهره ای مطابق نرخ جاری بانک اعتبارات صنعتی سازمان برنامه از روزی و یکم پس از تاریخ سررسید به مبلغ آن قسط تعلق خواهد گرفت.

- ۷۳ - سازمان آب و برق خاظر نشان می‌سازد که جدول پرداخت ضمیمه ۴ که در جمله اول ماده ۷ بدانها اشاره شده منحصر " در مورد پرداختهای یکجا می‌باشد که تماما " را "س موعده پرداخت شده و سازمان استدلال می‌کند که مابقی متن ماده ۷، از جمله تعهد پرداخت بهره را باید به نحوی تعبیر کرد که محدود به پرداختهای موضوع جدول ضمیمه ۴ باشد. خواهانها استدلال می‌کنند که عبارت ماده مزبور به صراحت شامل کلیه پرداختهاست و نه فقط پرداختهای یکجا، و منطقی نیست که طرفین برای نوعی از پرداختها، بهره تعیین کنند و برای انواع دیگری بهره‌ای منظور نمایند. خواهانها همچنین اشاره می‌کنند که سازمان آب و برق در دفاعیه خود در این باره استدلال کرده که هارزا اینترنشنال به دلیل عدم پرداخت، حق فسخ قرارداد را نداشته، زیرا مفاد ماده ۷ قرارداد در مورد بهره در صورت تاء خیر در تادیه، جبران آن را تضمین کرده است.
- ۷۴ - چند مساله دیگر در ارتباط با این موضوع مورد بحث واقع شد. اولاً " در صورتجلسه‌ای که در فوریه ۱۹۷۸ به امضاء رسید، در موقع تعیین مهلت‌های جدید برای پرداخت صورتحسابهای موضوع ماده ۵، اشاره‌ای به پرداخت بهره دیرکرد یا تاء خیر تادیه نشده، بنا بر این این سؤال مطرح می‌شود که آیا صورتجلسه و ضمیمه آن، ادعای بهره قبل از مهلت‌های جدید، یعنی ۶ روز پس از امضای صورتجلسه، در مورد صورتحسابها تا پایان مه ۱۹۷۶ را تلویحاً " ساقط نمی‌کند. خواهانها استدلال می‌کنند چنین اسقاطی می‌بایست صریحاً " قید شده باشد، هر چند که اعتراف دارند در صورتی که سازمان آب و برق، تعهدات پرداخت خود را به موجب صورتجلسه ایفا کرده بود، هارزا اینترنشنال به احتمال زیاد ادعاهای بهره صرف نظر می‌کرد.
- ۷۵ - " ثانیاً، در صورتی که طبق ماده ۷، بهره‌ای بابت پرداخت شود، نرخ صحیح آن چیست؟ خواهانها گفتند که شرکای ایرانی آنها، موه سسه فرما نفرماتیان نظرداده که نرخ بهره مناسب، ۱۲ درصد در سال بوده. سازمان آب و برق که تصور می‌رود به تصمیمات بانک اعتبارات صنعتی دسترسی داشته، انکار می‌کند که طبق ماده ۷ بهره‌ای بابت پرداخت می‌شود هیچگونه مدرکی در مورد نرخ بهره ارائه نداده است.

۷۶- طبق نظردیوان دربخش الف فوق، ادعاهای مطروح دراین پرونده، از ماده ۱۷ قرارداد بابت عدم پرداخت صورتحساب نهائی تسلیمی به همراه اخطار فسخ در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۰ (۲۳ تیر ۱۳۵۹) ناشی می‌شوند، لیکن آن نظر مساله حاضر راجل نمی‌کند، زیرا موضوع بهره مربوط به قبل از ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیر ۱۳۵۹)، یکی از عناصر صورتحساب نهائی بود.

۷۷- دیوان پس از بررسی مدارک و استدلالات طرفین نتیجه گرفته است که تعهد بهره موضوع ماده ۷ متمم ۱۹۷۱ تنها شامل تأخیر تأدیه مبالغ یکجای مندرج در ضمیمه ۴ می‌شود. هرچند در ماده ۵ متمم ۱۹۷۱، پرداخت حق الزحمه کارکرد نفر ماه پیش بینی شده، لیکن حق الزحمه اصلی مورد نظر در متمم، پرداختهای یکجای مندرج در جدول ضمیمه ۴ بوده است. مضافاً آنکه تعهد پرداخت بهره به مبالغ مشخص در تاریخهای معین با تعهد پرداخت بهره بر صورتحسابهای غیر قابل پیش بینی کارکرد نفر ماه تفاوت دارد. در این رابطه دیوان ملاحظه می‌نماید که با وجودی که مدارک موجود، حاوی مکاتبات فراوان هارزا اینترنشنال با سازمان از سال ۱۹۷۴، و مطالبه پرداخت صورتحسابهای معوقه می‌باشد، موضوع بهره برای اولین بار در نامه مورخ ۲۶ آوریل ۱۹۷۹ (۶ اردیبهشت ۱۳۸۸) مطرح شده است. بدین ترتیب قبل از انقلاب و رفتن کارمندان خارجی هارزا اینترنشنال از ایران، نحوه عمل هارزا حاکی از آن بود که ماده ۷ متمم ۱۹۷۱ از به صورت ماده‌ای که پرداخت بهره در مورد دیرکرد پرداخت صورتحسابهای موضوع ماده ۵ را الزام آورکند تفسیر نمی‌کرده است. برای این اساس، دیوان، ادعای هارزا اینترنشنال را بابت بهره قبل از ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیر ۱۳۵۹)، مردود می‌شناسد.

### ز- خلاصه

۷۸- دیوان دآوری، ادعاهای موضوع قرارداد را اجمالاً "به مبالغ مشروح ذیل معتبر یافته است :

۱- صورتحسابهای کارکردنفر ماه که پرداخت نشده :

الف - سدکارون	۳,۷۵۱,۱۷۶	دلار آمریکا
ب - طرح آبیاری گوتوند (مرحله سه، ج)	۳,۸۶۰,۶۲۸	" "
ج - طرح آبیاری گوتوند (سایر مراحل)	۲۹۸,۹۵۴	" "
د - سد مارون	۳۱,۳۴۰	" "
ه - طرح آبیاری بهبهان	۲۱۹,۳۳۷	" "
<u>۲- هزینه های اضافی</u>		

الف - برنامه آموزش پرسنل سازمان آب و برق	۲۲,۷۹۰/۵۱	دلار آمریکا
ب - آزمایشهای نمونه سدکارون و مارون	۱۷,۶۹۲	" "
ج - خدمات بازرسی توربین سدکارون	- ۰ -	" "
د - خدمات کوپرزاندلیبرانند	۲۴,۴۸۶/۳۷	" "
ه - حق بیمه اجتماعی و ۱۰ درصد مالیات اضافی بر حقوق کارمندان خارجی	۳۵۴,۸۲۷	" "
و - مالیات اضافی بر پرداختهای یکجا	۱۹۲,۲۳۸	" "
ز - برآورد مالیاتهای ایران بر وصولیهای ۲۱ مارس ۱۹۷۹ تا ۲۰ مارس ۱۹۸۰ (۱ فروردین ۱۳۵۸ - ۲۹ اسفند ۱۳۵۸)	- ۰ -	" "
۳- ۱۲ درصد بهره تأخیر تأدیه تا پایان ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیر ۱۳۵۹)	- ۰ -	" "

جمع	۸,۷۷۳,۵۰۸/۸۸	" "
۴- کسری بابت اضافه حقوقهای تصویب نشده	۱۲۶,۶۹۷/۸۵	" "
جمع	۸,۶۴۶,۸۱۱/۰۳	" "

۷۹- به موجب تصمیم دیوان در بخش ۳ فوق مبنی بر اینکه حق خواهانها محدود به وصول ۹۷/۳۴ درصد مطالبات معتبرها رزای اینترنشنال می باشد، دیوان مقرر



می‌دارد که خواهانها حق دارند مبلغ ۸،۴۱۶،۸۰۵/۸۶ دلار آمریکا با بستن ادعاهای خود وصول نمایند.

### پنج - ادعاهای متقابل

۸۰- خوانندگان در دادخواست متقابل خود که ضمن دفاعیه مورخ ۱۷ مه ۱۹۸۲ (۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۱) تسلیم نمودند، دوازده ادعای متقابل جداگانه در مورد هردو پروژه‌های رود کارون و رودمارون اقامه و جمعا "مبلغ ۲۶۳۶۳،۱۷۸،۲۶۹ ریال یا ۲۹۴،۳۸۲،۶۰۸ دلار آمریکا مطالبه کرده‌اند. خوانندگان، در مورد پروژه "عمرانی رود کارون، سه ادعای متقابل درباره "سد کارون و پنج ادعای متقابل در رابطه با پروژه "آبیاری گتوند مطرح کرده‌اند. چهار ادعای دیگر آنها در ارتباط با پروژه رودمارون از جمله سد مارون و پروژه‌های آبیاری بهبهان، جایزان و خلف آباد است. در کلیه ادعاهای متقابل، ادعا شده که در کارهایی که هارزا اینترنشنال بر اساس قرارداد انجام داده نقائص وجود دارد.

### الف - صلاحیت

۸۱- ادعاهای متقابل بدوا "علیه هارزا اینترنشنال ثبت گردیده است. سازمان آب و برق، طی سندی که در ۲۱ اکتبر ۱۹۸۲ (۲۹ مهر ماه ۱۳۶۱) به ثبت رساند، با استناد به ماده ۲۰ قواعد دیوان<sup>(۴)</sup>، دادخواست متقابلش را اصلاح و هارزا اینترنشنال را به جای خواهانها، به عنوان خواننده متقابل نام برد. سازمان آب و برق استدلال می‌کند که ادعاها و ادعاهای متقابل، هردو از یک منشای واحد یعنی از قرارداد به وجود آمده‌اند، و بنا بر این، به هر دو ادعا باید یک دادگاه واحد رسیدگی کند، و اینکه خواهانها در کلیه موارد از هارزا اینترنشنال به عنوان طرف دعوی نام برده و انصاف حکم می‌کند که صلاحیت نسبت به ادعاهای متقابل که از دعوی اصلی غیرقابل تفکیک می‌باشند،

(۴) ماده ۲۰ مقرر می‌دارد:

"در طول جریان داورى هر يك از طرفها مى‌تواند دادخواست يا دفاعيه خود را اصلاح يا تکميل نمايد مگر آنکه ديوان داورى اينگونه اصلاحات را به علت تاخير در انجام آن و يا تبعيض نسبت به طرف ديگر يا به علت هرگونه شرايط و احوال ديگر مصلحت نداند. با اينحال، دادخواست‌ها را نمى‌توان به نحوى اصلاح کرد که دادخواست اصلاح شده از حيطه شمول قيد داورى و يا موافقت نامه جداگانه داورى خارج شود.

پذیرفته شود.

۸۲- خواهانها در سندی که در ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۲ (۲۲ تیرماه ۱۳۶۱) به ثبت رساندند، از دیوان تقاضا کردند که ادعاهای متقابل به دلیل فقد صلاحیت مردود شناخته شوند، زیراها رزا اینترنشنال، نه طرف دعوی و نه به عنوان یک شرکت لیبرائی، تبعه ایالات متحده است. خواهانها، مضافاً " استدلال می کنند که آنان طرف قرارداد مبنای ادعاهای متقابل نبوده و نمی توانند بابت نقض ادعای شرکت قرارداد از ناحیهها رزا اینترنشنال مسئول شناخته شوند، همچنین، به عنوان امین بها مداران آمریکائی اظهار می دارند که نمی توانند به خاطر اقدامات شرکت مسئول قلمداد گردند، زیرا این امر مغایر با اصول پذیرفته شده در حقوق شرکتهای مبنی بر اینکه بها مداران شخصاً " مسئول هیچ یک از تعهدات شرکت نیستند، می باشد. خواهانها در ارتباط با موضوع اخیر الذکر استدلال می کنند که گرچه بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعوی، به بها مداران آمریکائی اجازه می دهد به نمایندگی از جانب شرکت خارجی طرح دعوی نمایند، با این حال در بیانیه قید نشده است که وجه تمایز بین شخصیت حقوقی شرکت وسها مداران آن نادیده گرفته شود.

۸۳- بنا بر این اختلاف حاضر حداقل سه سؤال مقدماتی را مطرح می سازد:

(۱). آیا دیوان به موجب بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعوی، صلاحیت رسیدگی نسبت به ادعاهای متقابل مطروح علیهها رزا اینترنشنال، یک شرکت بها می لیبرائی، بعنوان ادعاهای متقابلی که با ادعاهای اصلی، از قرارداد واحدی ناشی می شوند دارد یا خیر؟

(۲). آیا دیوان به موجب اصلاحیه مورخ ۲۱ اکتبر ۱۹۸۲ (۲۹ مهرماه ۱۳۶۱) برای رسیدگی به ادعاهای متقابل مطروح علیه خواهانها صلاحیت دارد یا خیر؟

(۳). بهر حال دیوان باید حکمی بابت مبلغ خالص ادعاهای متقابل صادر کند یا آنکه آنها را با ادعاهای اصلی پایا پای نماید.

پذیرفته شود.

۸۲- خواهانها در سندی که در ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۲ (۲۲ تیرماه ۱۳۶۱) به ثبت رساندند، از دیوان تقاضا کردند که ادعاهای متقابل به دلیل فقد صلاحیت مردود شناخته شوند، زیراها رزا اینترنشنال، نه طرف دعوی و نه به عنوان یک شرکت لیبیائی، تبعه ایالات متحده است. خواهانها، مضافاً " استدلال می کنند که آنان طرف قرارداد مبنای ادعاهای متقابل نبوده و نمی توانند بابت نقض ادعائی قرارداد از ناحیهها رزا اینترنشنال مسئول شناخته شوند، و همچنین، به عنوان امین سهامداران آمریکائی اظهار می دارند که نمی توانند به خاطر اقدامات شرکت مسئول قلمداد گردند، زیرا این امر مغایر با اصول پذیرفته شده در حقوق شرکتهای مبنی بر اینکه سهامداران شخصاً " مسئول هیچ یک از تعهدات شرکت نیستند، می باشد. خواهانها در ارتباط با موضوع اخیرالذکر استدلال می کنند که گرچه بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، به سهامداران آمریکائی اجازه می دهد به نمایندگی از جانب شرکت خارجی طرح دعوی نمایند، با این حال در بیانیه قید نشده است که وجه تمایز بین شخصیت حقوقی شرکت و سهامداران آن نادیده گرفته شود.

۸۳- بنا بر این اختلاف حاضر حداقل سه سؤال مقدماتی را مطرح می سازد:

(۱). آیا دیوان به موجب بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، صلاحیت رسیدگی نسبت به ادعاهای متقابل مطروح علیهها رزا اینترنشنال، یک شرکت سهامی لیبیائی، بعنوان ادعاهای متقابل که با ادعاهای اصلی، از قرارداد واحدی ناشی می شوند دارد یا خیر؟

(۲). آیا دیوان به موجب اصلاحیه مورخ ۲۱ اکتبر ۱۹۸۲ (۲۹ مهرماه ۱۳۶۱) برای رسیدگی به ادعاهای متقابل مطروح علیه خواهانها صلاحیت دارد یا خیر؟

(۳). بهر حال دیوان باید حکمی بابت مبلغ خالص ادعاهای متقابل صادر کند یا آنکه آنها را با ادعاهای اصلی پایا پای نماید.

۸۴- در مورد سؤال اول، دیوان خود را واجد صلاحیت رسیدگی به ادعاهای متقابلی که علیه هارزا اینترنشنال اقامه شده، نمی داند، زیرا ادعاهای متقابل باید علیه خواهانها اقامه شوند، نه اشخاص ثالث. آر.ا.ن. پومروی و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۴۰-۵۰ صفحه ۱۳ (۸ ژوئن ۱۹۸۳ / ۱۸ خرداد ۱۳۶۲). هارزا اینترنشنال در این پرونده خواهان نیست.

۸۵- در مورد سؤال دوم، بند ۱ ماده ۲ دو بیانیه حل و فصل دعای، صلاحیت رسیدگی به "هرگونه ادعای متقابل ناشی از قرارداد فیما بین، ... که مبنای ادعای آن تبعه باشد،" را به دیوان اعطاء نموده است و همانطور که اشاره شد کلیه ادعاهای متقابل مطروح در پرونده حاضر، مرتبط به قرارداد بوده و بنا بر این در محدوده صلاحیت موضوعی دیوان قرار دارند. اگر ادعاها، به جای ادعای غیر مستقیم سهامداران، به عنوان ادعاهای مستقیم هارزا اینترنشنال اقامه شده بود، دیوان بلاشک صلاحیت رسیدگی به ادعاهای متقابل را می داشت. بنا بر این موضوعی که برای دیوان مطرح است این است که آیا خواهانی که ادعای خود را بطور غیر مستقیم دارد، از لحاظ صلاحیت، در مقابل ادعاهای متقابلی که در غیر این صورت علیه صاحب مستقیم ادعا طرح می شد مصون است یا خیر. به عقیده دیوان، چنین نیست.

۸۶- در عین حال که به گفته خواهانها صحیح است که ادعای علیه یک شرکت را معمولاً نمی توان علیه سهامداران آن شرکت اقامه کرد، لیکن این نکته نیز صحت دارد که سهامدارانی مانند خواهانها نیز معمولاً نمی توانند ادعاهای متعلق به شرکت را اقامه کنند. تا حدودی که مقررات بیانیه حل و فصل دعای، خلاف این حکم کرده و به سهامداران اجازه می دهد که ادعاهای شرکت را مطرح کنند، انصاف حکم می کند که اینگونه ادعاها در معرض مدافعات و ادعاهای متقابلی قرار گیرد که ممکن بود علیه شرکت اقامه نمود. بنا بر این دیوان معتقد است که نسبت به ادعاهای متقابلی که سازمان آب و برق علیه خواهانها اقامه کرده و ناشی از قرارداد می باشد صلاحیت دارد. لیکن

با توجه به نظرات مندرج در ذیل که ادعای متقابل را از نظر ماهوی مردودی شناسد، نیازی نیست که دیوان در مورد سؤال سوم یعنی صدور یا عدم صدور حکم بابت مبلغ خالص ادعای متقابل تصمیم بگیرد.

ب - ملاحظات کلی درباره موضوع مسئولیت

۸۷ - قبل از پرداختن به یکایک ادعای متقابل، دیوان ملاحظه می‌کند که قرارداد در مورد ضوابط اجرای کارها رزای اینترنشنال در ماده ۱۲ مقرر می‌دارد که:

مهندس موظف است تعهدات خود ناشی از این قرارداد را با استفاده از بهترین اطلاعات فنی خود و طبق بهترین استانداردهای حرفه‌ای متداول انجام داده و کلیه مهارت خود و همچنین کمال دقت و مراقبت را در انجام وظایفی که به عهده گرفته است معمول دارد.

مضافاً " آنکه هیچیک از اسناد قراردادی متبادله بین رزای اینترنشنال و سازمان آب و برق، حاوی ضمانت در برابر نقایص ساختمانی نمی‌باشد، بنابراین فقط در صورتی می‌توان رزای اینترنشنال را مسئول قصور در اجرای تعهدات قراردادی دانست که رزای به روشنی در رعایت ضوابط ماده ۱۲ فوق‌الذکر قصور کرده باشد و صرفاً " وجود نقص یا مشکلی در هر یک از پروژه‌هایی که در آن رزای به عنوان مهندس مشاور عمل کرده‌اند، منتهی به این نتیجه‌گیری نمی‌شود که رزای اینترنشنال آن نقص یا مشکل است. در واقع ضمانت در برابر این قبیل نقایص معمولاً در قراردادهای منعقد شده با پیمانکاران ساختمانی قید می‌شود، و نه در قراردادهای منعقد شده با مهندسان مشاور.

ج - طرح عمرانی رود کارون

۱- سد کارون

۸۸ - سه ادعای متقابلی که در رابطه با سد کارون مطرح شده عبارتند از (۱) خسارات ادعایی ناشی از کشف یک لایه رسی در جناح راست سد در ضمن ساختمان و کارهای

ترمیمی آن (۲) خسارت ناشی از ایجاد حفره یا خوردگی در سرریز سد، و  
(۳) مسائل مربوط به شیرآب تونل شماره ۱ که در جناح چپ سد ساخته  
شده است.

#### الف - آليه رسی در جناح راست سد

۸۹ - در سال ۱۹۷۲ و پس از آغاز ساختمان سد کارون، یک پدیده غیرعادی یا به  
اصطلاح آقای ژان کریزل کارشناس منصوب دیوان " عارضه زمین شناسی "  
در جناح راست سد کشف گردید. این پدیده غیرعادی، منطقه‌ای حدوداً " به  
طول ۱۳۰ متر و عرض حداکثر ۲۰ متر از خاک رس مخلوط با آب و هوا بود.  
تحقیقات وسیعی که در ۱۹۷۴ به عمل آمد نشان داد که این پدیده غیرعادی،  
یک حفره بزرگ ( به پهنای ۶ متر) مملو از رس را در برمی گرفت. این  
منطقه به کارهای ترمیمی نیاز داشت تا از نفوذ آب مخزن آبنده سد،  
که نهایتاً " ممکن بود منجر به خطر بی ثباتی سد شود جلوگیری نماید. از  
جمله تدابیری که برای ترمیم این عارضه انتخاب و انجام شد یکی  
ساختمان یک دیوار بتنی به ضخامت ۲ تا ۳ متر و به ارتفاع ۱۴۶ متر و  
عرض ۲۸ متر و دیگری توسعه محافظ دوغاب سیمان و سیستم زهکشی آن بود.  
در اینکه کارهای ترمیمی مذکور ضروری بود و به هزینه ساختمان سد  
افزود و تکمیل آن را به تعویق انداخت بحثی نیست. لیکن بحث در این  
است که اگر عارضه مذکور بجای آنکه ضمن ساختمان کشف شود، در تحقیقات  
اولیه کشف شده بود آیا هزینه وقت کمتری صرف می شد، همچنانکه این  
سؤال اساسی در اینجا مطرح است که آیا هارزا، آن تحقیقات مقدماتی را  
" با استفاده از بهترین اطلاعات فنی خود و طبق بهترین استانداردهای  
حرفه‌ای متداول " مقرر در قرارداد انجام داده است یا خیر.

۹۰ - سازمان آب و برق به عنوان خسارت، هزینه‌ای را که برای کارهای  
ترمیمی متحمل شده و خسارت تاخیر در تکمیل سد را مطالبه می‌کند و  
ادعا می‌کند که هارزا اینترنشنال عمداً " وجود حفره محلول را مخفی نگاه  
داشته. برنامه تحقیقات قبل از ساختمان وی نارسا بوده است.

۹۱ - دیوان، چهار سؤال زیر را که در ادعاهای متقابل مطرح گردیده به آقای کریسل ارجاع نمود:

- ۱) آیا اطلاعاتی که پیش از آغاز ساختمان سدکارون در اختیارها رزای اینترنشنال بود حاکی از وجود لایحه های عظیم خاک رس در تکیه گاه راست سد بود؟
- ۲) آیا برنامه تحقیقاتها رزای اینترنشنال در مورد پی سدکارون (از جمله ولی بدون قید محدودیت، حفاری و نمونه برداری از خاک، تجزیه خاک، بررسی های زمین شناسی، کمک به وزارت (آب و برق) در رابطه با بازرسی ها و آزمایشها و نظارت برچنین بررسی ها و آزمایشها) استفاده از بهترین اطلاعات فنی و طبق بهترین استانداردهای حرفه ای متداول، در هنگام انجام این تحقیقات اجرا شده است؟
- ۳) آیا یافته های زمین شناسی در طول ساختمان سد کارون لزوم انجام عملیاتی را بمنظور حصول اطمینان از استحکام و ایمنی سد به ویژه تکیه گاه ضلع راست آن آشکار ساخت؟ و اگرچنین است تا چه میزان؟
- ۴) آیاها رزای اینترنشنال مسئول تاخیرهای غیرموجهی بوده است که در طراحی و اجرای کارهای لازم بدلیل ترکیب خاک پیش آمد؟

۹۲ - آقای کریزل مدرکی نیافت کهها رزای اینترنشنال وجود عارضه رامخفی کرده باشد. وی همچنین کلیه کارهای ترمیمی را کهها رزای اینترنشنال توصیه و سازمان آب و برق اجراء کرده، طبق روشهای معمول صنعت ساختمان و ضوابط حاکم در آن زمان ضروری دانست. طرفین نسبت به این نتیجه بحثی ندارند.

۹۳ - نتیجه گیری های کارشناس راجع به دو سؤال باقیمانده موجب بحث های بیشتری شده است. آقای کریزل در مورد کفایت برنامه تحقیقات مقدماتی فونداسیون که در گزارش مهندسی سال ۱۹۶۹م دیده نظر داد که برنامه مطالعات قدم به قدم کهها رزای تنظیم نموده و آزمایشات و روشهای مختلفی که بکاررفته " صحیح و مطابق باکاملترین استانداردهای متداول سال ۱۹۶۹ بوده است."

۹۴ - با این حال آقای کریزل اظهار نظر کرد که برنامه تحقیقاتی آنطور که میبایست جامع نبوده است. ضمن این استنتاج که تعداد گالریهای

ی حفاری اکتشافی ( adits ) حفر شده بوسیله هارزا ، مطابق با استانداردها زمان بوده ، معهدا ، وی اظهار داشت که گالری های اکتشافی در تکیه گاه راست سد باید عمیق تر حفر می شود. ایشان در جلسه استماع با توجه به مدارک خواهانها نظر خود را اصلاح کرد و در مورد عمق حفره ها بحثی نداشت بلکه بحث او در مورد تعداد چشمه هایی بود که در گالریها حفر شده بود و اظهار عقیده کرد که میبایست تعداد بیشتری چشمه در گالریها حفاری می شد.

۹۵ - خواهان در پاسخ استدلال می کند که عمق و موقعیت گالریها (adits) و چشمه های حفاری ( boreholes ) در تکیه گاه راست سد با توجه به مورد استفاده آنها در چهارچوب برنامه مطالعات زمین شناسی تعیین گردید و آن عمق و موقعیت برای آن منظور کاملاً تکافو می کرد و مطالعات و حفاری های قبل از شروع ساختمان ، کاملاً مطابق با عرف عمومی بود و کاملاً به اهداف خود نایل شد و حتی اگر یک برنامه مطالعاتی مقدماتی وسیع تری هم اجرا می شد، بعید بود که عارضه زمین شناسی ، مگر صرفاً برسبیل اتفاق ، کشف شود. در جلسه استماع خواهان برای اثبات موضع خود شهادت شفاهی ارائه کرد.

۹۶ - قبل از نتیجه گیری درباره این موضوع، دیوان باید اولاً تعیین کند که آیا قرارداد به سازمان اجازه می دهد برای اولین بار در جریان رسیدگی ادعای نواقص ادعائی کار را که در ۷۴ - ۱۹۷۲ مشاهده کرده مطرح سازد یا خیر. دیوان در این رابطه ملاحظه می کند که بند ۱ ماده ۱۳ قرارداد قید می کند که:

" چنانچه وزارت ملاحظه نماید که مهندس اطلاعات فنی کافی ندارد ودقت معقول و متناسبی را که از یک مهندس درجه یک انتظار می رود معمول نداشته یا از لوازمی که وزارت در اختیار او گذاشته مواظبت لازم ننموده یا چنانچه کار بعلت کوتاهی یا قصور مهندس تاء خیر افتاده باشد یا چنانچه بطور کلی مهندس مفاد این قرارداد را محترم نشمارد و چنانچه نامبرده رعایت ماده ۹ مقررات تعیین وضع و صلاحیت مشاورین مورخ ۴۲/۱/۲۴ مصوبه شورای عالی سازمان برنامه ریزی نماید وزارت برای رفع نقص کار بـــه



مهندس اخطار خواهد کرد و مهندس باید در زمان مشخصی که به هیچ وجه از سه (۳) ماه تجاوز نخواهد کرد معایب را مرتفع نماید. چنانچه در پایان مدت مشخص شده مهندس به وظیفه خود عمل نکرده باشد وزارت حق خواهد داشت که این قرارداد را با یک اخطار کتبی قبلی پانزده روزه (۱۵) و بدون انجام تشریفات دیگری فسخ نماید.

۹۷ - بدینسان ، بند ۱ ماده ۱۳ قرارداد، سازمان آب و برق را ملزم می‌کند هرگونه نقص در کار را به هارزا اینترنشنال اطلاع و به او فرصت دهد که نواقص را مرتفع نماید. در صورتی که هارزا نواقص کار خود را رفع نمی‌کرد سازمان حق داشت قرارداد را فسخ نماید. شرط دیگر قرارداد ، مسئولیت هارزا را بابت کار ناقص محدود می‌کرد و به سازمان اجازه می‌داد در صورت فسخ با دلیل ، خسارات خود را بابت کار ناقص تا حداکثر ۵ درصد از ارزش خدمات انجام شده تا تاریخ فسخ از آخرین پرداخت به وی کسر نماید. عارضه زمین شناسی در ۷۴ - ۱۹۷۲ کشف گردید. و سازمان در آن موقع هیچ سئوالی در مورد نواقص کار هارزا مطرح نکرد و وقتاً ساختمان دیوار بتونی و توسعه دوغاب محافظ را در ۱۹۷۴ صریحاً "تصویب کرد و همچنین موقعی که صورت جلسه را در ۱۹۷۸ امضاء نمود و مقرر شد بابت کارهای قبل از ۱۹۷۶ و از جمله کارهای ترمیمی در تکیه گاه راست سد پرداخت بعمل آید، اخطاری به وی نداد.

۹۸ - لیکن سازمان آب و برق استدلال می‌کند که قبل از آگاه شدن از نواقص کار، در موقعیتی نبود که اخطار تقصیر یا نقص در کار بدهد و همچنین اظهار می‌دارد که ماهیت کاری که هارزا اینترنشنال انجام می‌داد، مانع از آن بود که قبل از پایان کار و آزمایش آن بتواند کارها را ارزیابی کند. دیوان هیچیک از این استدلال را در مورد عارضه تکیه گاه راست معتبر نمی‌داند، زیرا سازمان آب و برق مدتها قبل از اقامه ادعای متقابل در این دیوان ، از مسئله آگاهی داشت ولی طبق مدارک موجود، ادعای متقابل ، اولین اخطاری است که سازمان در مورد نقص مطالعات زمین شناسی ، به هارزا اینترنشنال داده است .

۹۹ - عدم شکایت سازمان آب و برق از کیفیت کارهای هارزا اینترنشنال دیزمان پیدایش مشکل ، اعتبار شکایت وی را در این رسیدگی سست می‌کند. مضافاً آنکه ظاهراً " ماده ۱۳ قرارداد حداقل اگر هم کاملاً" مانع طرح ادعای متقابل علیه هارزان شود، مسئولیت احتمالی وی را محدود می‌کند. بهر حال دیوان بر اساس مدارکی که در مورد ماهیت اختلاف در اختیار دارد، نمی‌تواند نتیجه‌گیری که برنامه تحقیقات مقدماتی هارزا اینترنشنال، طبق ضوابط اجرائی قرارداد، طرح ریزی و اجراء نشده است. مـوارد اختلاف بین خواهانها و آقای کریزل مربوط است به قضاوت شخصی در امور مهندسی که در مورد آنها، طبق مدارک موجود، ضوابط مشخص و روشن فنی و حرفه‌ای وجود ندارد و می‌توان انتظار داشت که نظر کارشناسان در مورد آنها متفاوت باشد کما اینکه بود. بنابراین نظر دیوان این است که هارزا اینترنشنال در اجرای برنامه مطالعات قبل از ساختمان ، ضوابط اجرائی قراردادی خود را ایفا کرده است.

۱۰۰ - با توجه به این نظر دیوان درباره حدود مسئولیت، دیوان لزومی نمی‌بیند که درباره موضوع تاء خیرات ساختمانی ناشی از عارضه زمین شناسی ، که منحصرأ به خسارات ارتباط دارد، بحث کند.

#### ب- خسارات ناشی از خوردگی سرریز سد

۱۰۱ - دومین ادعای متقابل سازمان آب و برق در ارتباط با سد کارون، راجع به سرریز آن است. سرریز سد، سرازیری دریچه داری است که برای تخلیه آب از مخزن آب سد ساخته شده و مرکب از سه سرازیری مـوازی یکدیگر است که روی ترانشه‌ای ( trench ) واقع در جناح چپ سد قرارداد دارد. و آب را به داخل سه حوضچه ( flip bucket ) ریخته و جریان آب را به پائین دست رودخانه هدایت می‌کند.

۱۰۲- هارزا اینترنشنال، طرح سرریز سدکارون را در ۱۹۶۸ تکمیل کرد و بیسن سالهای ۱۹۶۸ و ۱۹۷۲ نقشه‌های ساختمانی آن را منتشر نمود. در دسامبر ۱۹۷۷ که برای اولین بار از سرریز سد استفاده بعمل آمد، خسارات زیادی ناشی از خوردگی به سطوح سرازیری وارد شد. مدارک حاکی از آن است که مشخصات مربوط به صیقل سطح در ساختمان سرریز رعایت نشده بود. در آن زمان هارزا توصیه کرد که علاوه بر تعمیر و کارهای اصلاحی بمنظور پوشش مجدد سطح در محدوده مشخصات طرح، حزم و احتیاط حکم می‌کند که وسایل هوادهی نیز نصب شود. گرچه سازمان برای انجام این توصیه اقدام کرد لیکن وجود اختلافی در قرارداد با پیمانکار ساختمانی، این کوشش را عقیم نمود و کار تعمیرات، محدود به کوشش در رعایت مشخصات صیقل سطح در طرح اصلی شد. طبق گزارش سازمان، بعد از آن تعمیرات مجدداً در سال ۱۹۸۰ حفره یا خوردگی ایجاد شد و طبق قرارداد، هارزا مسئول طرح ناقص آن می‌باشد. هارزا منکر مسئولیت خود بوده و اظهار می‌دارد که طرح وی با بهترین استانداردهای پذیرفته زمان مطابقت داشته است.

۱۰۳- دیوان این مساءله فنی را که در ادعای متقابل مطرح گردیده به کارشناس منصوب خود آقای پینتو ارجاع و سه سؤال به شرح زیر مطرح کرد:

- ۱) آیا حفره‌هایی که در سرریز سد کارون پدید آمده ناشی از طرح سرریز یا معلول نواقص کار ساختمانی بوده است؟
- ۲) آیا هارزا اینترنشنال در تهیه طرح سرریز سد کارون و ارائه خدمات مهندسی در طول مدت ساختمان از بهترین اطلاعات فنی استفاده کرده و کاروی مطابق با بهترین استانداردهای حرفه‌ای متداول در زمان اجرای طرح و نظارت بوده و در غیر این صورت آیا این گونه نواقص طرح یا نظارت، سهمی در ضایعات وارده به سرریز در اواخر ۱۹۷۷ داشته‌اند، یا خیر؟
- ۳) آیا هارزا اینترنشنال مسئولیت خود را در مورد ترمیم ضایعات وارده به سرریز در اواخر ۱۹۷۷ با استفاده از بهترین اطلاعات فنی و مطابق با بهترین استانداردهای حرفه‌ای انجام داده است یا خیر؟

۱۰۴ - آقای پینتو کارشناس منصوب دیوان ، در پاسخ به سؤال مربوط به طرح سرریز، به طرحهای مشابه معاصر و نیز به مقالات فنی منتشره درباره این موضوع اشاره کرده نتیجه می‌گیرد که در زمان تکمیل طرح در سال ۱۹۶۸، از رویه معمول ساختمانی در آن نوع سدها استفاده شد. بنظر ایشان در آن زمان دلیلی وجود نداشت که تصور شود که ناصافی‌های کوچک در سطح منجر به ایجاد حفره‌هایی از نوع و به اندازه حفره‌های سدکارون شود. بلکه بالعکس، تجربیات حاصل از سرریز سد کارون، در تاریخ طراحی سرریزهای دریچه‌ای و درک آنها، تجارب ناگواری بود که در طرحهای بعدی از آن اجتناب شد. بدین ترتیب، آقای پینتو نتیجه‌گیری کرده است که هارزا اینترنشنال کار طراحی را با استفاده از کاملاً متربین اطلاعات خود و بهترین استانداردهای حرفه‌ای متداول در زمان تکمیل و اجرای طرح انجام داده است. دیوان در مدارک موجود مبنائی برای مخالفت با این نتیجه‌گیری نمی‌یابد.

۱۰۵ - مدارک همچنین حاکی از آن است که تا حدودی که حفره‌ها در نتیجه قمعور پیمانکار در رعایت مشخصات صیقل سطوح ایجاد شده، هارزا اینترنشنال مسئولیتهای خود را از نظر نظارت به خوبی ایفاء کرده است. طبق مندرجات پیوست ۱ قرارداد، وظایف هارزا در نظارت فاز سوم عبارت بود از :

"سوم) انجام آزمایشاتی جهت کنترل کیفیت کار پیمانکاران و سازندگان که برای اطمینان از اجرای صحیح قرارداد ضروری بوده. (چهارم) دادن دستور به پیمانکاران در صورت لزوم و بازرسی از کار آنها توسط تعداد کافی بازرسان در محل."

مدارک نشان می‌دهد که هارزا نقایص کار را کشف کرد و به پیمانکار دستور داد کار خود را اصلاح کند. هارزا در سال ۱۹۷۶ فهرستی از نقایص کار به پیمانکار داده و از وی خواست که سطوح بتونی‌ها را سال‌ها دست و تاج سرریز را تعمیر و بتون اندود نماید و سطوح بتونی فرودست و قسمت تحتانی دریچه سرریز (flip bucket) با زسی نماید و کلیه سطوح بتونی‌ها را سال‌ها دیوارها، آبشارها و حوضچه سرریز (flip bucket)

..... را تعمیر و بتون اندود نماید. " فهرست نقایص کار برای سازمان آب و برق نیز ارسال شد. بنابراین دیوان در مورد قصور پیمانکار نسبت به رعایت مشخصات صیقل سطوح، معتقد است که هارزا اینترنشنال با کشف نقایص و اطلاع به سازمان و اخطار به پیمانکار و دادن دستور تعمیرات لازم به وی، تعهدات قراردادی خود را از لحاظ نظارت ایفاء کرده است.

### ج - شیرتونل شماره ۱

۱۰۶- سومین ادعای متقابل سازمان آب و برق در رابطه با سدکارون این است که یکی از شیرهای انحراف در تونل شماره ۱ سدکارون معیوب است. تونل شماره ۱ یکی از دو تونل انحرافی است که در جناح چپ سدکارون و برای انحراف رود به دور محوطه ساختمانی در طی مدت ساختمان ساخته شده است. در قرارداد مقرر شده که در تونل شماره ۱، دو مجرای که باشیر یا دریچه های هالوحت ( hollow-jet ) کنترل می شود برای تنظیم جریان آب در مدت آبیگیری مخزن سد ساخته شود. سازمان آب و برق ادعا می کند که یکی از این شیرها از وقتی که پس از اتمام آبیگیری در ۱۹۷۷ بسته شده نشت داشته و هارزا اینترنشنال را مسئول آن می داند.

۱۰۷ - دیوان سؤال ذیل را به آقای پینتو ارجاع کرد:

" آیا هارزا اینترنشنال در طراحی شیرهای تونل شماره ۱ سدکارون و ارائه خدمات مهندسی هارزا در جریان کار ساختمان و نظارت بر کار ساختمان از کاملترین معلومات فنی و بهترین ضوابط حرفه ای متداول در زمان تکمیل طرح و اعمال نظارت، استفاده کرده و در غیر این صورت آیا نقایص مربوط به طراحی یا نظارت، در نشت آب یکی از شیرها سهمی داشته است یا خیر؟ "

طبق نتیجه گیری آقای پینتو " کلیه شواهد دال بر آن است که هارزا اینترنشنال مسئول طرح شیرها نمی باشد و کار نظارت به کفایت انجام شده و در نشت آب یکی از شیرهای تونل شماره ۱ سهمی نداشته است. "

۱۰۸ - دیوان با نتیجه گیری کارشناس موافق است . تا آنجا که ادعای متقابل سازمان آب و برق به نقص طرح از لحاظ انتخاب شیر ارتباط دارد، قرارداد روشن است و می گوید که پیمانکار مسئول است نه هارزا اینترنشنال (۵) . در واقع مکاتبات هارزا اینترنشنال با سازنده شیرها در مورد نشئت آب نشان می دهد که سازنده مسئولیت طرز کار شیر را پذیرفته است . آنجا که ادعای متقابل سازمان آب و برق با ادعای نارسائی نظارت ارتباط می یابد، مدارک موجود خلاف آنرا ثابت می کند . صورتجلسه آبیگری سد مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۷۶ ( ۲۰ آذر ماه ۱۳۵۵ ) گواه بر این است که هارزا اینترنشنال در آزمایش شیرها قبل از آبیگری شرکت داشته و اسناد بعدی گواه بر آن است که هارزا اینترنشنال به محض کشف نشئت شیرتدا بیری برای رفع عیب آن توصیه کرده بود . همانطور که قبلاً ذکر شد . مسئولیت های هارزا اینترنشنال از لحاظ نظارت فاز سوم از آن فراتر نمی رفت .

## ۲ - پروژه آبیاری گتوند

### الف - شرح پروژه

۱۰۹ - پروژه آبیاری گتوند، طرح عمرانی عظیم و جامعی است که یک منطقه قابل آبیاری به مساحت متجاوز از ۴۰،۰۰۰ هکتار زمین را در برگرفته و شامل پنج بخش عمده است : واحد گتوند، دیمچه علیای غربی ، دیمچه علیای شرقی ، دیمچه سفلی و واحد عقیلی . این طرح شامل یک سد انحرافی روی رود کارون ، بانضمام کانالها ، تاسیسات کنترل آب ، زهکشی و جاده های لازم می باشد .

۱۱۰ - سازمان آب و برق به هارزا اینترنشنال اجازه داد که در ژوئیه ۱۹۷۱ مرحله دوم ( اسناد قرارداد ) و مرحله سوم - ب ( نقشه های ساختمان ) پروژه را آغاز کند ، در حالی که مرحله سوم - ج ( مهندسی ساختمان ) در سپتامبر ۱۹۷۴ به هارزا واگذار شد . بین نوامبر ۱۹۷۳ و دسامبر ۱۹۷۴ هفت فقره قرارداد جهت ساختمان قسمتهای مختلف پروژه به پنج پیمانکار

(۵) در بخش ۵۸/۲ الف قرارداد مقرر شده است :  
"الف - پیمانکار باید تا سیسات موقتی جهت خروج آب از تونل شماره ۱، طرح و تعبیه نموده و به نحوی آن را بسازد که آب به میزان معینی در مسیر رودخانه سرازیر شود ."

ایرانی واگذار گردید. پروژه با وجود آنکه ناتمام بود در سال ۱۹۷۶ وارد مرحله بهره‌برداری و تا اوت همان سال، نواقصی در آن نمایان شد. بنا به اظهار هارزا اینترنشنال، قسمت اعظم بخشهای پروژه قبل از ترک ایران در اواخر سال ۱۹۷۸ ساخته شده و به طرز موفقیت‌آمیزی نیز م——ورد بهره‌برداری واقع شده بود، لیکن مقداری کار مانند تکمیل سدانحرافی، کانالهای تحتانی آبیاری دیمچه سفلی و عقیلی و دهکده کارگران هنوز باقی مانده بود.

## ب- ادعاهای متقابل

### ۱- برآوردهای هزینه و صورتحسابهای پیمانکار

۱۱۱- اولین ادعای متقابل سازمان آب و برق در رابطه با پروژه این است که " مطالعات ناکافی و برآوردهای غیرعادی " هارزا اینترنشنال و همچنین عدم رعایت " اصول علمی و عملی " در محاسباتش در عمل منجر به هزینهای گردیده که از برآورد اولیه وی به مراتب بالاتر بود. سازمان آب و برق به چندین دستور تغییر کار صادره توسط هارزا اینترنشنال به عنوان دلیل سهل انگاری وی در برآوردهای مقدماتی اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد اگر از ابتدا از هزینه‌های واقعی پروژه اطلاع می‌داشت، احتمالاً " از آن دست می‌کشید. سازمان در دومین ادعای متقابل در همین رابطه اظهار می‌کند که هارزا اینترنشنال در موارد متعدد صورت وضعیت‌های خلاف واقع پیمانکاران فرعی را تأیید و دستورات تغییر کار را که واقعیت نداشته و یا خارج از مجوز بوده، تصویب نموده و سبب شده که سازمان مبالغ اضافی بپردازد.

۱۱۲- خواهانها در پاسخ استدلال می‌کنند که هارزا اینترنشنال برآوردهای هزینه را با اعمال مهارت و دقت و مراقبت لازم، بر مبنای وضعیتی که در آن هنگام " منطقاً " قابل پیش‌بینی بود، تهیه نمود. راجع به مواردی که هزینه‌های واقعی از برآوردهای اولیه تجاوز کرده، خواهانها اظهار

می‌دارند که این امر نتیجه اوضاع و احوالی بوده که نه منطقا "قابل پیش‌بینی و نه درحیطه کنترل آنها بوده است. از جمله شرایط خاک و تعمیر خسارات ناشی از باران غیرعادی و سیل که پیش‌بینی نشده بود. علاوه بر آن خواهانها اظهار می‌دارند که هزینه‌های اضافی در بسیاری موارد نتیجه تصمیمات و اعمال خود سازمان آب و برق بوده است.

۱۱۳- در رابطه با این ادعا که هارزا اینترنشنال من غیرحق صورت وضعیت‌های پیمانکاران را تصویب کرده، خواهانها استدلال می‌کنند که هارزادر بررسی و تأیید آن صورت وضعیت‌ها مهارت و دقت و مراقبت لازم را معمول داشته است. خواهانها، همچنین اظهار می‌دارند که طبق قراردادها منعقد با پیمانکاران، صورت وضعیت‌ها و پرداختهای ماهانه، موقتی تلقی می‌شد، در نتیجه، هرگونه اشتباهی، در صورت وضعیت‌های بعدی یا صورت حساب‌نهایی، قابل تصحیح بود. بالاخره خواهانها استدلال می‌کنند که سازمان مدرکی دال بر اینکه به پیمانکاران اضافه پرداخت شده‌اثرائه نکرده است.

۱۱۴- در مورد دستورهای تغییرکار، خواهانها اظهار می‌دارند که سازمان آب و برق بمنظور تسریع در کار پروژه روشی ابداع کرده بود که به موجب آن به پیمانکاران اجازه می‌داد کارهای لازم را طبق دستور تغییر "موقت" (یعنی دستوری که هنوز به تصویب نرسیده) انجام داده و صورت حسابهای مربوطه را تسلیم نمایند. طبق اظهار خواهانها تفاهم این بود که در صورتی که به موجب دستور تغییری که سازمان بعداً "اصلاح کند یا تصویب نکند به پیمانکار وجهی پرداخت شده باشد، تعدیل لازم در صورت حسابهای بعدی پیمانکار صورت گیرد. بنابراین خواهانها استدلال می‌کنند که عمل هارزا اینترنشنال در تصویب صورت حسابهای پیمانکاران بابت کار انجام شده طبق دستورهای "موقت" صحیح بوده است و همچنین استدلال می‌کنند که در هر حال سازمان ده درصد از کلیه مبالغ پرداختی به پیمانکاران، کسر می‌کرده و این کسور مانع از اضافه پرداخت به پیمانکار بوده و منافع سازمان را حفظ می‌کرده است.



۱۱۵ - دیوان موضوعات مطروح در دو ادعای متقابل را برای اظهار نظر به آقای توونو کارشناس منصوب خود ارجاع کرد و سئوالی که به آقای توونو ارجاع گردید، به عبارت زیر بیان شد:

" آیا هارزا اینترنشنال وظایف خود را در رابطه با برآورد هزینه طرح آبیاری گتوند و آرسنال صورت حسابهای خلاف واقع توسط هارزا اینترنشنال به سازمان آب و برق جهت پرداخت، با استفاده از بهترین اطلاعات فنی و طبق بهترین استانداردهای حرفه‌ای متداول انجام داده است؟"

آقای توونو چنین نتیجه گرفت که ما به التفاوت بین برآورد اولیه هزینه و هزینه‌های برآوردی نهائی پروژه ۳،۷۸۴،۱۲۸،۰۲۹ ریال بوده و اکثر دستوره‌های تغییر کار که موجب افزایش هزینه‌ها شد به تصویب سازمان آب و برق رسیده بوده است. در مورد اضافه پرداختهای ادعائی ناشی از صورت حسابهای نامنظم پیمانکاران، کارشناس با خواهانها موافق است که اشتباهات مورد استناد سازمان با وجوهی که سازمان از پرداختهای خود به پیمانکاران کسر می‌کرده، جبران می‌شده است. سازمان مدرکی خلاف آن نظر ارائه نداده است. بنا بر این دیوان نظر کارشناس را در مورد صورت حسابهای نامنظم ادعائی می‌پذیرد و بر آن اساس نظر می‌دهد که ادعای متقابل مربوط به صورت حسابهای نامنظم باید رد شود زیرا سازمان اثبات نکرده که از نتیجه خطای ادعائی هارزا اینترنشنال متحمل خساراتی شده است مضافاً آنکه وجود خود خطا اثبات نگردیده است.

۱۱۶- در مورد ادعای متقابل مربوط به برآوردهای هزینه و دستوره‌های تغییر، دیوان باید ابتدا وظایفی را که مهندس و سازمان آب و برق به موجب قرارداد داشته‌اند مشخص نماید. خدماتی که شرح آن در پیوست شماره ۲ نامه مورخ اول آوریل ۱۹۷۴ ( ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۳ ) سازمان آب و برق، آمده و طی همین نامه فاز سوم - ج برای اجرا به هارزا ارجاع شده، شامل موارد ذیل است:

" ۹- بررسی و اجرای خدمات مهندسی مربوط به هرگونه تغییر در مقادیر مشخصات کارها و پیشنهادهای هرگونه تغییر به مقام مسئول با ذکر دلایل موجه.

۱۰- کمک در تهیه صورتهائی که جهت پرداخت ارائه می شود و رسیدگی و تأیید این صورتهای مبنی بر اینکه کار انجام گرفته و مبالغ قابل پرداخت به پیمانکاران، طبق قرارداد ساختمان می باشد، و نگهداری حسابهای مربوط. "

ماده ۲۹ شرایط عمومی پیوست قراردادهای ساختمان، در ارتباط با دستورهای تغییر کار مقرر می دارد:

"افزایش یا کاهش مقدار کار مربوط به هر یک از وظایف مندرج در قرارداد تا میزان ۱۰ درصد طبق دستور تغییر کارها در هر دو طرف توسط هیئت نظارت و مازاد بر آن فقط با اجازه کارفرما معتبر خواهد بود."

بدینسان، گرچه تهیه دستورهای تغییر کار جزو مسئولیت مهندس مشاور، یعنی هماهنگی اینترنشنال بوده، مع هذا، تصویب آن توسط سازمان آب و برق ضروری بوده است. روشن است که بابت آن دسته از دستورهای تغییر کار که به تصویب سازمان آب و برق رسیده بود، سازمان مذکور مسئول بوده و اینک نمی تواند ادعا کند که از غفلت هماهنگی اینترنشنال ناشی شده است. تصویب سازمان آب و برق این واقعیت را نشان می دهد که تغییرات به دلایل مختلف از جمله برای تسریع در برنامه پروژه سازمان آب و برق، ترمیم خسارات ناشی از سیل و شرایط پیش بینی نشده خاک، ضروری بوده است. در مورد آن دسته از دستورهای تغییر کار که به تصویب نرسیده یا فقط جزئاً تصویب شده بود این سؤال باقی است که آیا هماهنگی اینترنشنال با تصویب صورتهای قراردادی به موجب این دستورها مسئولیتی برای خود ایجاد کرده است یا خیر.

۱۱۲ - دیوان از نحوه عمل طرفین نتیجه می گیرد که سازمان به پیمانکاران اجازه داده بود بر اساس دستورهای تغییر موقت، کار انجام دهند. تصمیم متخذه توسط سازمان آب و برق در ژوئیه ۱۹۷۴ مبنی بر تسریع برنامه ساختمان موجب شد که جریان طولانی تصویب دستورهای تغییر، منشاء تاءخیر در کار شود. جلسات متعددی که جهت بحث راجع به این تغییرات تشکیل گردید، حاکی است که طرفین در واقع به طور ضمنی شرایط قرارداد را تغییر دادند تا انجام کار و ارسال صورتهای طبق دستورهای "موقت"

تغییر، امکان پذیر شود و البته این رویه در هر صورت مانع نمی‌شد که سازمان آب و برق بعداً " دستورهای تغییرکار را تصویب نکند و صورت حسابهای پیمانکاران را تعدیل ننماید. براین اساس، هارزا اینترنشنال مسئولیتی بابت آن دستورهای تغییر ندارد. علاوه براین، سازمان آب و برق نتوانسته است اثبات کند که در نتیجه اقدام هارزا اینترنشنال در تهیه دستورهای تغییر، متحمل خساراتی شده است. دیوان ملاحظه می‌کند که دستورهای موقت تغییر می‌توانسته تنها به ضرر پیمانکاران تمام شده باشد و نه به ضرر سازمان، و نیز ملاحظه می‌کند که ۱۰ درصدی که از مبالغ پرداختی به پیمانکاران کسر می‌شد تا حدودی منافع سازمان را در برابر اضافه پرداخت حفظ می‌کرد. به دلایل پیش گفته، دیوان براین نظر است که ادعای متقابل بابت برآوردهای نادرست هزینه، بی اساس بوده و لذا رد می‌شود.

## ۲ - نظارت نارسا و عدم تسلیم نقشه‌های اجرایی As-built drawings

۱۱۸ - سومین ادعای متقابل سازمان آب و برق در رابطه با پروژه آبیاری گتوند این است که هارزا اینترنشنال به میزان کافی برکار پیمانکاران نظارت نکرده و کار ناقص آنها را تصویب نموده، در نتیجه برخی کارها مطابق با مشخصات قرارداد نمی‌باشد. بعنوان نمونه، سازمان ادعا می‌کند که ضخامت جداره بتونی کانالهای آبیاری کافی نبوده و پیمانکاران گودالها یا قرضه‌هایی (" Borrow pits ") در کنار کانالهای آبیاری به وجود آوردند و مرمت نکرده باقی گذاشتند، که طبق ادعای سازمان، این تخلفات از مشخصات قرارداد، منجر به شکست جداره‌های کانالها گردید. علاوه بر آن، سازمان اظهار می‌دارد که حفر نادرست پی یکی از پله‌ها در کانال دیمچه علیای شرقی، باعث نشست پل گردیده است.

۱۱۹ - خواهانها به بسیاری از نواقص اعتراف می‌کنند لیکن منکر مسئولیت می‌باشند و اظهار می‌دارند که پیمانکاران بی تجربه مسئول نواقص بوده و هارزا اینترنشنال در آن زمان، نواقص را گوشزد کرده است. خواهانها همچنین اظهار می‌کنند که خسارت وارده به کانالها خیلی کمتر از آن میزانی است که سازمان اظهار کرده و ادعا می‌کنند که در پایان سال ۱۹۷۹ تنها ۱۶۰ دال ( panel ) از مجموع ۱۹۴،۰۰۰ دال کانال اصلی دچار شکست شده است.

۱۲۰ - سازمان در چهارمین ادعای متقابل خود مدعی است که هارزا اینترنشنال، " نقشه‌های اجرائی " و سایر اسناد نهائی مقرر در قرارداد را تسلیم نکرده است و خواهانها در پاسخ به این ادعای متقابل اظهار می‌دارند که قرار بود اسناد مورد اشاره سازمان تنها بعد از تکمیل پروژه تسلیم شود و چون بروز وقایعی، هارزا اینترنشنال را وادار به ترک ایران قبل از تکمیل پروژه نمود، از ایفای آن تعهد معذورند.

۱۲۱ - دو ادعای متقابل اخیرالذکر را دیوان جهت اظهار نظر کارشناسی به آقای کریزل ارجاع و سؤال را به صورت زیر انشاء کرد:

" آیا هارزا اینترنشنال وظایفش را با استفاده از بهترین اطلاعات فنی و طبق بهترین استانداردهای حرفه‌ای متداول در رابطه با تسلیم نقشه‌های تفصیلی اجرائی و نظارت و تکمیل کارهای طرح آبیاری گتوند، به ویژه در رابطه با بی‌توجهی ادعائی پیمانکاران به مشخصات فنی که حسب ادعا منجر به نا منظم بودن ضخامت پوشش کانالها و ایجاد گودالهای عمیق آب راکد در جوار کانالها و راههای موصلاتی و به خطر انداختن ساختمان‌های مختلف ( پل + ۱۶ و آبگذرها ) گردیده، انجام داده است؟ "

#### ( الف ) نظارت بر کارها

۱۲۲ - تعهدات هارزا اینترنشنال راجع به نظارت بر کار پیمانکاران در فاز سوم ج پروژه گتوند، در پیوست شماره ۲ نامه مورخ اول آوریل ۱۹۷۴ ( ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۳ ) سازمان مشخص گردیده و شامل موارد زیر می‌باشد:

- ۴ - بازرسی و آزمایش مواد و مصالح بکاررفته و دستگاه‌های نصب شده در ساختمانهای متفاوت متعلق به پروژه .
- ۵ - نظارت و راهنمایی پیمانکاران و سازندگان و همچنین نظارت بر آنها از نظر اجرای صحیح کارها و تسلیم گزارشهای مورد لزوم .
- ۷ - نظارت بر کلیه آزمایشهایی که در آزمایشگاههای پیمانکاران باید انجام شود
- ۱۷ - نظارت بر کارکنان مقیم که سازمان در اختیار مهندس ناظر گذارده .

۱۲۳ - آقای کریزل در نحوه نظارت‌ها از اینترنشنال برکار پیمانکاران، غفلتی مشاهده نکرده هرچند که خاطرنشان نمود که ناظران‌ها از اینترنشنال در طول مدت نظارت خود، مرتکب اشتباهاتی شده بودند. ایشان می‌گویند که پیمانکاران از مشخصات مندرج در قرارداد ساختمانی تخلفات آشکار و از ترمیم نقایمی که‌ها از اینترنشنال تذکر داده بود، امتناع کرده بودند. آقای کریزل، نواقص موجود در پروژه را تا حدودی معلول " کافی نبودن شناسایی مقدماتی خاک قبل از مناقصه " می‌داند و اشاره می‌کند که فقدان بررسی یا بررسی محدود خاک، منجر به " نقص و عدم انعطاف طرح‌ها از " در بعضی از قسمت‌های پروژه گردید. به عقیده وی، شکست جداره‌های کانال تا حدودی ناشی از وجود خاکهای سست بوده که در موقع ریختن سیمان به داخل کانالها، ریزش می‌کرد. آقای کریزل معتقد است که وجود چنین خاکی می‌بایست موجب تهیه طرح دیگری برای کانالها می‌شد. موضوع برنامه خاکشناسی و مسئولیت نواقص ادعائی دیگر در کارها به نوبه خود در زیر مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

#### ب - جداره‌های کانالها

۱۲۴ - یکی از نواقصی که مورد ادعای سازمان آب و برق می‌باشد، اینست که‌ها از اینترنشنال نتوانسته ضمانت پوشش بتونی کانالهای آبرسانی را بکنواخت کند. لیکن خواهانها اظهار می‌دارند که‌ها از اینترنشنال به نحو مقتضی برکار پیمانکاران مربوط نظارت کرده و عدم رعایت مشخصات قراردادی را مکرراً " هم به پیمانکاران و هم به سازمان آب و برق گزارش داده است.

خواهانها، نارسائی و عدم یکنواختی ضخامت پوشش کانالها را معلول کیفیت نازل کارپیمانکاران میدانند و تاءکید میکنند که چون هارزاین نقایص را به آنها گوشزد کرده، بنابراین این قبیل قصورها را نمیتوان متوجه هارزادانست.

۱۲۵- خواهانها مدارکی در تائید این استدلال خود ارائه نمودند که هارزا اینترنشنال هیچگاه پوشش معیوب کانالها را نپذیرفته و تائید ننموده و نیز قبیل قطعی هیچ یک از کارها، و پرداخت نهائی بابت آنها را، توصیه نکرده است. مدارک دیگری نیز ارائه شده مبنی بر اینکه هارزا اینترنشنال مکررا "نواقص را به سازمان آب و برق و پیمانکاران متذکر شده و اقداماتی را جهت ترمیم آنها توصیه کرده است.

۱۲۶- براساس مدارک تسلیمی، دیوان متقاعد شده است که هارزا اینترنشنال، وظایف نظارت خود را در مورد جداره کانالها به نحو رضایتبخشی ایفاء نموده است.

#### ج - محل قرضه ها ( BORROW PITS )

۱۲۷ - نقص دیگری که سازمان آب و برق مدعی است از عدم نظارت کافی هارزا اینترنشنال برکارها ناشی شده، مربوط میشود به آنچه که سازمان "گودال های عمیق نامنظمی می نامد که در مجاورت تاءسیسات آبیاری ایجاد شده که باعث فرسایش اراضی مجاور و فرونشستن خاکریز کانالها و جمع شدن آبهای راکد " و ایجاد بیماری شده است.

۱۲۸ - طبق اظهار خواهانها، گودالهای مجاور کانالها که پیمانکاران برای ساختن کانالها از خاک آنها " برداشت " می کردند، نتیجه عمل نکردن پیمانکاران به دستورها و توصیه های وی میباشد. ظاهرا " در این قبیل ساختمانها، استفاده از قرضه های خاک، معمول است لیکن محل قرضه ها باید در مراحل بعدی پرشوند. هارزا اینترنشنال اظهار می دارد که مکررا " برای

رفع معایب ، برنامه‌ای توصیه کرد و توصیه‌های خود را ضمن تعهدی از مراسلات خود در سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ ، به سازمان آب و برق ارسال داشته‌است و نسخ آن مراسلات به دیوان تسلیم شده است .

۱۲۹ - دیوان همچنین ملاحظه می‌کند که طبق بخش ۳-۶ قسمت ششم مشخصات فنی سد انحرافی ، پیمانکار موظف بود مناطق ساختمانی و محل قرصه‌ها را طبق مشخصات و به نحوی که روی نقشه‌ها منعکس شده و یا طبق دستورهای صادره ، پاک و تسطیح کند .

۱۳۰ - در مورد پوشش کانالها ، دیوان معتقد است که هارزا اینترنشنال مسئولیتهای قراردادی خود را از طریق تذکر معایب به پیمانکار و توصیه کارهای ترمیمی ، ایفاء نموده است . لذا هارزا اینترنشنال رانمی‌توان مسئول قصور پیمانکاران در رعایت مشخصات قرارداد دانست .

#### د - پیل

۱۳۱ - سازمان آب و برق مدعی است که پی پیل واقع در کیلومتر ۱۶/۰۵۲ کانال دیمچه شرقی به طرز صحیحی حفاری نشده ، و " در نتیجه پیل نشست کرده است " . خواهان ها منکر مسئولیت بابت نشست کردن پیل بوده و اظهار می‌دارند که هارزا اینترنشنال ملزم نبود و کسی هم از وی انتظار نداشت که در کلیه مراحل ساختمانی همه پلها نظارت کند .

خواهانها همچنین متذکر می‌شوند که اگر پیش از ساختمان پیل، حفاری محل به طرز صحیحی انجام نگرفته ، در بازرسیهای بعدی این مطلب الزاما " کشف نمی‌شد و حتی اگر کشف هم می‌شد ، پیمانکار موظف بود نقیصه را رفع کند . آقای کریزل، دلیل و مدرکی حاکی از اینکه ، قبل از امضای صورتجلس مورخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۷ ( ۲۹ تیرماه ۱۳۵۶ ) ، پیل نشست کرده باشد ، نیافت . صورتجلس یاد شده متضمن " تحویل موقت " برخی کارها بود که پیل رانیز شامل می‌شد و مشروط به این بود که برخی نواقص معین توسط پیمانکار مرتفع شود . در شرح این نواقص ذکر ایلیل نشده بود و سازمان موضوع نشست کردن پیل را ابتدا در نوامبر ۱۹۷۹ به هارزا اطلاع داد و مدرکی

نیز ارائه نداد که نشان دهد پل قبل از آنکه هارزا اینترنشنال ایران را ترک کند بطور محسوسی نشست کرده باشد. در نبود چنین دلیلی، دیوان نمی‌تواند نتیجه گیرد که هارزا اینترنشنال می‌بایست نقص را کشف و تدابیری برای ترمیم آن پیشنهاد می‌کرد.

۱۳۳- بنا بر این، دیوان هارزا اینترنشنال را مسئول نشست پل نمی‌یابد.

#### ه - برنامه بررسی خاک

۱۳۴- همانطور که اشاره شد، کارشناس منصوب دیوان، نقایص پوششهای کانالها را تا حدودی معلول نارسائی برنامه بررسی خاک می‌داند. آقای کریزل همچنین نتیجه گرفت که مسئولیت نارسائی برنامه خاکشناسی هم متوجه سازمان است و هم متوجه هارزا اینترنشنال. خواهانها هرگونه مسئولیتی را به موجب قرارداد انکار می‌کنند و انتقاد آقای کریزل در مورد برنامه خاکشناسی را نیز رد کرده‌اند به این دلیل که (۱) موضوع در هیچ ادعای متقابلی طرح نشده بود و در نتیجه کارشناس از حدود وظایف خود تجاوز کرده و (۲) کارشناس راجع به میزان این بررسی دچار سوء تفاهم شده است.

۱۳۵- در مورد دلیل اول، تذکر خواهانها صحیح است که سازمان در دادخواست متقابل خود صریحا "ذکری از مطالعات خاکشناسی پروژه آبیاری گتوند نکرده است. در دادخواست مذکور، ادعای متقابل مربوطه تحت عنوان "دعوی مربوط به کارهایی که طبق مشخصات فنی ساخته نشده است" بوده و در آن ذکر شده است که: در اثر قصور و سهل انگاری و عدم نظارت دقیق، پیمانکاران برابر مشخصات فنی ارائه شده عمل ننموده و شرکت خواننده نیز برخلاف واقع اعمال انجام شده پیمانکاران را گواهی نموده است. از متن فوق و از لوایح بعدی سازمان آب و برق به نظر می‌رسد که سازمان مدعی است هارزا اینترنشنال دقت در رعایت مشخصات نکرده است. بدین ترتیب از یکطرف واقعیت دارد که در ادعای متقابل صریحا "ادعانشده که مطالعات خاکشناسی ناقص بوده و موضوع نارسائی مطالعات خاکشناسی موضوعی بود که اولین بار توسط آقای کریزل مطرح گردید.



۱۳۶ - از طرف دیگر اساس ادعای متقابل را بطور کلی می‌توان ادعای مسئولیت هارزا اینترنشنال به لحاظ غفلت وی و به خاطر نواقصی که بعداً " در کار پیمانکاران پروژه یافت شده دانست و براساس این مفهوم وسیع‌تر، نقایص حاصله از مطالعات خاکشناسی ناکافی را می‌توان در محدوده ادعای متقابل تلقی نمود. ارتباط دو مطلب بقدری نزدیک است که دیوان معتقد است آقای کریزل حق داشت مدارک مربوط به بررسی خاک را مورد مطالعه قرار دهد. بهر حال، با توجه به یافته‌های دیوان در مورد مسئولیت هارزا اینترنشنال از نظر خاکشناسی که طبق قرارداد محدود بود و در زیر درج می‌گردد، ضرورتی ندارد که دیوان تعیین کند که آیا ادعای متقابل حاضر شامل آن موضوع می‌شود یا خیر.

۱۳۷ - در مورد تقسیم مسئولیت تهیه و تنظیم و اجرای برنامه مطالعات خاکشناسی، بند ۴ ماده شش قرارداد مقرر می‌دارد:

" وزارت، مخارج تامین اقلام زیر را تا حدود احتیاجات مهندس به عهده خواهد گرفت: حفاری و نمونه برداری از خاک، تجزیه خاک، نقشه برداری و مطالعات زمین شناسی و جغرافیائی، اطلاعات آبشناسی، مطالعات آبهای زیرزمینی، لوازم و تجهیزات و به کار انداختن آزمایشگاه صحرائی جهت آزمایش مصالح و خاک و غیره. مهندس موظف است که برنامه‌ها و مشخصات تفصیلی لازم جهت مطالعات و نقشه برداریها و آزمایشها را که باید انجام گیرد برای تصویب وزارت پیشنهاد کند و در تامین خدمات تخصصی مربوطه به وزارت خانه کمک نماید و بر کار این مطالعات و نقشه برداریها و آزمایشها نظارت کند."

بدینسان روشن است که اجرای برنامه بررسی خاک جزو مسئولیت هارزا اینترنشنال نبوده و تنها مسئولیت وی این بود که برنامه‌ای برای تصویب و اجراء به سازمان آب و برق پیشنهاد کند و پیشنهاد دهم کرده است. این نتیجه‌گیری با مفاد بند ۴ ماده شش بیشتر تقویت می‌شود که مقرر می‌دارد: "در مواردی که آزمایشها و مطالعات و نقشه برداری به عهده وزارت یا سازمانهای دیگر دولتی بوده و نتایج آنها با جزئیات و در زمان لازم برای حسن اجرای این قرارداد در اختیار مهندس گذارده نشود،

مسئولیت مهندس محدود خواهد بود" ( نقل از متن فارسی قرارداد).

۱۳۸ - مدارک نشان می‌دهد که هارزا اینترنشنال برنامه بررسی خاک را به نحو کافی تنظیم نمود و سازمان به آن برنامه اعتراضی نکرد. مدارک همچنین حاکی از آن است که سازمان آب و برق، کلیه آزمایشهایی را که هارزا اینترنشنال توصیه کرده بود انجام نداد. بنابراین، دیوان نتایج می‌گیرد که ادعای متقابل مربوط به برنامه بررسی خاک تا حدودی کسه سازمان آب و برق به نحو صحیح طرح کرده بی‌اساس بوده باید مردود شناخته شود.

#### و - نقشه‌های اجرایی

۱۳۹ - سازمان آب و برق در مورد ادعای متقابل خود راجع به مطالبه نقشه‌های اجرایی و سایر اسناد نهایی پروژه گتوند استدلال می‌کند که هارزا اینترنشنال ملزم بود طبق ماده ۱۹ ضمیمه ۲ و کالتنامه مورخ اول آوریل ۱۹۷۴ ( ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۳ )، این قبیل نقشه‌ها را تسلیم نماید. سازمان مضافاً " استدلال می‌کند که شرایط فورس ماژور، هارزا اینترنشنال را از تسلیم این مدارک معاف نمی‌سازد، زیرا که این اسناد می‌بایست پیش از وقوع فورس ماژور ادعایی تحویل می‌شد.

۱۴۰ - در ماده ۱۹ قید شده که هارزا اینترنشنال می‌بایست: " پس از پایان کارهای ساختمانی، پنج نسخه کامل از گزارش کارهای انجام شده و از جمله " نقشه‌های اجرایی " را، تسلیم دارد. یک نسخه از گزارش باید قابل تکثیر باشد. "

۱۴۱ - روشن است که اسناد مورد بحث می‌بایستی فقط پس از تکمیل کارهای ساختمانی تسلیم می‌شدند. از آنجا که شرایط فورس ماژور مانع تکمیل این کارها شد، لذا دیوان براین نظر است که هارزا اینترنشنال از تهیه نقشه‌های اجرایی و گزارش نهایی معذور بوده است.

( ۳ ) ادعای متقابل مربوط به سد انحرافی

۱۴۲ - پنجمین و آخرین ادعای متقابل سازمان آب و برق در رابطه با پروژه آبیاری گتوند مربوط است به سد انحرافی که در فرود دست سد کارون و برای انحراف آب به پروژه گتوند ساخته شده است. سد انحرافی در فوریه ۱۹۸۰، پس از سرریز شدن سیلاب از کرانه چپ خاکی سد، آسیب دید. سازمان آب و برق مسئولیت آن خسارت را متوجه هارزا اینترنشنال دانسته اظهار می کند که هارزا (۱) به پرسنل سازمان که مسئول نگاهداری سد بودند آموزش کافی نداد. (۲) در برجیدن بقایای فرازبند (یا بند خاکی که در طول ساختمان سد انحرافی ساخته شده بود) از کانال ورودی قصور کرده و موجب بسته شدن چندین دریچه سد گردیده است، (۳) دریچه های معیوب سرریزراکسه برای ممانعت از سیل قابل بازکردن نبوده اند، تصویب نموده است.

۱۴۳ - دیوان داوری موضوعات مطروح در این ادعاهای متقابل را ضمن دو سؤال زیر، به آقای پینتو ارجاع کرد:

(۱) علل جمع شدن بیش از حد آب که در سال ۱۹۸۰ منجر به زیرسیل رفتن شبکه آبیاری گتوند شد چه بود؟ و  
 (۲) آیا هارزا اینترنشنال وظایف خود را در رابطه با طراحی سد بررسی گتوند، نظارت بر عملیات ساختمانی سد و ارائه راهنمای مربوط به بهره برداری از آن با اعمال بهترین اطلاعات فنی خود و بر طبق بهترین استانداردهای حرفه ای متداول انجام داده است یا خیر؟"

در مورد سؤال اول، آقای پینتو نتیجه گرفت که عامل اصلی و مسبب سرریز شدن آب سد در ۱۹۸۰، کاهش ظرفیت سرریز سد در نتیجه شرایط غیرعادی در باز کردن چهارده دریچه سد بود. آقای پینتو دریافت که در موقع وقوع سیل، چهار دریچه عملاً بسته بوده و ده دریچه باقیمانده نیز کاملاً باز نبوده اند. طبق اظهار سازمان آب و برق، چهار دریچه مذکور به علت نقص کار موتورهای برقی آنها باز نشدند. سازمان مضافاً اظهار می دارد که با جوش دادن قطعات فلزی به دریچه ها، حداکثر میزانی که دریچه های باقیمانده می توانست باز شود به ۵/۵ متر محدود شده بود.

آقای پینتو همچنین دریافت که بقایای فرازبندها احتمالاً در کاهش ظرفیت تخلیه سرریز مؤثر بوده و نتیجه گرفت که :

" اگر کلیه دریچه‌ها می‌توانست به کار افتد، سرریز آب سد قابل اجتناب می‌بود حتی اگر رودی کانال مانند سال ۱۹۷۸ محدود بود و دریچه‌ها را بیش از ۵/۵ قابل باز شدن نبود. تمیز کردن نزدیکی کانال به تنهائی مانع سرریز شدن آب نمی‌شد. زیرا چهار دریچه بسته و ده دریچه‌ای که فقط ۵/۵ متر بازمی‌شد تخلیه آب را به کمترین جریان حداکثر و مورد نظر محدود می‌کرد. اگر ده دریچه‌ای که عمل نکرد کانالاً باز شده بود به علت محدودیت بسته بودن چهار دریچه و شرایط غیرعادی جریان سیلاب، احتمالاً آب از روی سد طغیان می‌کرد .

مسئولیت هر یک از عوامل مشدده مذکور و سایر عواملی که سازمان نقل می‌کند در زیر مورد بحث قرار می‌گیرد :

#### ( الف ) - بقایای فرازبند

۱۴۴- دیوان، مسئولیت برنجیدن بقایای فرازبند را متوجه پیمانکار می‌داند نه هارزا اینترنشنال. در بخش ۷-۶/۲ از قسمت ششم مشخصات فنی سد انحرافی قید شده که طرح و ساختمان کلیه فرازبندها وظیفه پیمانکار است. بخش ۲ از قسمت ششم همچنین قید می‌کند که :

" کلیه فرازبندها، پس از آنکه مورد استفاده خود را از دست دادند، برجیده شده و در سطح ولیه خود قرار داده خواهند شد... طریق برچیدن کلیه فرازبندها منوط به بازرسی توسط مهندس خواهد بود...."

بدین ترتیب قرار بود پیمانکار، فرازبند را بسازد و برچیند، منوط به آنکه هارزا اینترنشنال کار وی را بررسی کند. در رابطه با مطلب اخیر، مدارک حاکی از آن است که هارزا اینترنشنال در نوامبر ۱۹۷۸ پیمانکاران دستور داده بود فرازبندها را برچینند. مدارک همچنین دال بر آن است که در ژوئیه ۱۹۷۹ هارزا متذکر شده بود که قسمتهائی از فرازبند که در سیلاب دسامبر ۱۹۷۸ از بین رفته بوده، به نحو صحیح برجیده نشده و ظرفیت سرریز را محدود می‌کنند. بنا به اظهار آقای پینتو، سازمان آب و برق تصدیق کرده است که مقداری کار پاک‌سازی انجام گرفته بوده، لیکن این کارها خیلی مؤثر نبوده است.

۱۴۵- بنا بر این، دیوان معتقد است که هارزا اینترنشنال با مطلع ساختن پیمانکار و سازمان آب و برق از نواقص، و همچنین توصیه اقدامات لازم جهت رفع نواقص، به وظایف خود بعنوان ناظر عمل کرده است.

#### ( ب ) زائده های فلزی

۱۴۶- خواهانها وجود هرگونه زائده فلزی روی دریچه های سرریز را در طول مدتی که پرسنل هارزا در محل بودند، منکر شده اند. خواهانها مضافاً " انکار می کنند که هارزا اینترنشنال، نصب هیچ قطعه معیوبی را در سیستم دریچه سرریز تصویب کرده باشد.

۱۴۷- در مورد زائده های فلزی، آقای پینتو متذکر گردید که سازمان آب و برق هیچگونه توضیحی در مورد این قطعات نداده و بررسی مسئولیت وقوع آنها را غیرممکن ساخته است. سازمان همچنین هیچگونه مدرکی دال بر وجود این زائده های فلزی، نه به آقای پینتو و نه به دیوان ارائه نداده است و در نبود مدرکی دال بر وجود آنها و مسئولیت هارزا اینترنشنال، ادعای متقابل حاضر باید مردود شناخته شود.

#### ( ج ) قطعات دریچه سرریز

۱۴۸- دیوان همچنین در مورد ادعای سازمان مبنی بر اینکه هارزا اینترنشنال قطعات معیوب دستگاه دریچه سرریز را تصویب کرده، مدرکی نیافته است. تنها قطعاتی را که سازمان به عنوان معیوب معرفی کرده " موتورهای برقی " می باشند معهداً چون سازمان جزئیاتی در مورد اینکه دقیقاً " کدام موتورها از کار افتاده و یا مدرکی دال بر عیب موتورها در اختیار دیوان قرار نداده، ادعای متقابل باید به لحاظ فقد دلیل مردود اعلام شود.

( د ) آموزش و اسناد و مدارک

۱۴۹- وظایف هارزا اینترنشنال در مورد آموزش، در مواد ۱۶ و ۲۰ ضمیمه ۲ نامه مورخ اول آوریل ۱۹۷۴ ( ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۳ ) سازمان آب و برق ذکر گردیده است . حدود این وظایف عبارت است از :

" ۱۶- پیشنهاد برنامه تاء مین پرسنل و آموزش پرسنل ایرانی که توسط مقام مسئول جهت عملیات آتی در اختیار مهندس قرار داده می شوند .  
۲۰- تهیه جزوات و راهنما های طرز بهره برداری از تاسیسات از جمله دستورالعملهای مربوط به تغییرات و نگهداری کارهای انجام شده ."

۱۵۰- استدلال سازمان آب و برق این است که برنامه آموزشی هیچگاه ترتیب داده نشد و دستورالعملهای موضوع ماده ۲۰ تسلیم نگردید . خواهانها استدلال می کنند که هارزا اینترنشنال در سال ۱۹۷۸ آموزش کارآموزان سازمان را در مورد نحوه بهره برداری سدانحرافی آغاز کرده بود ، لیکن به علت عدم توانایی سازمان آب و برق در تاء مین کارآموز ، برنامه به بندی پیش می رفت . بعلاوه ، نامبردگان استدلال می کنند ، که هنگامی که در ژانویه ۱۹۷۹ ، ایران را ترک گفتند مسئولیت راه اندازی سدانحرافی هنوز با پیمانکار بود و لذا آنها فرصت تنظیم و تاء مین دستورالعملهای مشروح کتبی برای کارمندان سازمان را نداشته اند . خواهانها مدارکی ارائه کرده اند مبنی بر اینکه هارزا اینترنشنال " برنامه بهره برداری و نگهداری " به سازمان آب و برق تسلیم نموده که در آن ، اهمیت وجود شخص واجد شرایطی که در کلیه اوقات جهت راه اندازی سدانحرافی حاضر باشد ، به سازمان آب و برق تذکر داده شده بود .

۱۵۱- ضرورتی ندارد که دیوان اظهارات طرفین را بررسی کند زیرا مدرکی دال بر اینکه خسارت موضوع شکایت ، در نتیجه آموزش نارسا ایجاد شده ، ارائه نگردیده است . بالعکس گزارش آقای پینتو حاکی از آن است که مسائل ناشی از سدانحرافی معلول مشکلات فیزیکی و مکانیکی بوده و از خطای انسان ناشی نشده است .



آوریل ۱۹۷۶ ( ۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۵ ) به هارزا اینترنشنال اطلاع داد که بعد از اتمام کارهای نیمه تمام پروژه مارون ، به ادامه خدمت وی در آن پروژه نیازی نخواهد بود. هارزا مرحله دوم کار را در اوت ۱۹۷۶ و مرحله سوم بآترا در مارس ۱۹۷۸ تمام کرد.

۱۵۵ - سازمان در رابطه با اینکار ، چهار ادعای متقابل مطرح کرده است که عبارتند از (۱) نواقص ادعائی در طرح سرریز سد مارون (۲) نواقص ادعائی در دریچه های تونل انحرافی و سیستمزهکشی (۳) قصور ادعائی هارزا اینترنشنال در تسلیم اسناد محاسبات و گزارش نهائی مرحله دوم شبکه آبیاری بهبهان و (۴) ناتمام بودن ادعائی گزارش توجیهی هارزا اینترنشنال در مورد شبکه آبیاری جائزان و خلف آباد.

#### ۱ - سرریز سد مارون

۱۵۶ - در اولین ادعای متقابل سازمان آب و برق در رابطه با طرح عمرانی رود مارون، ادعا شده که " تمام محاسبات ( هارزا اینترنشنال ) در مورد سرریزهای سد مارون ، اشتباه و خلاف اصول علمی و عملی بوده " است . موضوع مورد اختلاف ، طرح هارزا اینترنشنال برای سرریز می باشد . در طرح اولیه که در ۱۹۷۴ تکمیل شد ، از طرح سرریز سدکارون پیروی شده و مشخصات دقیق صیقل سطح بتون برای جلوگیری از ایجاد حفره یا خوردگی در آن مورد استفاده قرار گرفته است . هارزا اینترنشنال پس از تجربه ای که از سد کارون بدست آورد پیشنهاد کرد طرح سرریز سد مارون اصلاح و در آن وسایل هوادهی منظور شود .

۱۵۷ - خواهانها اظهار می دارند که طرح مزبور مطابق با ضوابط حرفه ای و فنی رایج آن زمان بوده است و استدلال می کنند که در هر حال ، سازمان هرگز اقدام به اجرای پروژه نکرد ، بنا بر این نمی تواند در نتیجه طرح مهندسی متحمل خساراتی شده باشد . خواهانها در تائید موضع خود اشاره می کنند که هیچگاه قبل از رسیدگی حاضر و از جمله در اطلاعیه فسخ مورخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۶ ( ۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۵ ) ، سازمان عدم رضایت خود را از طرح سد مارون به هارزا اینترنشنال اطلاع نداده بود .



۱۵۸ - دیوان از آقای پینتو سؤال کرد که :

آیا طرح‌ها رزاینترنشنال برای سرریز سد مارون تغییرات پیشنهادی بعدی در مورد آن طرح، با استفاده از کاملترین اطلاعات فنی و طبق بهترین استانداردهای حرفه‌ای متداول در زمان تکمیل طرح و انجام تغییرات پیشنهادی تهیه شده است؟

آقای پینتو در پاسخ نتیجه گرفت که :

فقدان پره‌های هوادهی (aeration troughs) در طرح سرریز اولیه مارون، کل طرح را از اعتبار نمی‌اندازد، زیرا که در تهیه طرح از عالی ترین استانداردهای حرفه‌ای برای آن قبیل ساختمان‌ها استفاده شده است. به روز کردن طرح سرریز با افزودن وسایل هوادهی، به مفهوم یک تغییر اساسی در کل طرح نیست، زیرا وسایل هوادهی، کیفیاتی اضافی است که می‌توان بدون تغییرات اساسی در طرح، به سرریز اضافه نمود.

۱۵۹ - دیوان با نتیجه‌گیری کارشناس منصوب خود مبنی بر اینکه طرح و اصلاح

سرریز سد کارون با ضوابط قرارداد در زمان پیشنهاد مطابقت داشته موافق است. با این نتیجه‌گیری در مورد طرح سرریز سد کارون، دیوان در مورد طرح مشابه آن در سرریز سد مارون نیز باید به نتیجه مشابهی برسد. در مورد اصلاحات پیشنهادی و افزودن پره‌های هوادهی، کارشناس اظهار داشت که "روش هوادهی، بصورت بهترین راه حل فنی برای مقابله با احتمال بروز مسائل ناشی از خوردگی یا ایجاد حفره در آمده است" و مدرکی که خلاف این نظر را ارائه کند به دیوان تسلیم نشده است.

۲ - دریچه تونل انحرافی و سیستم زهکشی

۱۶۰ - دومین ادعای متقابل سازمان آب و برق در رابطه با طرح رود مارون این

است که رزاینترنشنال در "نحوه طرح و محاسبات مربوط به زهکشی رود مارون و دریچه تونل انحرافی آن مطالعات کافی بعمل نیاورده" و "گزارش نهائی خود را در مورد سیستم زهکشی و دریچه تونل انحرافی بموقع تسلیم نکرده است."

۱۶۱ - در مورد دریچه تونل انحرافی ، دیوان پیمانکار را مسئول طرح دریچه های تونل انحرافی می داند نه مهندس مشاور .

در بخش ۲-۶ از قسمت ششم مشخصات فنی سد مارون قید شده است که :

" طبق مشخصات مندرج در این بخش وبه نحوی که در نقشه ها معین شده هر پیمانکار باید شبکه ای شامل یک تونل ، فرازبندهای موقت و تلمبه خانه های جهت انحراف رود در طی مدت ساختمان ، طرح و بنا نموده و آنها را براه اندازد و بعد از مرحله اجراء استفاده از تونل آن را برچیند . . . . . مقاطعه کار می تواند طرح ارائه شده را پذیرفته و آنرا تکمیل یا اصلاح کند و یا اینکه طرح دیگری را تهیه نماید . "

براین اساس مبنائی برای آنکه هارزا اینترنشنال را مسئول طرح دریچه تونل انحرافی دانست وجود ندارد .

۱۶۲- در مورد ادعای مربوط به زهکشی سد مارون ، حدود ادعای متقابل مبهم است . سازمان در دادخواست متقابل خود به " زهکشی سد مارون " اشاره کرده لیکن در پاسخ خود به جوابیه خواهان ، بطور کلی به طرح ، محاسبات و نقشه های " شبکه زهکشی سد مارون " ایراد گرفته و شبکه آبیاری بهبهان را جزو آن محسوب می کند . صرف نظر از حدود ادعای متقابل ، از لحاظ ماهیت ، تنها ایراد مشخص سازمان به مقیاسی است که هارزا اینترنشنال در تهیه نقشه های پروژه بکار برده و ادعا می کند که مقیاس مزبور باعث ناهمگونی شده است .

۱۶۳ - با توجه به تصور سازمان در ارائه مدرکی دال بر وجود نقایص در طراحی سیستم یا شبکه زهکشی سد مارون ، دیوان ضروری نمی بیند در مورد حدود ادعای متقابل سازمان ( بهر صورت که تعریف شود ) اظهار نظر کند . آقای کریزل کارشناس دیوان ، متذکر گردیده که سازمان آب و برق هیچگاه در مورد تحریفاتی که در نقشه های هارزا اینترنشنال یافته توضیح نداده و کارشناس نامبرده نیز شما " تحریفی در نقشه ها نیافته است . آقای کریزل در مورد ادعای کلی تر نقایص طرح نتیجه گیری کرده است که :

" حدود کار سیستم زهکشی سد مارون را هر چه فرض کنیم در این رسیدگی کمترین اشاره ای به نقص زهکشی نشده است . در نتیجه اثبات نگردیده که در سیستم زهکشی سد مارون از بهترین دانش فنی و طبق بهترین ضوابط پذیرفته حرفه ای موجود در زمان پذیرش طرح استفاده نگردیده است . "

هیچیک از مدارک موجود سبب نمی‌شود که دیوان نتیجه‌ای خلاف آن بگیرد.

۱۶۴- سرانجام، دیوان اظهارات سازمان را نیز مبنی بر اینکه هـاارزا اینترنشنال، گزارش نهائی سیستم زهکشی و دریاچه تونل انحرافی را تسلیم نکرده بی اساس می‌یابد. درعین حال که سازمان آب و برق، "گزارش نهائی" را که ادعا می‌کند باید دریافت می‌کرده مشخص نکرده، مدارک حاکی از آن است که هارزا اینترنشنال، کلیه اسنادی را که ملزم بود بابت مراحل دوم و سوم - ب پروژه تسلیم کند، مستقیماً "به سازمان یا واحدهائی که سازمان تعیین کرده بود تسلیم نموده است. مدارک نشان می‌دهد که هارزا اینترنشنال در ۱۷ اوت ۱۹۷۶ ( ۲۶ مرداد ماه ۱۳۵۵)، اسناد تجدید نظر شده مناقصه را ارسال داشته و نقشه‌های ترسیمی ساختمان و نقشه‌ها و سایر اسناد مربوط به سد مارون را در تمام مدت قرارداد تسلیم نموده است، فی الواقع این اسناد را سه شرکتی هم که سازمان آب و برق تعیین کرده بود بررسی کردند زیرا وصول آن مدارک را طی نامه مورخ ۲۱ ژوئن ۱۹۸۱ ( ۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۰) اعلام داشتند. بدین ترتیب دیوان با نتیجه‌گیری آقای کریزل که ادعاهای سازمان را بی اساس یافته موافق است.

### ۳ - کانالهای آبیاری بهبهان

۱۶۵ - سازمان آب و برق طی ادعای متقابل بعدی خود به نحوی که در دادخواست متقابل آمده، ادعا می‌کند که هارزا اینترنشنال " اسناد محاسبات و گزارش نهائی مرحله دوم کانال آبیاری بهبهان " را تسلیم نکرده است. سازمان در مراحل بعدی رسیدگی شکایت کرد که هارزا اینترنشنال "صورت‌های محاسبه اصل نقشه‌های ترسیمی شبکه آبیاری بهبهان یا نسخ قابل تکثیر نقشه‌ها" را ارائه نداده است.

۱۶۶ - دیوان، بررسی و تحلیل این ادعای متقابل را با این نکته آغاز می‌کند که هیچیک از مفاد قرارداد، هارزا اینترنشنال را ملزم به ارائه اسناد محاسبات خود نمی‌کند، در نتیجه مبنائی برای مطالبه آن اسناد در اینجا وجود ندارد. در مورد شکایت سازمان آب و برق مبنی بر اینکه هارزا

اینترنشنال، نقشه‌های تحویل داده که نقشه‌های اصلی یا نسخ قابل تکثیر نبوده‌اند، دیوان ملاحظه می‌کند که در قرارداد تصریح نشده که اصل یا نسخ قابل تکثیر اسناد تسلیم شود. علاوه بر این، طبق بند (۲) ماده چهار، هارزا اینترنشنال ملزم بود که ده نسخه از هر گزارش و سندی را برای اظهار نظر و تصویب تسلیم نماید و سازمان می‌بایست ظرف دو ماه از تاریخ وصول، درخواست اصلاح کند. اگر چنین درخواستی بعمل نمی‌آمد، اسناد و گزارشها، تصویب شده تلقی می‌گشت. مدارک حاکی از آن است که هارزا اینترنشنال، ده نسخه سیاه و سفید از کلیه نقشه‌های ترسیمی مربوطه را در ۳ مارس ۱۹۷۸ (۱۲ اسفندماه ۱۳۵۶) و ۲۰ مارس ۱۹۷۸ (۲۹ اسفندماه ۱۳۵۶) تسلیم نموده و سازمان آب و برق تا مارس ۱۹۸۰، یعنی به جای دو ماه مقرر در قرارداد، تا دو سال بعد به نقشه‌های اوزالیدی اعتراض نکرد. نظر به اینکه سازمان آب و برق، ظرف مدت مقرر درخواست ننموده که نقشه‌ها به شکل دیگری تسلیم شود، چنین باید تلقی کرد که آنها را پذیرفته است.

۱۶۷ - نهایتاً "در مورد اظهارات سازمان آب و برق مبنی بر عدم تسلیم گزارشهای" مرحله دوم، دیوان ملاحظه می‌نماید که کلیه اسناد قرارداد پروژه بهیبهان، تسلیم و طبق دستور سازمان مورد تجدید نظر واقع شده و چون گزارش دیگری در آن مرحله از پروژه الزامی نبوده دیوان مبنائی برای شکایت سازمان آب و برق نمی‌یابد.

#### ۴ - پروژه‌های آبیاری جایزان و خلف‌آباد

۱۶۸ - سازمان آب و برق در آخرین ادعای متقابل خود مدعی است که "گزارش مقدماتی فاز اول کانالهای آبیاری جایزان و خلف‌آباد کامل نبوده و اطلاعات داده شده در حد شناسائی است". بنا بر این دیوان از آقایان توونو و پینتو درخواست کرد تحقیق کنند که:

آیا هارزا اینترنشنال مدارک محاسبات و گزارشهای نهائی مربوط به شبکه آبیاری بهیبهان را تسلیم داشته، و آیا گزارش مقدماتی فاز اول پروژه‌های آبیاری جایزان و خلف‌آباد تسلیمی توسط هارزا کامل و منطبق با کاملترین اطلاعات و عالی‌ترین استانداردهای حرفه‌ای متداول بوده است؟

۱۶۹ - مرحله اول مطالعات توجیهی پروژه‌های جایزان و خلف‌آباد، جزئی از گزارش توجیهی عمران رود مارون بود که هارزا اینترنشنال در ۱۹۶۷ تسلیم کرده بود. سازمان آب و برق در همان زمان ایرادی به گزارش نگرفت بنا براین باید چنین تلقی کرد که طبق بند ۲ ماده ۴ قرارداد، گزارش را پذیرفته است.

۱۷۰ - بعلاوه، دیوان نتیجه‌گیری کارشناسان منصوب خود را تأیید می‌کند. ایشان معتقدند هرچند که در گزارش توجیهی، بحث مربوط به پروژه‌های جایزان و خلف‌آباد به اندازه بحث مربوط به پروژه‌های آبیاری بهبهگان و شادگان مفصل نبوده:

" مختصر بودن مطالعات مقدماتی مربوط به مناطق جایزان و خلف‌آباد، نتیجه طبیعی فقدان داده‌های توپوگرافی و نظم طبیعی اولویت آن قسمت از پروژه در برابر عمران کلی رود مارون بوده است."

بند ۴ ماده شش قرارداد تصریح می‌کند که " سازمان آب و برق، مخارج تاءمین احتیاجات ... نقشه برداری و مطالعات زمین شناسی و جغرافیائی ..... مهندسی را بعهده خواهد گرفت " ماده مزبور، همچنین مسئولیت مهندس را " در مواردی که .... مطالعات و نقشه برداری .... با جزئیات و در زمان لازم برای حسن اجرای این قرارداد در اختیار مهندس گذارده نشود" محدود کرده است. بدین ترتیب هرگونه نارسائی گزارش در قسمت‌های مربوط به جایزان و خلف‌آباد متوجه سازمان بوده و هارزا اینترنشنال مسئولیتی از آن بابت ندارد.

#### ه - سایر ادعای متقابل

۱۷۱ - خواندگان علاوه بر ادعاهای متقابل مندرج در دادخواست متقابل، ضمن سایر لوایح خود، ادعاهای متقابل و اظهارات جدیدی راجع به تخلفات هارزا مطرح کرده‌اند. من باب مثال در دفاعیه دوم خود که در ۲۱ اکتبر ۱۹۸۲ ( ۲۹ شهریورماه ۱۳۶۱ ) ثبت گردید، خواندگان بعنوان یک ادعای متقابل

جدید ادعا کرده‌اند که هارزا اینترنشنال در انتخاب محل های سدکارون و مارون، گزارشات و مطالعات لرزه نگاری را کاملاً مورد توجه قرار ندادده است. سازمان آب و برق طی تذکاریه نهائی مورخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۸۵ ( ۲۲ شهریورماه ۱۳۶۴) خود نیز ادعا کرد که هارزا اینترنشنال درباره حرکت سد که در نتیجه آب گیری مخزن سد ایجاد می شود مطالعه کافی ننکرده است. سازمان همچنین وجه ضمانت نامه های بانکی را که هارزا اینترنشنال در رابطه با کار موضوع قرارداد افتتاح کرده بود و همچنین پرداخت مالیات ها و حق بیمه اجتماعی را که ادعا می کند طلبکار است، مطالبه کرده است.

۱۷۲ - دیوان داوری طی قرار اعدادی مورخ ۲۳ فوریه ۱۹۸۳ ( ۴ اسفندماه ۱۳۶۱) خود، ادعای متقابل مربوط به لرزه نگاری را طبق بند ۳ ماده ۱۹ قواعد خود به دلیل ثبت خارج از موعد رد کرد. کلیه ادعاهای متقابل دیگر خواندگان که در دادخواست متقابل مورخ ۱۷ مه ۱۹۸۲ ( ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) آنان منظور نشده نیز باید به همین دلیل مردود اعلام شوند. (۶)

### ش - بهره

۱۷۳ - طبق ماده ۱۷ قرارداد، سازمان آب و برق ملزم بود وجه آخری صورت حساب را ظرف یکماه پس از دریافت صورت حساب بپردازد. صورت حساب مورخ ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ ( ۹ خردادماه ۱۳۵۹)، طی نامه مورخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۰ ( ۲۳ تیرماه ۱۳۵۹) ارسال گردید و با در نظر گرفتن یک هفته برای رسید آن به سازمان، صورت حساب باید در تاریخ ۲۱ اوت ۱۹۸۰ ( ۳۰ مردادماه ۱۳۵۹) پرداخت می شد.

---

(۶) هر چند دفاعیه مورخ ۱۷ مه ۱۹۸۲ ( ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) اختصاراً " به مالیات ها و حق بیمه اجتماعی به عنوان دفاع در مقابل ادعا اشاره شده، در دادخواست متقابل ذکری از آنها نرفته است. در هر حال دیوان نظر داده است که صلاحیت رسیدگی به ادعاهای متقابل کلی بابت مالیات و حق بیمه های اجتماعی را ندارد. رجوع شونده طی سی اس بی اینکورپوریتدو ایران، حکم شماره ۱۴۰-۱۱۴ ص ۲۴ ( ۱۶ مارس ۱۹۸۴ / ۲۷ اسفندماه ۱۳۶۲) سیلوانیا تکنیکال سیستمز اینکورپوریتدو دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰ ص ۴۱ - ۴۰ ( ۲۷ ژوئن ۱۹۸۵ / ۶ تیرماه ۱۳۶۴) اینترنشنال تکنیکال پروداکتس کورپوریشن و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین حکم شماره ۳-۳۰۲-۱۹۶ ص ۲۹ ( ۲۸ اکتبر ۱۹۸۵ / ۶ آبان ماه ۱۳۶۴).

۱۷۴ - دیوان براین نظر است که خواهانها محقند از این تاریخ بهره دریافت کنند و آن را به نرخ ۱۲ درصد در سال بهره ساده مقتضی می‌دانند. در این رابطه، دیوان ملاحظه می‌نماید که ماده ۷ متمم ۱۹۷۱ قرارداد، نرخ بهره را مطابق نرخ جاری بانک اعتبارات صنعتی سازمان برنامه تعیین نموده است. خواهانها اظهار داشتند که نرخ مزبور، ۱۲ درصد بوده و سازمان آب و برق مخالفتی با اظهار خواهانها ننمود.

#### هفت - هزینه‌ها

۱۷۵ - طی جریان رسیدگی به پرونده حاضر، هریک از طرفین مبلغ ۸۵،۰۰۰ دلار بابت هزینه کارشناسی به صورت علی الحساب به دیوان پرداخت نموده است. هزینه واقعی بالغ بر ۱۶۳،۴۱۳/۷۴ دلار گردیده و از مبلغ پیش پرداختی، مبلغ ۶،۵۸۶/۲۶ دلار نزد دیوان باقی مانده است. خدمات کارشناسی در درجه اول در نتیجه طرح تعدادی ادعاهای متقابل که حاوی مسائل فنی و مهندسی بود ضرورت یافت. هزینه‌های مزبور بلاشک هزینه‌هایی است که طبق قواعد دیوان اساساً "به عهده طرف داد باخته است و در اوضاع و احوال پرونده حاضر که خواهانها هم در ادعاهای خود و هم در ادعاهای متقابل برنده شده‌اند، دیوان معتقد است که هزینه‌های مزبور را سازمان آب و برق خوزستان باید متحمل گردد. آنچه نزد دیوان باقی مانده باید به خواهانها پرداخت شود و حکمی معادل باقیمانده مبلغ ۸۵،۰۰۰ دلار باید به نفع خواهانها صادر گردد. در مورد کلیه هزینه‌های دیگر، هر یک از طرفین، هزینه‌های داوری مربوط به خود را بعهده خواهد گرفت.

#### هشت - حکم

به دلایل پیش گفته، دیوان حکمی به شرح زیر صادر می‌نماید:  
الف - سازمان آب و برق خوزستان ملزم است که مبلغ هشت میلیون و چهارصد و شانزده هزار و هشتصد و پنج دلار و هشتاد و شش سنت ( ۸،۴۱۶،۸۰۵/۸۶ د لار )

امریکا، به علاوه بهره ساده آن به میزان ۱۲ درصد در سال (براساس ۳۶۵ روز) از ۲۱ اوت ۱۹۸۰ (۳۰ مردادماه ۱۳۵۹) تا پایان روزی که کارگزار امانی دستورپرداخت مبلغ حکم را به بانک امین از محل حساب تضمینی صادرکند، به علاوه مبلغ هفتاد و هشت هزار و چهارصد و سی و دو دلار هفتاد و چهار سنت (۷۸،۴۱۳/۷۴ دلار) امریکا بابت قسمتی از هزینه کارشناسی به خواهانها، ریچارد دی هارزا، جان ای اسکوویل و جرج ئی پیج پردازد.

ب- ادعای سلب مالکیت از اموال شخصی و همچنین دوازده ادعای متقابل سازمان آب و برق که در رابطه با قراردادهای مورد ادعا مطرح شده اند از لحاظ ماهیت مردود اعلام میشوند. کلیه ادعاهای متقابل دیگر به دلیل ثبت خارج از موعد مردود اعلام میشوند.

ج- تعهدات فوق الذکر باید از محل حساب تضمینی به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر ایفا گردد.


د- دبیرکل دیوان باید مبلغ شش هزار و پانصد و هشتاد و شش دلار و بیست و شش سنت امریکا (۶،۵۸۶/۲۶ دلار) که معادل مانده پیش پرداخت هزینه های کارشناسی است به عنوان بقیه هزینه کارشناسی به خواهانها، ریچارد دی هارزا، جان ای اسکوویل و جرج ئی پیج پردازد.

ه- در مورد کلیه هزینه های دیگر، غیر از هزینه کارشناسی، هر یک از طرفین، هزینه های داوری مربوط به خود را به عهده خواهد گرفت.



و - حکم حاضر، جهت ابلاغ به کارگزار امانی، تسلیم ریاست دیوان می‌گردد.

لاہہ، بتاریخ ۲ مئی ۱۹۸۶ برابر با ۱۲/۲/۱۳۶۵

  
\_\_\_\_\_

روبرت برینڈلی

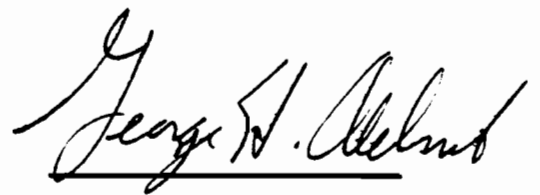
رئیس شعبہ دو

بہ نام خدا



\_\_\_\_\_

حمید بہرامی - احمدی



جرج اچ . آلفورڈ

موافق با قسمت ہائی و مخالف  
با سایر قسمت ہا بشرح مندرج  
در نظریہ مخالف